

# دنیای اقتصاد

ضمیمہ آخر ہفتہ

## ماموریت کہنہ نظام آموزشی

◀ مدارس ما چقدر سواد واقعی یاد می دهند؟

## تقویم دوره های آموزشی اردیبهشت و خرداد ۹۵

ردیف	عنوان	روز	تاریخ	مدت	ساعت	مدرس
۱	اعتبار اسنادی (L/C) بایدها و نبایدها در پسا براجام	جمعه	۹۵/۰۲/۲۴	۹-۱۵	۵	افشین خانی
۲	دوره جامع کاربردی تحلیل فاندمنتال بنیادی ارز و طلا	جمعه	۹۵/۰۲/۲۴	۹-۱۵	۶	دکتر عباس نوروزی
۳	مهندسی فروش املاک و مستغلات	شنبه	۹۵/۰۲/۲۵	۱۴-۱۸	۸	مسعود سعادت مند
		یکشنبه	۹۵/۰۲/۲۶			
۴	مسئولیت های حقوقی مدنی و کیفری مدیران شرکت های تجاری (سهامداران، شرکای شرکت ها، مدیران، بازرسان و حسابرسان)	دوشنبه	۹۵/۰۲/۲۷	۱۴-۲۰	۶	حسین اقدامی
۵	استراتژی سرمایه گذاری و تحلیل بازار مسکن سالهای ۹۵-۹۶	سه شنبه	۹۵/۰۲/۲۸	۱۵-۲۰	۵	دکتر بهروز ملکی (مؤلف کتاب تحلیل بازار مسکن ایران)
۶	ده تکنیک طلایی و جذاب مدیریت برافراد ناراضی در سازمان	چهارشنبه	۹۵/۰۲/۲۹	۹-۱۳	۴	دکتر علیرضا یوسفی
۷	روش های تامین مالی از طریق صندوق توسعه ملی	چهارشنبه	۹۵/۰۲/۲۹	۱۴-۱۹	۵	محسن شریف و محمد رضا شریف
۸	مدیریت صادرات و بازار یابی (فروش خارجی)	پنجشنبه	۹۵/۰۲/۳۰	۱۴-۲۰	۶	افشین خانی
۹	شناخت استراتژی ها و عوامل کلیدی موفقیت در مسکن و ساختمان	پنجشنبه	۹۵/۰۲/۳۰	۹-۱۳	۴	دکتر سعید سعادت مند
۱۰	مشتری مداری و تکنیک های رفتار با مشتری	سه شنبه	۹۵/۰۳/۰۴	۹-۱۶	۷	دکتر محمد بلوریان تهرانی
۱۱	اصول و مراحل راه اندازی باشگاه مشتریان	چهارشنبه	۹۵/۰۳/۰۵	۱۴-۱۸	۴	حمید محمدی پور
۱۲	تکنیک های معامله گری در بازار سرمایه ایران (رفتار شناسی معاملات در بازار سهام ایران)	پنجشنبه	۹۵/۰۳/۰۶	۹-۱۷	۸	علی قنبری
۱۳	آداب و تشریفات در مذاکرات تجاری و بین الملل ویژه مدیران	شنبه	۹۵/۰۳/۰۸	۱۴-۱۸	۴	محمد علی بیدار مغز (مستشار اول کادر اول سیاسی وزارت امور خارجه)
۱۴	بازی قیمت در بازار سهام (چگونه قیمت در بازار سهام صعود و سقوط می کند)	یکشنبه	۹۵/۰۳/۰۹	۱۴-۱۸	۴	دکتر عباس نوروزی
۱۵	مدیریت مالی برای مدیران غیر مالی	دوشنبه	۹۵/۰۳/۱۰	۹-۱۷	۸	بیژن سلطانی
۱۶	طرح توجیهی فنی اقتصادی بر اساس استانداردهای بانکی	سه شنبه	۹۵/۰۳/۱۱	۸/۳۰-۱۲/۳۰	۸	محسن شریف
		چهارشنبه	۹۵/۰۳/۱۲			
۱۷	منشی گری حرفه ای (دوره ارتقای مهارت های مسئولان دفاتر اداری)	سه شنبه	۹۵/۰۳/۱۱	۱۴-۱۸	۸	حمید محمدی پور
		چهارشنبه	۹۵/۰۳/۱۲			
۱۸	مدیریت موثر بر قراردادها (اصول و تهیه و تنظیم قراردادها)	پنجشنبه	۹۵/۰۳/۱۳	۹-۱۷	۸	دکتر مسعود منشدی
۱۹	تکنیک ها و روش های نوین هنر متقاعد سازی در مذاکرات	دوشنبه	۹۵/۰۳/۱۷	۹-۱۷	۸	مسیح کریمیان
۲۰	تجزیه و تحلیل صورتهای مالی	سه شنبه	۹۵/۰۳/۱۸	۹-۱۳	۸	بیژن سلطانی
		چهارشنبه	۹۵/۰۳/۱۹			

واحد آموزش روزنامه دنیای اقتصاد آمادگی خود را به منظور تدوین و برگزاری دوره های ویژه اختصاصی برای شرکت ها، سازمان ها و موسسات (دولتی و غیر دولتی) که تمایل به برگزاری دوره اختصاصی برای مدیران، کارشناسان و کارکنان خود را دارند، اعلام می نماید

آدرس ایمیل: [infotc@den.ir](mailto:infotc@den.ir)  
<https://telegram.me/tcdn>

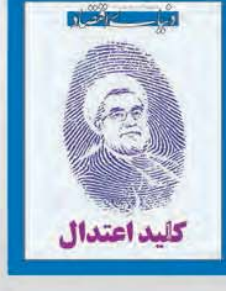
سایت: [tc.den.ir](http://tc.den.ir) تماس حاصل فرمایید ۸۷۷۶۲۴۱۱-۸۷۷۶۲۴۱۶  
با عضویت در "شبکه واحد آموزش روزنامه دنیای اقتصاد" در "تلگرام" از "ادرسد تخفیف" برخوردار شوید.

محل برگزاری: تهران، خیابان مطهری، بین میرزای شیرازی و سنایی، پلاک ۳۷۰





# ضمیمه آخر هفته دنیای اقتصاد همراه شما





## ۳ رکن فقرزدایی آموزشی موثر



میثم هاشم‌خانی  
پژوهشگر اقتصاد اجتماعی

آن بخش از فرزندان خانوارهای کم‌درآمد که امسال وارد کلاس اول دبستان می‌شوند، به احتمال فراوان زمانی وارد بازار کار خواهند شد که دیگر نفتی برای صادرات نخواهیم داشت و در نتیجه حمایت نفتی از برنامه‌های فقرزدایی قطع شده است. بنابراین اگر نتوانیم کیفیت آموزشی مناسبی برای این کودکان تامین کنیم، احتمالاً این کودکان در بزرگسالی به فقر سنگینی دچار خواهند بود که همه ما در قبال آن مسوولیم. اما اگر مجلس جدید بخواهد در اولین سال فعالیت خود برنامه‌ای جامع برای «فقرزدایی مدرسه‌محور» طراحی کند، چه الزاماتی را باید رعایت کند؟

به نظر می‌رسد که چنین برنامه‌ای باید ۳ جنبه را به‌طور همزمان در نظر بگیرد: (۱) در جنبه «بودجه‌ای»، قانون مالیات ویژه توسعه عدالت آموزشی کودکان که در مجلس قبل تصویب شد، به‌منزله دعوت از شرکت‌های تجاری زیرمجموعه آستان قدس رضوی (ع) و ستاد اجرایی فرمان امام (ره) برای پیوستن به نهضت توسعه عدالت آموزشی کودکان بود. در این زمینه ضرورت دارد که مجلس جدید برای اجرایی شدن قانون مالیات ویژه توسعه عدالت آموزشی، به نظارت و تعامل مناسب با سایر نهادهای مرتبط بپردازد.

(۲) در جنبه «ساختاری»، بحث فقرزدایی مدرسه‌محور، یکی از مهم‌ترین محورها به کاهش حفظیات و افزایش «مهارت‌های غیرشناختی» مربوط می‌شود. از مهارت خلاقیت گرفته تا مهارت پرسشگری، سواد رسانه‌ای، سواد ارتباطی و...

محور بعد، «کاهش تمرکز» است. اینکه بخواهیم در تهران بنشینیم و همه سیاست‌های مالی و مدیریتی و منابع انسانی مربوط به یک میلیون پرسنل آموزش و پرورش را تعیین کنیم، قطعاً به خروجی بهینه منجر نمی‌شود. کاهش تمرکز در آموزش و پرورش و حرکت به سمت مدیریت مدرسه‌محور، باعث می‌شود که انعطاف بیشتری در جهت سازگاری آموزش و پرورش با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی و اقلیمی هر منطقه کشور ایجاد شده و مدیریت مرکزی آموزش و پرورش هم فراغ بال بیشتری برای نظارت و ارزیابی داشته باشد.

محور دیگر، مهارت‌های فناوری اطلاعات است. باید توجه کنیم که مهارت‌های ICT در قرن ۲۱، به‌منزله خط فقر آموزشی تلقی می‌شود. افزایش سهم فناوری اطلاعات در سبب آموزشی کشور می‌تواند از یک طرف به کاهش نابرابری در بهره‌مندی از محتوای آموزشی باکیفیت منجر شود و از طرف دیگر هم مهارت‌های فناوری اطلاعات را به‌عنوان رکن کلیدی مهارت‌های شغلی در قرن ۲۱، در میان کودکان افزایش دهد.

(۳) جنبه «آماری»، رکنی کلیدی در برنامه جامع «فقرزدایی مدرسه‌محور» است. در حال حاضر ۳۶ کشور عضو OECD هر ساله بالغ بر ۱۵۰۰ صفحه گزارش آماری در زمینه شاخص‌های آماری مختلف مربوط به کیفیت و عدالت آموزشی کودکان را به‌طور رایگان و اینترنتی منتشر می‌کنند. در نقطه مقابل، ما سالانه حتی ۲ صفحه آمار عمومی هم در این حوزه منتشر نمی‌کنیم و همه آمارها را محرمانه می‌دانیم.

در اقتصادهای پویای دنیا، حتی نرخ شادمانی و افسردگی کودکان هم منظم اندازه‌گیری و منتشر می‌شود؛ ولی ما حتی آماری مبنایی مثل نرخ بازماندگی از تحصیل کودکان را هم محرمانه تلقی می‌کنیم. اگر مجلس آینده بخواهد از کیفیت مناسب سیاست‌گذاری در حوزه فقرزدایی مدرسه‌محور مطمئن شود، باید چارچوبی لازم‌آور برای انتشار «منظم» و «علنی» آمارهای مختلف مربوط به عدالت و کیفیت آموزشی کودکان تصویب کند.

آخر هفته دنیای اقتصاد  
شماره ۱۷۱ • ضمیمه شماره ۳۷۶۳  
۲۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۵ • ۶۴ صفحه

صاحب امتیاز: دنیای اقتصاد تابان  
مدیر مسئول: علیرضا بختیاری  
سر دبیر: علی میرزاخانی  
دبیر اجرایی: نفیسه توکلی

عکس: صبا طاهریان



کاهش قیمت جهانی نفت این روزها بیشتر از هر کشوری، سعودی‌ها را نگران کرده به‌طوری که ملک سلمان پادشاه عربستان، با صدور فرمانی ساختار کابینه وزارت نفت و مسوولان موسسات سعودی را تغییر داد.

۷

پیش از این در صفحات سلامت با شخصیت مهرطلب‌ها آشنا شده‌اید در این شماره شما را بیشتر با افراد برتری طلب آشنا می‌کنیم که به نوعی در مقابل مهرطلب‌ها قرار دارند.



۴۴

گوگل در ایو ایزار فوق‌العاده‌ای برای بهره‌وری است اما زمانی که زیاد از آن استفاده می‌کنید مشکلاتی در خصوص سازماندهی اطلاعاتتان پیدا می‌کنید. اگر شما هم با این مشکل برخورد کرده‌اید با صفحات دیجیتال این شماره همراه شوید.

۵۸



طبق تحقیقی که در دانشگاه کمبریج انجام شده مشخص شده که عادات پولی کودکان در سن ۷ سالگی ایجاد می‌شود. این فرصتی برای بزرگسالان است تا چارچوب‌های ذهنی فرزندان‌شان را در این دوران شکل بدهند.

۳۹

طرح مسکن قسطی که پیش از این به شعب بانک مسکن ابلاغ شده بود این روزها به صورت غیررسمی بین خریداران و فروشنندگان در حال اجرا است. کارشناسان علت راه‌افتادن بازار غیررسمی را مدت زمان طولانی پرداخت قسط از طریق بانک می‌دانند.

۵۴



### گروه دبیران:

خبرنامه: زهرا واعظ • گردشگری: پرستو فخاریان • سلامت: عاطفه چهره گشا • دیجیتال: شهرام شریف  
 • مسکن: فرید قدیری • کسب و کار: پرسا حبیبی • اقتصاد خانواده: حمیدرضا آریان پور  
 • خودرو: مرجان شهریاری • عکس: مجتبی سراجام پور • منوی فرهنگی: یاسین نمکچیان  
**همکاران تحریریه:**

امیررشید مهرآبادی، لسی لا رضایی، مریم رضایی، آنایستا جمشیدنژاد، هاجر شادمانی، بهشادبهرامی، نورا حسینی، سونیتاسراب پور، ندا لهردی، اسدالله قربانزاده، حمیدرضا محمدی، شایان ربیعی، حسین موسوی، مهرداد نصرتی، محمد مجیدی، صدیقه محمدی

### گروه بازرگانی و آگهی ها:

مدیر آگهی ها: داریوش عباسی

حمیدرضا صفایی، رضا دهقان، هاشم گران فر، مجتبی معین فر، سعیده نبی زاده، محمود طوقدار، بهناز پناهی، زینب طاری، افسانه سیفی ناجی

**هنری و فنی:** مدیر آتلیه: آرش لاجورد

صفحه آرایی: علی ضیائی، محمد محمودی، زهره دهقانی

**نشانی روزنامه دنیای اقتصاد:** خیابان شهید مطهری، بین میرزای شیرازی و سنایی،

شماره ۳۷۰ تلفن: ۸۷۷۶۲۱۲۰

لیتوگرافی و چاپ: ایرانیان

## فهرست

عکس خبری	۴
خبرنامه	۶
۴ خبر تحلیل	۸
<b>توسعه و عدالت آموزشی</b>	
فقر زدایی آموزشی واقعی، چگونه؟	۱۰
مشکل آموزش و پرورش در نظام تدبیر است نه کمبود بودجه	۱۴
۹۹ درصد بودجه آموزش و پرورش، صرف حقوق پرسنل می شود	۱۵
هر کودک بازمانده، یک فرصت ازدست رفته است	۱۷
کار آموزش و پرورش آموزش فقط برای کنکور است	۱۸
غنا بخشیدن به آمار؛ گام اول سیاست گذاری و برنامه ریزی	۲۰
کیفیت بخشی مدارس، مهم تر از مدرسه سازی	۲۲
سیاست گذاری آموزشی ما، قرینه های است	۲۴
گلادیاتور ها در مدارس	۲۶
<b>فستیوال کتاب</b>	
جراحی بزرگترین رویداد فرهنگی ایران	۲۸
مخاطبان سنگ تمام گذاشتند	۳۰
پتانسیل تبدیل شدن به نمایشگاه تمام عیار	۳۱
<b>نایفه کوچک</b>	
مارسلوی برزیلی طرفدار آرات است	۳۲
برپا کننده توفان در شبکه های مجازی	۳۴
<b>سبک زندگی</b>	
با رزومه خود جلب توجه کنید	۳۶
دستیابی به مزیت رقابتی: رمز موفقیت شرکت UTC	۳۷
متحول کنندگان دنیا چه کسانی هستند؟	۳۸
۵ نکته برای رشد هوش مالی کودکان	۳۹
راه دست یابی به تمرکز در امور مالی زندگی	۴۰
زیستگاهمان را نابود نکنیم	۴۲
نگاهی به رابطه آب با اشتغال زایی و رشد اقتصادی	۴۳
تیپ شخصیتی برتری طلب	۴۴
۵ راهکار طلایی برای شاد بودن	۴۵
یک تکنیک ساده برای مدیتیشن	۴۶
چگونه مغز خود را قدرتمند کنیم؟	۴۷
چگونه عوارض مزمن و حاد دیابت را کاهش دهیم؟	۴۸
چرا برنج شکمتان را چاق می کند؟	۵۰
<b>راهنمای خرید</b>	
تحلیل رسمی از رشد معاملات مسکن	۵۲
ارتقای امتیاز ساخت و ساز در بافت فرسوده	۵۳
فاصله مسکن قسطی با ذائقه مالکان	۵۴
اسباب کثی پر در دسر نمایشگاه کتاب	۵۵
دریافت گزارش های مفید از گوشی	۵۶
حفاظت از اطلاعات فولدرها با گذاشتن رمز عبور	۵۷
گوگل درایو خود را حرفه ای سازماندهی کنید	۵۸
اشتباهات رایج در زمان خرید خودرو	۶۰
سرنوشت قیمت خودرو در سال ۹۵	۶۱
مشتریان به کدام خودروها امتیاز بیشتری دادند؟	۶۲
آخرین بازمانده کمونیسیم	۶۳
اینستاگرام	۶۴



۳۶

تهیه و ارسال یک رزومه خوب و مناسب تاثیر زیادی بر آینده شغلی شما دارد. شما باید بتوانید توجه کارفرمایان را با یک رزومه خوب به خود جلب کنید.



شاید در نگاه اول کمی بی ربط به نظر برسد اما از هر چهار شغلی که بیشترین نیروی کار را به خود اختصاص می دهند سه شغل به طور متوسط به آب وابسته هستند و این بدان معناست که کمبود آب رابطه مستقیمی با عدم اشتغالزایی و بیکاری دارد.

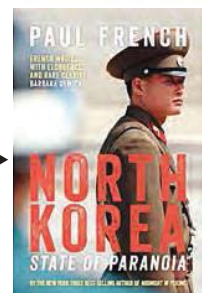
۴۳



اگر با بخش پانزدهم از ترجمه کتاب «کره شمالی: دولت پارانویا» که توسط محمد حسین

باقی به فارسی برگردانده شده همراه شوید می خوانید که چطور کره شمالی خود را در برابر امپریالیسم تسلیم نکرده و به واسطه جوهره نظریت استقلال خود را حفظ کرده است.

۶۳



۶۱

سرنوشت قیمت خودرو در سال ۹۵ با اختلاف میان خودرو سازان و شورای رقابت، سرنوشت مبهمی به خود گرفته است. در حالیکه خودرو سازان معتقدند باید قیمت خودرو افزایش یابد اما کارشناسان این اقدام را در شرایط رکود حاکم بر بازار غیر منطقی توصیف می کنند.







## عکس خبری



مجمع انتخابات فدراسیون فوتبال برای مشخص شدن رئیس و اعضای هیات رئیسه این فدراسیون صبح شنبه در سالن همایش‌های آکادمی ملی المپیک برگزار شد.



کالاهایی که از بین رفته بخشی از کالاهای مکشوفه قاچاق است که نتوانسته مجوز مصرف انسانی را بگیرد بنابراین حکم امحای آن از جانب مرجع قضائی صادر شده است.

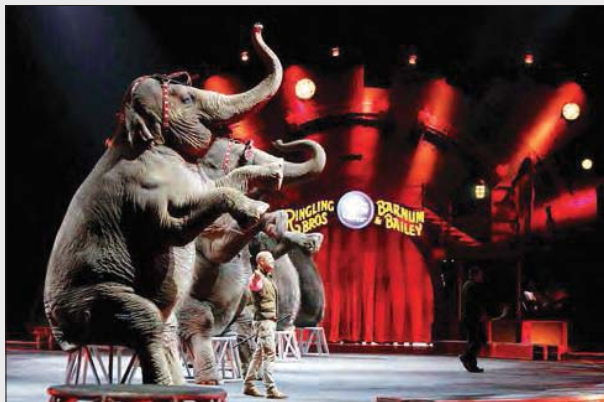


بیست و سومین جشنواره فرهنگی و ورزشی عشایر قره‌قیه روز جمعه در روستای تراکمه قشلاق هارنا شهرستان کلیدر آذربایجان شرقی برگزار شد.

مراسم کاشت درخت صلح بین دو ملت ایران و ژاپن بعد از ظهر دوشنبه با حضور همسر نخست وزیر ژاپن «آکیه آبه» و معصومه ابتکار رئیس سازمان حفطت محیط زیست ایران در پارک پردیسان برگزار شد.







مسوولان یک سیرک حیوانات در پنسیلوانیای آمریکا با اجرای آخرین نمایش فیل‌ها، به منظور احترام به حقوق حیوانات این فیل‌ها را بازنشسته کردند. اجرای نمایش فیل‌ها در این سیرک سابقه‌ای ۱۴۵ ساله دارد.



مراسم روشن کردن مشعل پنجمین دوره بازی‌های داخل سالن و هنرهای رزمی آسیا در سال ۲۰۱۷، با حضور رئیس‌جمهور ترکمنستان و رئیس کمیته ملی المپیک آسیا و سفرای خارجی در قلعه نسای عشق آباد ترکمنستان برگزار شد.



عروسی سنتی در شهر کلات خراسان رضوی که هنوز با آیین و سنن ولباس‌های قدیمی مردم این منطقه برگزار می‌شود.

افراد معلول در لاپاز، پایتخت بولیوی، که در اعتراض به پایین بودن مستمری ماهیانه خود تظاهرات کرده بودند، با پلیس درگیر شدند.

وقوع آتش‌سوزی گسترده در قلب منطقه استخراج نفت اوایل سندز کانادا، مقامات ایالت آلبرتا این کشور را وادار به صدور دستور تخلیه یک شهر ۸۰ هزار نفری کرده‌است.





## خبرنامه



### تغییر در ریاست جام جم؟

◀ در حالی که شایعه استعفای رئیس سازمان صدا و سیما در اسفند سال گذشته بر سر زبانها افتاده بود اما حالا برخی خبرها از جدیت این گمانه زنی حکایت می‌کند. طی چند ماه گذشته صدا و سیما از جهات مدیریتی با حاشیه‌های فراوانی همراه بود که بخش قابل ملاحظه‌ای از آنها نیز به رسانه‌ها کشیده شد. برکناری سرافراز که ۱۹ ماه بر ساختمان شیشه‌ای جام جم ریاست کرد اتفاق بی‌سابقه‌ای است. از حداد عادل، علی عسکری معاون فنی صدا و سیما و نیز حسن خجسته معاون سابق امور صدا به‌عنوان گزینه‌های احتمالی جانشینی سرافراز یاد می‌شود.

### حل اختلاف دو قوه

◀ به دلیل پافشاری شورای نگهبان بر سر ابطال آرای مینو خالقی در انتخابات مجلس دهم و نیز تاکید دولت بر بررسی اعتبارنامه وی در مجلس شورای اسلامی، حالا پای هیات عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه در مورد تعیین تکلیف آرای منتخب دوم مردم اصفهان به میان کشیده شده است. یک منبع آگاه در دبیرخانه این هیأت اعلام کرده به زودی نتایج این بررسی به استحضار مقام معظم رهبری می‌رسد. مینو خالقی به‌عنوان یکی از ۱۸ نماینده زن مجلس دهم در ضیافت روحانی با نمایندگان این دوره حضور یافت.

### تاج ریاست فدراسیون بر سر تاج

◀ سرانجام پس از حاشیه‌ها و حرف و حدیث‌های فراوانی که در مورد مجمع و انتخابات فدراسیون فوتبال وجود داشت، مهدی تاج توانست با کسب ۵۰ رای از میان آرای ۷۳ عضو مجمع بر کرسی فدراسیون فوتبال تکیه بزند. کفاشیان هم پس از ۸ سال ریاست بر فدراسیون با ۶۴ رای به سمت نایب‌رئیس اول فدراسیون رسید. از این رو برخی رسانه‌ها جابه‌جایی تاج و کفاشیان را به مدل «پوتین-مدودف» تشبیه کردند. مدلی که مشخص نیست با ترکیب تازه فدراسیون و رویکرد جدید مجمع تا چه مدتی ممکن است ادامه پیدا کند.

## یارگیری برای کرسی ریاست

پیشنهادی فراکسیون امید به‌منظور بررسی آن توسط منتخبین و اعمال اصلاحات رونمایی کنند و در کنار آن همایش فراگیر منتخبان مجلس دهم با حضور آیت‌الله موحدی کرمانی و علی لاریجانی برگزار شد. هر چند که از نشست‌های روز شنبه آمارهای متفاوتی بیرون آمد اما اصلاح‌طلبان تعداد قطعی افراد حاضر در نشست فراکسیون امید را ۱۵۸ نفر و اصولگرایان ۱۵۴ نفر حاضر قطعی به همراه ۲۷ نفر حاضر تلفنی (۱۸۱ نفر) عنوان کردند. با وجود آنکه به نظر می‌رسد نشست‌های هم‌اندیشی نتوانست وزن سیاسی جناح‌بندی‌ها برای کرسی ریاست مجلس را مشخص نماید اما احتمالاً حمایت مستقل‌ها از هر یک از جناحین می‌تواند تکلیف رئیس مجلس را در دوره دهم روشن کند. پس از انتخابات مجلس در هفتم اسفند ۹۴ و دهم اردیبهشت ۹۵ یکی از کشمکش‌های سیاسی، ادعای هر یک از دو طیف اصلاح طلب و اصولگرا مبنی بر پیروزی در انتخابات بود.



همزمان با نزدیکی موعد آغاز به کار مجلس دهم، تنور یارگیری‌های اولیه برای تعیین ریاست بهارستان هم داغ شده است. در اولین رقابت بین دو طیف سیاسی منتخبان مجلس که گروهی خواهان ریاست عارف سرلیست اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان بر کرسی ریاست مجلس هستند و گروهی دیگر هم ادامه ریاست لاریجانی را برنامه‌ریزی می‌کنند، سه همایش هم‌اندیشی روز شنبه در تهران برای منتخبان دوره دهم برگزار شد. ابتدا منتخبان نمایندگی مجلس، نخستین گردهمایی خودشان را با نام «همایش دو روزه فرآیند قانونگذاری - الزامات و راهکارها» با حضور ۲۷۲ تن از منتخبان دوره دهم و برخی چهره‌های دولتی برگزار کردند. بعد از این همایش، دو همایش دیگر همزمان و جداگانه از سوی دو طیف اصولگرا و اصلاح‌طلب برگزار شد. به این صورت که منتخبان لیست امید به دعوت عارف بعد از ظهر در مسجد سلمان فارسی گردهم آمدند تا از اساسنامه

### تشدید جنگ قدرت در ترکیه

◀ در پی آشکار شدن جنگ قدرت میان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر ترکیه، «احمد داود اوغلو» از ریاست حزب حاکم عدالت و توسعه استعفا کرد. این حزب اخیراً قدرت انتخاب مقام‌های استانی را از اوغلو گرفته بود که به معنی کاهش قدرت نخست‌وزیر و افزایش نفوذ و اختیارات رئیس‌جمهور است. اردوغان در تلاش برای جایگزینی سیستم ریاست جمهوری به جای سیستم پارلمانی است. در پی بالا رفتن این جنگ قدرت در عالی‌ترین سطوح رهبری سیاسی ترکیه، شاخص سهام و ارزش لیر ترکیه سقوط کرد.

### ترامپ رقیب‌نهایی کلینتون؟

◀ با وجود تبنانی دو رقیب ترامپ علیه این تاجر جنجالی، اما ظاهراً پیروزی‌های پی‌در پی نامزد پیش‌ناتز حزب جمهوری خواه نتوانست تدکروز و جان کیسیک را در کورس رقابت‌های درون حزبی جمهوری خواهان نگه دارد. حالا دونالد ترامپ به گزینه اصلی برای معرفی به‌عنوان نامزد نهایی حزب و رقابت با هیلاری کلینتون، کاندیدای احتمالی دموکرات‌ها تبدیل شده است. گزینه‌ای که البته حمایت بسیاری از چهره‌های مطرح و مقامات حزب جمهوری خواه را ندارد و انتخابش برای کل آمریکا فاجعه‌بار خواهد بود.

### غافلگیری در خان طومان

◀ با وجود توافق آمریکا و روسیه بر سر آتش بس در حلب، اما ترور بیست‌های تکفیری با سوء استفاده از آتش بس و به پشتیبانی نیروهای عربستان و ترکیه، غافلگیرانه به نیروهای سوری و مستشاران ایرانی در خان طومان حمله کردند و آن منطقه را که چند ماه پیش آزاد شده بود، گرفتند. در این نبرد ۱۳ تن از مدافعین مازندرانی حرم به شهادت رسیدند. اگرچه عملیات بازپس‌گیری این مناطق به سرعت آغاز شد، اما برخی مقامات لشکری و کشوری اعلام کردند این ماجرا بی‌پاسخ مانده و به‌زودی تقاضا سختی از تکفیری‌ها گرفته خواهد شد.





### تقابل بانکی مجلس نهم با دولت

◀ در واپسین روزهای باقی مانده از عمر مجلس نهم، کلیات طرح بانکداری اسلامی در حالی به تصویب نمایندگان مجلس رسید که به رغم برگزاری نامنظم جلسات کمیسیون‌ها، این طرح مهم در قالب اصل ۸۵ به کمیسیون اقتصادی سپرده شد. نماینده بانک مرکزی پیش از این گفته بود اگر چه طرح مجلس در برخی موارد با لایحه دولت همخوانی دارد ولی در بسیاری از موارد نیز ناقص است و نیاز به کار کارشناسی بیشتری دارد. به نظر می‌رسد تصویب شتابزده طرح مذکور در موضوع مهمی چون اصلاح نظام بانکی بر پیچیدگی‌های کار بیفزاید.

### بنزین پایه لیتری ۱۰۰۰ تومان

◀ با وجود مخالفت شدید دولت و در راس آن وزیر نفت با بنزین چند نرخ، قیمت بنزین از مهرماه امسال مطابق با مصوبه مجلس دو نرخ خواهد شد. اما آن گونه که معاون وزیر نفت خبر داده دولت می‌خواهد سهمیه پایه یعنی سهمیه تعیین شده توسط دولت برای شارژ ماهانه هر کارت سوخت را طوری تعیین کند که کمترین نیاز مردم برای رجوع به نرخ دوم ایجاد شود. این در حالی است که گفته شده دولت برنامه‌ای برای افزایش مجدد نرخ بنزین ندارد و قرار است نرخ پایه همان هزار تومان برای هر لیتر باقی بماند.

### حرمت شکنی در تلویزیون

◀ انتشار فیلمی از نحوه برخورد نامناسب فرزاد حسنی با مهمان برنامه اکسیر کافی بود تا مجری تازه بازگشته به تلویزیون را آماج انتقادات تند مردم در شبکه‌های اجتماعی قرار دهد. در این برنامه مرد شرکت کننده میانسال با ادبیتای توهین آلود و تمسخرآمیز خطاب شده و به عنوان هدیه نهایی زرشک دریافت می‌کند. پس از آنکه فرزاد حسنی و تهیه کننده این برنامه با حضور در تلویزیون ضمن عذرخواهی از مردم این آیتم را نمایشی عنوان کردند اما مخاطبان رسانه ملی این توضیح تهیه کننده را عذر بدتر از گناه دانستند.

## آینده مبهم بازار نفت

صنایع و معادن قرار گرفت. این تغییرات در شرایطی صورت گرفته که ایران همواره بر این موضع تاکید داشته تا زمانی که سهم خود را از بازار جهانی نفت به سطح قبل از تحریم‌ها نرساند، محدودیتی را نخواهد پذیرفت. اما در این میان برخی تحلیلگران بازار انرژی پیش‌بینی می‌کنند که شاهزاده بن سلمان (تئوریسین تغییرات جدید در عربستان) با تغییر وزیر نفت می‌خواهد جنگ نفتی شدید و بی‌رحمانه‌ای را برای رقابت با ایران در بازار نفت به راه بیندازد و تاثیر اوپک را بیش از پیش کم‌رنگ کند. این در حالی است که از سال ۲۰۱۴، عربستان استراتژی حفظ سهمیه در اوپک را به جای کاهش تولید با هدف حمایت از قیمت‌ها رهبری می‌کند و انتصاب وزیر نفت جدید به احتمال زیاد این استراتژی را تقویت خواهد کرد. از همین رو به نظر می‌رسد آینده بازار نفت با دخالت‌های سلمان بیشتر از قبل غیر قابل پیش‌بینی و نامنظم شود.

به نظر می‌رسد کاهش قیمت جهانی نفت که موجب کاهش درآمدهای نفتی کشورهای تولیدکننده از جمله عربستان شده است بیش از همه سعودی‌ها را برای آینده نگران کرده است. روز شنبه ملک سلمان، پادشاه عربستان با صدور فرمانی حکومتی، ساختار کابینه وزارتی و مسوولان موسسات سعودی را تغییر داد و برخی از وزارتخانه‌ها و هیات‌ها حذف یا ادغام شدند و همچنین برخی از وزراء از سمت خود برکنار شدند. از جمله مهم‌ترین این تغییرها، برکناری علی النعیمی وزیر کهنه کار عربستانی است که بیش از ۲۰ سال بر مسند وزارت نفت بزرگ‌ترین کشور صادرکننده نفت جهان تکیه زده بود. وی اصلی‌ترین تصمیم‌گیر صنعت نفت عربستان بود، اما در پی کاهش مداوم قیمت‌های جهانی نفت به دلیل خط مشی‌های نفتی‌اش با انتقادات بسیاری مواجه شد. به جای علی النعیمی، خالد الفالح، مدیرعامل شرکت نفت آرامکو در راس وزارتخانه انرژی،



### آموزش ۵ زبان خارجی در مدارس

◀ در پی انتقاد مقام معظم رهبری از ترویج انحصاری آموزش زبان انگلیسی در مدارس، دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش از آموزش پنج زبان آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیایی و روسی در مدارس خبر داد و گفت در صورت فراهم شدن زیرساخت‌ها، از سال تحصیلی آینده این کار انجام خواهد شد. این در حالی است که بلافاصله پس از اظهارات رهبر انقلاب، شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسهای با ریاست رئیس‌جمهور، دبیرخانه ششورا را موظف به بررسی کارشناسانه راه‌های اجرای توصیه رهبر انقلاب کرده است.

### ابهام در حج تمتع

◀ اعزام زائران حج تمتع امسال همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. در شرایطی که تا برگزاری موسم حج چند ماهی بیشتر باقی نمانده است برخی خبرها از بی‌نتیجه بودن مذاکرات میان مقامات ایرانی و مسوولان عربستانی حکایت می‌کند. از طرفی هنوز در خصوص شروط ایرانی‌ها از جمله چگونگی صدور ویزا و تامین امنیت زائران تفاهماتی حاصل نشده و از سوی دیگر در صورت توافق، زمان کافی برای انجام امور اعزام حجاج وجود ندارد. با این همه دور بعدی مذاکرات با سعودی‌ها روز شنبه برگزار خواهد شد.

### بازگشت شاخص به مرز ۷۷

◀ در این هفته شاخص بورس تا یک قدمی واگذاری کانال ۷۷ هزار واحدی رفت اما دوشنبه با رشدی اندک مرز ۷۷ هزار واحدی را حفظ کرد. هرچند برخی کارشناسان اصلاح قیمتی در بازه زمانی کوتاه مدت را برای بازار سهام ضروری می‌دانند اما عواملی چون برخی ابهامات درباره رفع تحریم‌ها در کنار انتشار گزارش‌های سالانه شرکت‌ها به افت شاخص دامن زد. در این میان هرچند بازگشت شاخص به محدوده‌های کمتر از ۷۰ هزار واحدی بعید به نظر می‌رسد اما امیدی هم به رشد پرشیب قیمت‌ها در آینده نزدیک وجود ندارد.



## ۴ خبر ۴ تحلیل



۴

### یک کرسی و دو مدعی

زینب موسوی  
عضو گروه خبر

صندلی ریاست بهارستان جدید، دو مدعی بزرگ دارد؛ در یک سو محمدرضا عارف منتخب اول تهران ایستاده و در سوی دیگر علی لاریجانی رئیس مجلس نهم خود را برای رفتن به راس هیات رئیسه پارلمان آماده می‌کند. هرچند جدال بر سر تصاحب این کرسی، تاکنون به شکلی آشکار میان این دو نمایان نشده اما یارکشی‌ها برای دو فراکسیون اصلی مجلس دهم نشان می‌دهد رقابت جریان‌های سیاسی برای کسب کرسی ریاست مجلس دهم بسیار جدی است. گواه این مدعا تلاش جدیدالورودهای پارلمان برای وزن‌کشی سیاسی در مجلس پیش‌رو، آن هم در روزی است که همایشی به میزبانی علی لاریجانی برایشان برپا شد؛ آنجا که علاوه بر همایش مذکور که به صورت فراگیر و با دعوت از همه منتخبان بود، دو همایش دیگر از سوی دو جریان سیاسی اصولگرا و اصلاح‌طلب به صورت جداگانه برگزار شد. نشست‌هایی که هر کدام از جریان‌ها با هدف تشکیل فراکسیون موردنظر خود در مجلس دهم شکل دادند. از یکسو منتخبان مردم‌افهرست امید، نشست هم‌اندیشی فراکسیون امید را در نهاد ریاست‌جمهوری برگزار کردند و ساعتی بعد، برخی اصولگرایان منتخب، نشست برای تشکیل فراکسیون مورد نظرشان برپا کردند. ائتلاف اصلاح‌طلبان و حامیان دولت که با کسب ۱۲۱ کرسی، نزدیک به ۴۲ درصد مجلس آتی را به دست آورده، فراکسیون خود موسوم به امید را با ۱۶۷ نفر از منتخبان کلید زد. در مقابل اصولگرایان که ۲۸/۶ درصد کرسی‌های پارلمان را به‌دست آورده‌اند، از آمادگی ۱۸۱ نفر از منتخبان برای عضویت در فراکسیون خود خبر می‌دهند. هرچند آمار تعداد نمایندگان حاضر در فراکسیون‌ها قطعی نیست اما می‌توان پیروز رقابت بر سر کرسی ریاست پارلمان را پیش‌بینی کرد!

۳

### نه خانی آمده نه خانی رفته

رسول بهروش  
عضو گروه ورزش

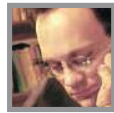


سرانجام انتخابات فدراسیون فوتبال برگزار شد و چنانکه پیش‌بینی می‌شد مهدی تاج با کسب اکثریت قاطع آرا برای چهار سال آینده بر صندلی ریاست این تشکیلات تکیه زد. در میان سه گزینه نهایی، تاج بیشترین قرابت را با علی کفاشیان داشت و مجمع فدراسیون هم که به شدت تحت نفوذ رئیس ۸ سال گذشته است، ترجیح داد ترکیب موجود را با کمترین تغییر ممکن حفظ کند. بعد از پایان یافتن انتخابات، عزیزمحمدی شکست را قبول کرد و به اتحادیه برگشت، اما مصطفی آجورلو روبه‌روی خبرنگاران ایستاد و سخنانی جنجالی به زبان آورد. او گفت که برگزیده شدن تاج در این انتخابات، بنا به خواست دولت بوده و وزارت ورزش همراه با معاون اول رئیس‌جمهور در انتخابات دخالت کرده‌اند. آجورلو در ادامه حرف‌هایی زد که به تیرم مهم بسیاری از رسانه‌های داخلی و خارجی تبدیل شد. او گفت ۸ سال پیش هم دولت احمدی‌نژاد در انتخابات فدراسیون دخالت کرده بود و از این نظر تفاوتی بین دو دولت وجود ندارد! اما این وسط یک ابهام بزرگ وجود دارد و آن اینکه برکسی پوشیده نیست که عزم وزارت ورزش، عبور از کفاشیان و حاکم کردن فضایی جدید در فوتبال کشور بود. اما با انتخاب تاج در این سمت چقدر این اتفاق افتاده است؟ بسیاری از رسانه‌ها آن را به یک تغییر افاق ساده میان مدیران قبلی تعبیر کردند. تاج از ساختمان سازمان لیگ چند کوچه بالاتر و به فدراسیون فوتبال رفت و کفاشیان دفتر رو به روی دفتر سابقش را که متعلق به نایب رئیس اول است را اشغال کرد. این گونه است که برخی تیرم زند «نه خانی آمده و نه خانی رفته»!

۲

### مسابقه اعتمادز دایی

علیرضا مجمع  
عضو گروه فرهنگ



مجاری برنامه اکسیر و برخورد فرزاد حسنی با یکی از شرکت‌کنندگان در این برنامه را حتی اگر فیلم چند دقیقه‌ای دست به دست شده‌اش را در فضای مجازی ندیده باشید، حتماً ماجرایش را شنیده‌اید. ساده شده‌اش این است که مجری پیش از این ممنوع‌التصویر تلویزیون، این بار یکی از شرکت‌کنندگان در برنامه اکسیر را به دلیل کم‌سوادی‌اش روی آنتن تلویزیون به ریشخند می‌گیرد و به او می‌خندد. این رفتار تحقیرآمیز با هر متر و معیاری غیر قابل توجیه است. توقع ندارید که آن صحنه‌سازی بعدش را که تهیه‌کننده برنامه روی آنتن تلویزیون برد و آن مرد محترم را بازگیر و سپاهی لشکر خواند که با متن از پیش تعیین شده در برنامه حاضر شده بود، باور کنیم. مساله‌ای که می‌توانست با یک عذرخواهی ساده یا حتی با یک نظارت موشکافانه‌تر از سوی ناظر شبکه و پخش فیصله پیدا کند، می‌شود مساله اصلی جامعه در طول یک هفته. نبود دقت در این فضا می‌تواند تبعات بدی را برای همه به وجود بیاورد. اگر فرض بر صحت حرف‌های تهیه‌کننده اکسیر باشد و آن آیت‌م مصنوعی فرزاد حسنی و جمشید یارگلدی، نمایش واز پیش‌تمرین شده باشد، می‌شود نتیجه گرفت که تمام برنامه‌های سیما؛ همه آنهایی که در آن مهمان برنامه حضور دارد و تماشاچی دارد و شکل مسابقه دارد و پرسش و پاسخی در آن شکل می‌گیرد (از مسابقات هوش و حضور ذهن گرفته تا مناظره‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی)، تمرین شده، نمایشی و از قبل طراحی شده است و ما دائم داریم دروغ‌هایی را می‌بینیم که سیما دارد به زور به‌عنوان واقعیت به خوردمان می‌دهد. نتیجه اخلاقی گاف بزرگ سیما، این اعتمادز دایی بی‌سابقه است!

۱

### بفر و شیم یا بخریم؟

بهزاد بهمن نژاد  
دبیر گروه بورس



قرمزپوشی بازار سهام، از ابتدای هفته شدت بیشتری پیدا کرده و اکنون «خروج یا ورود» مهم‌ترین تصمیمی است که هر سهامدار باید بگیرد. همان‌طور که انتظار می‌رفت نبود امکان ارزیابی دقیق از وضعیت سودآوری شرکت‌ها در پسابرجام، احتمال نوسانات قیمت‌ها در بورس تهران را در این مقطع از زمان افزایش داده است. گرچه طبیعی است که پس از رشدهای بی‌وقفه زمستان ۹۴، اصلاح قیمت‌ها را در شرایط کنونی شاهد باشیم، اما عده‌ای با معیاری نه‌چندان صحیح، روند فعلی بازار را با اواخر سال ۹۲ و رکود سنگین دوساله بورس تهران مقایسه می‌کنند. براساس این فرضیه سهامداران باید از بازار خارج شده و مسیر آینده سهام نیز نزول همراه با رکود شدید معاملاتی است. اما در این فرضیه، با مقایسه‌ای تک‌بعدی فقط به رشد پرشتاب و اصلاح پس از آن توجه شده است. این در حالی است که دو تفاوت اصلی میان شرایط فعلی با دوره رکود بورس وجود دارد. نخست آنکه دیگر نگرانی سیاسی مثل برجام وجود ندارد احتمال ضعیف سقوط متوالی قیمت‌های جهانی کالاها و حتی امکان اصلاح آنها در نیمه دوم سال، تفاوت دیگر دو دوره مورد مقایسه است. کاهش تدریجی نرخ سود و ثبات فضای اقتصادی از دیگر مواردی هستند که کمین بسیاری از خریداران را به دنبال داشته و از ریزش‌های طولانی مدت و بازگشت به کف‌های قبلی جلوگیری می‌کنند. حال اگر سرمایه‌گذار قدرت ریسک متناسب با بورس و نگاه میان‌مدت داشته باشد، وضعیت فعلی می‌تواند فرصت مناسبی برای خرید باشد. در غیر این صورت، نوسان‌گیران کوتاه‌مدت شرایط کنونی بازار سهام را چندان جذاب ندیده و فرمان خروج از سهام را صادر کرده‌اند!







## فقر زدایی آموزشی واقعی، چگونه؟

## میزگرد آشتی «اقتصاد» و «آموزش و پرورش» در دنیای اقتصاد

# فقرزدایی آموزشی واقعی، چگونه؟

### ساختار آموزش و پرورش بی مهارتی را بازتولید می‌کند

خواهد داد و در میان این اعداد و ارقام بیش از پیش، جای خالی همدلی اقتصاد و آموزش و پرورش به چشم می‌خورد.

چندی پیش «دنیای اقتصاد» میزگردی جهت بررسی علل جدایی اقتصاد از آموزش و پرورش برگزار کرد. این میزگرد با حضور حسین عبده تبریزی مدرس اقتصاد دانشگاه شریف، علینقی مشایخی بنیانگذار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شریف؛ رضا درمان مدیرعامل جامعه باوری فرهنگی و علی میرزاخانی سردبیر روزنامه «دنیای اقتصاد» برگزار شد که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:

در شرایطی که آموزش و پرورش می‌تواند به‌عنوان یک پدیده اجتماعی در تحقق اهداف اقتصادی بسیار تاثیرگذار باشد، در حوزه برنامه‌ریزی برای آموزش و پرورش کارشناسی که دارای مدرک اقتصاد باشد کمتر به چشم می‌خورد. از سوی دیگر در آموزش و پرورش جنبه‌های اقتصادی بسیار زیادی وجود دارد. از جمله می‌توان به بحث بودجه در آموزش و پرورش اشاره کرد. در هر سال ۱۱ میلیارد نفر ساعت، معلم و دانش‌آموز به کلاس درس می‌روند. در حالی که ۲۰ درصد از بودجه به سمت آموزش و پرورش می‌رود. اگر یک درصد بهره‌وری بالا برود تحول بزرگی در توسعه کشور رخ

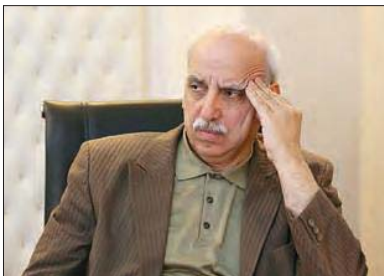
است که وقتی مقایسه می‌شود با کشورهای دیگر مثل آلمان می‌بینیم خیلی فاصله داریم. مصرف دولت آلمان در بودجه بین ۴۰ تا ۵۰ درصد GDP است، یعنی منابعی که در بودجه خرج می‌شود ۴۰ تا ۵۰ درصد است. این نشان می‌دهد که همه جا به آموزش منابع کمتری اختصاص دارد به‌ویژه وقتی خصوصی‌سازی صورت می‌گیرد. در واقع وقتی دولت تولید دارایی ندارد و می‌خواهد مصرف دارایی را داشته باشد، خدمات را

و همچنین آموزش و پرورش‌ها کمتر سراغ اقتصادی‌ها رفته‌اند. چگونه می‌توان اقتصاددانان و آموزش و پرورش‌ها را با هم آشتی داد؟  
**حسین عبده تبریزی:** بخشی از این سوال ارتباط با محتوا دارد. ارتقای کیفی و بالا بردن بهره‌وری کلاس مهم است. امروز بودجه کل کشور بسیار ضعیف شده است و به نسبت سال‌های قبل کاهش دارد. فکر می‌کنم اکنون بودجه ما بین ۱۲ تا ۱۳ درصد GDP

▲ تاثیر علمی سیاست‌های آموزشی و جایگاه آن در سیاست‌های فقرزدایی کشور بر کسی پوشیده نیست. بحث اختصاص ۲۰ درصدی بودجه و افزایش بهره‌وری آن از یک‌سو و حضور تعداد زیاد نیروهای انسانی در بخش آموزش از سوی دیگر، لزوم برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر توسط کارشناسان مرتبط را نشان می‌دهد. به‌طور سنتی اقتصاددانان کمتر به بحث آموزش و پرورش پرداخته‌اند







**باید در همه حوزه‌ها یک تجدید ساختار در دیوانسالاری دولتی داشته باشیم و در آموزش و پرورش محور چنین تجدید ساختاری، مساله کاهش تمرکز است. در شرایط کنونی اگر پول بیشتری خرج شود در این ساختار پاسخگو نخواهد بود و ما باید به دنبال کاهش تمرکز باشیم. وقتی این کاهش تمرکز ایجاد شد برویم به سمت بودجه مدرسه محور.**

اضافه کنیم، قطعاً جامعه ایمن تر است تا اینکه آنها را ببریم بالا و در جامعه افرادی تربیت شوند که خیلی کارآمد نباشند.

**علی میرزاآخانی:** به نظر من برای اینکه بهره‌وری بودجه افزایش پیدا کند نیاز به یک بازنگری در ماموریت نظام آموزش کشور داریم. ظاهراً ماموریت نظام آموزش و پرورش هنوز سواد خواندن و نوشتن است و هنوز هدف همانی است که در زمان تاسیس تعریف شده است. تصور این است که افراد یکسری آموزش‌هایی را می‌بینند برای هدایت به مراحل بعدی و دیگر تعریف کارشناسی جایی ندارد.

به نقل از بزرگی «نظام آموزشی آن چیزی است که برای افراد باقی می‌ماند، بعد از اینکه هر آنچه که در نظام آموزش و پرورش و مدرسه یاد گرفتند فراموش کنند.» با این تعریف نگاهی به اطراف خود انداخته و می‌بینیم کسانی که از نظام آموزشی موجود خارج می‌شوند چه برایشان باقی می‌ماند. این افراد در بسیاری از مهارت‌ها از جمله مهارت‌های رسانه‌ای یا مهارت‌های اجتماعی و غیره ضعیف هستند. هدف آموزش و پرورش صرفاً تجهیز منابع تعریف شده است و برنامه مشخصی برای تربیت افراد با تفکر جهت بهبود سیستم‌ها وجود ندارد.

**علینقی مشایخی:** در خروجی‌های آموزش و پرورش معمولاً افرادی که تربیت می‌شوند هیچ مهارتی ندارند که در جامعه مفید واقع شوند. مهارت درست فکر کردن و با دیگران تعامل ندارند و بعد هم بسیار سنگین است نظام آموزشی متحول شود و به سمتی برود که این مهارت‌ها را آموزش دهد چون خود معلمانی که پرورش یافته این نظام آموزشی هستند این مهارت‌ها را ندارند.

داشت. در واقع می‌توان بررسی کرد در کجا زیاد هزینه می‌کنیم و در کجا نیاز به منابع بیشتری داریم. ناگفته نماند آدم‌های اقتصادی که با موضوع آموزش و پرورش آشنا هستند اندک هستند. به گمان من تقویت مدیریت حرفه‌ای با گرایش اقتصاد مهم است. کل بودجه کشور و از جمله آموزش و پرورش محدود است و باید نقش مدیران حرفه‌ای در سیستم آموزشی تقویت شود.

**علینقی مشایخی:** یکی از مباحث مهم این است که از همین منابعی که وجود دارد تا چه حد در آموزش و پرورش استفاده می‌شود. در این بحث چند مساله تاثیر گذار است. آنچه باید در نظر گرفته شود ترکیب عواملی است که در آموزش و پرورش فعال هستند، برای مثال چند معلم داریم که بیکار هستند و چه تعداد تدریس می‌کنند و مساله مهم دیگر این است که خروجی‌های آموزش و پرورش چه توانایی‌هایی دارند. شاید بتوان با همین بودجه، آدم‌های توانمندتری را به لحاظ کیفی و مهارتی تربیت کرد. مساله مورد توجه دیگر جهت بررسی این است؛ افرادی که جذب آموزش و پرورش می‌شوند چگونه هستند. در واقع به دلیل پرداخت‌ها و امکاناتی که هست کیفیت آدم‌هایی که وارد آموزش و پرورش می‌شوند تغییر می‌کند. در زمان تحصیل نسل ما، افرادی که معلم بودند آدم‌های با جذب و مشخصی بودند و به نسبت طبقه متوسط جامعه افراد مرفهی بودند ولی اکنون معلم‌ها شرایط ناراحت‌کننده‌ای دارند.

**علی میرزاآخانی:** آقای مشایخی به نکته مهمی اشاره کردید. در گذشته هم در انشای دانش‌آموزان یکی از آرزوهای این بود که شغل معلمی داشته باشند ولی اکنون نظر سنجی انجام شود چه تعدادی این آرزو را دارند؟

**علینقی مشایخی:** در واقع منزلت و جایگاه معلم در شرایط کنونی جامعه پایین آمده است و همین باعث شده آدم‌ها کمتر تمایل داشته باشند به سمت شغل معلمی بروند. بحث دیگری که مهم است بحث اثرات بلندمدت در ضعف سیستم آموزشی است. یعنی ۱۰ سال دیگر که فارغ‌التحصیلان از این سیستم ضعیف خارج شوند دیگر تغییر آنها بسیار سخت است. وقتی نرخ خروجی سواد، فهم، مهارت، هویت ملی و مذهبی پایین باشد یک نیروی کاری را تحویل می‌دهد که پایه عمومی آن بسیار ضعیف است و همین مساله روی جوهای مختلف جامعه اثر می‌گذارد. در واقع هشدار می‌دهد. آموزش و پرورش پدیده‌ای است که آدم حس نمی‌کند در آن چه اتفاقی می‌افتد چون تدریجی است و قابل حس نیست و ناگهان بیدار می‌شوید و می‌بینید جامعه پر شده از آدم‌هایی که کاری نمی‌توانند انجام دهند.

در تخصیص کلان جامعه، سهم آموزش و پرورش را در کل بودجه بالا ببریم. یعنی حتی شده از بودجه امنیتی و دفاعی کم کنیم و به بودجه آموزش و پرورش

می‌خرد، به جای اینکه دارایی را تولید کند. دولت به جای مدرسه‌سازی می‌خواهد خدمات آموزش را بخرد و به جای اینکه بیمارستان بسازد می‌خواهد خدمات درمانی را بخرد، برای همین باید بودجه جاری رشد کند زیرا وقتی خدمات را خریداری می‌کند پس بودجه عمرانی به سمت صفر میل می‌کند و در نهایت بودجه جاری دائماً بزرگ می‌شود. در چنین شرایطی نه تنها بودجه عمرانی کاهش پیدا خواهد کرد بلکه بودجه جاری هم به سمت قیمت ثابت می‌رود.

باید روش‌هایی پیدا کرد که نقش دولت در اقتصاد تقویت شود. بنابراین درست است که برای توسعه عدالت و آموزش نیاز به بودجه داریم و باید بدانیم که آموزش یک کار بودجه‌ای است و جریانی است که باید در درآمدهای دولت و مالیات‌ها تامین درآمد شود اما باید پذیرفت که گاهی ما در خصوصی‌سازی زیاد روی می‌کنیم. نمی‌توان گفت آموزش و پرورش باید خودگردان شود بلکه دولت باید در بحث آموزش و پرورش دایماً پول خرج کند و بدنه اصلی باید از منابع دولتی باشد.

مدیران و نهادهای آموزشی، کارشناسان اقتصادی را در خود جمع نکرده‌اند در حالی که آموزش هم صنعتی است که معیار آن سوبسید و یارانه است و می‌توان در آن بهره‌وری را بالا برد و تخصیص منابع بهتری در آن



تحول آموزش و پرورش باید خوب اتفاق بیفتد و نیاز به یک هدایت و رهبری درست دارد. افرادی باید درگیر این مساله باشند که صرفاً ویژگی‌شان بودن در مجموعه آموزش و پرورش نباشد.

▲ آقای عبده تبریزی به کمیت بودجه اشاره داشتند و آقای میرزاخانی و دکتر مشایخی به کیفیت اشاره کردند و اینکه چه کنیم تا با همین بودجه موجود به بهترین کیفیت برسیم. هر دوی اینها به عدالت آموزشی مرتبط هستند. آقای درمان تجربه علمی و عملی شما در این زمینه چه می‌گوید؟

**رضا درمان:** نظام آموزش و پرورش ما در شرایط فعلی یک بدنه بسیار بزرگ و گسترده دارد و برخی آمارها ابعاد آن را نشان می‌دهند. به‌طور مثال میانگین تکرار پایه اول دبستان در کشور ما، ۲/۵ درصد است که در برخی مناطق به ۸/۵ درصد می‌رسد. نرخ ترک تحصیل هم نشان می‌دهد از هر دو نفری که وارد دبستان می‌شوند در پایان دوره تحصیل کمتر از یک نفر از دبیرستان خارج می‌شود و این یعنی در طول ۱۲ سال تحصیل بیش از ۵۰ درصد ترک تحصیل داریم. آمارهای آموزش و پرورش هم این گفته را تایید می‌کند. طبق این آمار، سالانه ۵۰۰ هزار دانش‌آموز ریزش دارند. یعنی اگر این عدد را در جمعیت ۱۱ میلیونی دانش‌آموزان در نظر گرفته و در عدد ۱۲ سال تحصیل ضرب کنیم تقریباً به همین رقم می‌رسیم؛ کمتر از یک نفر از هر دو نفر فارغ‌التحصیل.

در عین حال، کسانی که موفق می‌شوند از این مسیر عبور کنند هم فارغ‌التحصیلاتی هستند که از سه گروه مهارت‌های زندگی، مهارت‌های اجرایی و مهارت‌های عینی عملاً بهره زیادی ندارند. دیپلمه‌های ما نمی‌توانند بلافاصله بعد از فارغ‌التحصیلی مشغول به کار شوند، حتی اگر در رشته‌های هنرستانی تحصیل کرده باشند. کارفرماها به صراحت می‌گویند حتی وقتی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی (و نه آموزش و پرورش) را جذب می‌کنیم ابتدا باید کمک کنیم آنچه یاد گرفته‌اند فراموش کنند و بعد تازه به آنها آموزش دهیم.

مدتی قبل آقای فانی در یک گفت‌وگوی خبری به مناسبت هفته معلم، بودجه غیرپرسنلی را ۲ درصد اعلام کردند. البته تا جایی که من اطلاع دارم این رقم کمتر است و حتی احتمالاً امسال به دلیل استخدامی‌های جدید ممکن است منفی هم بشود. در هر صورت استاندارد جهانی حدود ۴۰ درصد است که ما هیچ‌وقت به یک چهارم آن هم نزدیک نشده ایم و این وضعیت آموزش و پرورش است. حال این‌گونه به مساله نگاه کنیم که آیا پول، این مسائل را حل خواهد کرد؟ و با حجم گسترده معلمان کم‌سواد و کم‌دانشی که داریم اگر فردا صبح بودجه آموزش و پرورش سه برابر شود، مشکلات حل خواهد شد؟ امسال آموزش

و پرورش اعلام کرده است که در سال جدید احتمالاً هیچ کلاس آموزشی برای معلمان نخواهیم داشت و در واقع کلاس‌های ضمن خدمت را به حداقل می‌رساند. سال گذشته نیز اعلام کرده بود آموزش و پرورش مناطق، خودشان برای خود، کاری انجام دهند. گروهی از معلمان را داریم که نیازمند ارتقای دانش هستند و از سوی دیگر ما کاری برای آنها نمی‌توانیم انجام دهیم. شاید اینجا بحث خصوصی‌سازی آموزش، نه به‌عنوان ایجاد آموزش و پرورش غیرانتفاعی بتواند کمک کند. تعریفی که ما از خصوصی‌سازی آموزش داریم این است که بخش خصوصی به‌طور جدی وارد آموزش شود و بیاورد سرمایه‌گذاری انجام دهد. البته نظارت متمرکز دولتی باید باشد ولی اینکه تمام مدارس را دولت بخواهد ایجاد کند و تمام محتوای درسی را حتماً دولت به صورت یکسان بخواهد ایجاد کند بارها ثابت شده که موضوع غلطی است.

چرا باید دانش‌آموز سیستمی با دانش‌آموزی که در آذربایجان تحصیل می‌کند و مناطق‌شان به لحاظ آب و هوا، فرهنگ و شرایط درآمدی متفاوت است آموزش‌های یکسان ببینند؟ این واقعیتی است که هر چه به سطح پایین‌تر بیاوریم به‌خصوص در بخش پیش‌دبستانی خودش را پررنگ‌تر نشان می‌دهد و باعث می‌شود بدنه عربان آموزش و پرورش نتواند بهره‌وری خوبی در آموزش‌های خودش داشته باشد. تعریف ما از خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش این است: سازمان‌های خصوصی باید ورود پیدا کنند و به این ترتیب هزینه مورد نیاز برای آموزش پرسنل نسل



**آموزش و پرورش ما در شرایط فعلی یک بدنه بسیار گسترده دارد و برخی آمارها ابعاد آن را نشان می‌دهند. میانگین تکرار پایه اول دبستان در کشور ما، ۲/۵ درصد است که در برخی مناطق به ۸/۵ درصد می‌رسد. نرخ ترک تحصیل هم نشان می‌دهد از هر دو نفری که وارد دبستان می‌شوند در پایان دوره تحصیل کمتر از یک نفر از دبیرستان خارج می‌شود.**

بعدی خود را به شدت کاهش دهند و فارغ‌التحصیلاتی تربیت کنند که بتوانند با صرف حداقل هزینه از همان‌ها استفاده کنند. یکی از راه‌حل‌ها، حضور سازمان‌های مردم‌نهاد و خیر است که می‌توانند کمک‌کننده خوبی باشند. تجربه ما در سه سال گذشته نشان می‌دهد اگر سازمان‌های مردم‌نهاد عملکرد خوبی داشته باشند می‌توانند اثر قابل توجهی بگذارند. کارهایی که ما انجام دادیم در بعضی استان‌های مناطق محروم توانست اثربخشی چشمگیری نشان دهد. طرح کتابخوانی ما با عنوان «با من بخوان» تبدیل شد به محتوای درسی رسمی مقطع پیش‌دبستانی آموزش و پرورش. در بعضی از استان‌ها این طرح توانست مقام آن استان را در حوزه کیفیت آموزش از رتبه بیست و نهم به رتبه دوم کشور برساند و این یعنی بهره‌وری در آموزش. جالب است بدانید که این طرح ترویج کتابخوانی، توانست در سطح جهانی در میان ۱۱ کاندیدا از سراسر جهان مقام اول را به‌دست آورد.

بنابراین می‌بینیم که در حوزه بین‌المللی هم یک سازمان مردم‌نهاد ایرانی می‌تواند حرفی برای گفتن داشته باشد. در سطح پیش‌دبستانی کتاب درسی را تالیف، تصویرگری و چاپ کردیم و رایگان در اختیار بچه‌های استان خراسان جنوبی قرار دادیم. این در حالی است که در استان تهران نتوانستند در سال گذشته کتاب پیش‌دبستانی در اختیار بچه‌ها قرار دهند. این نمونه‌ای از حوزه‌هایی است که سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در آن وارد شوند؛ البته به شرطی که نظارت باشد و کیفیت آن حفظ شود. اگر به درستی به شرکت‌های تجاری اطلاع‌رسانی شود می‌توان از توانمندی مالی آنها در جهت بالا بردن کیفیت آموزش استفاده کرد. اعتقاد ما این نیست که در شرایط فعلی فقط پول به تنهایی این مشکل را حل می‌کند؛ شاید اگر ۱۰ یا ۱۵ سال قبل بود می‌شد این ادعا را داشت ولی امروز ما با شرایطی روبه‌رو هستیم که اگر پول دو برابر هم بدهیم احتمالاً مشکلات پیچیده‌تر می‌شود.

**حسین عبده تبریزی:** باید در همه حوزه‌ها یک تجدید ساختاری در دیوانسالاری دولتی داشته باشیم و در آموزش و پرورش محور چنین تجدید ساختاری، مساله کاهش تمرکز است. در شرایط کنونی اگر پول بیشتری خرج شود در این ساختار پاسخگو نخواهد بود و ما باید به دنبال کاهش تمرکز باشیم. وقتی این کاهش تمرکز ایجاد شود برویم به سمت بودجه مدرسه و این بحثی بوده که در کنفرانس توسعه و عدالت آموزشی هم طرح شد و این بود که هیأت امنای مدرسه و یا انجمن اولیا و مربیان خودشان بتوانند در بودجه کنترلی داشته باشند و در مورد نحوه هزینه کردن بودجه حرفی برای گفتن داشته باشند. این کاهش تمرکز بهتر است در این مقطع به شورای شهر سپرده شود و این خود باعث می‌شود شورای شهر از وضعیت نسبتاً سیاسی که در



**علینقی مشایخی:** عدم تمرکز صرفاً در ساختار اهمیت ندارد بلکه باید در طراحی‌ها هم مورد نظر باشد. عدم تمرکز در آموزش و پرورش در بخش محتوا نیز ضروری است. با رعایت یک اصولی، تدوین‌های بهتر و مطالب با کیفیت‌تر متناسب با نیاز هر منطقه‌ای تولید شود و اگر این نوع عدم تمرکز اصلاح نشود آموزش و پرورش خفه خواهد شد.

**علی میرزاخانی:** شاید این مساله معلول شرایطی است که حاکم بر جامعه است. فاجعه اصلی همان فقر نظام آموزشی در انتقال مهارت‌ها است. یک سناریو این است؛ افرادی که بالاتر قرار گرفته‌اند باید این فاجعه را درک کنند و معمولاً این اتفاق نمی‌افتد و یک سناریوی دیگر این است که نهادهای مدنی و نخبگان و دانشگاهیان حساسیت را بالا ببرند. برای این مهم چه مکانیزم‌هایی می‌توان فکر کرد؟

**علینقی مشایخی:** رسانه‌ها می‌توانند حساسیت را بالا ببرند اما راه‌حل عملی از این بیرون نمی‌آید و فقط طرح مساله می‌شود. به نظر من باید تمرکز شکسته شود و آنچه که در برج آموزش و پرورش اتفاق می‌افتد و برای همه مناطق یک‌جور تعیین تکلیف می‌کنند و اصلاً امکان بروز خلاقیت و نوآوری را در طراحی درس‌ها و ساختار آموزشی نمی‌دهد. باید این شکسته شود و یک قانونمندی ایجاد کنند و فرصت دهند در جامعه یک حرکت و جنبشی در تدوین مطالب رخ دهد و مساله دیگر این است که در همین عدم تمرکز اجازه دهند برخی از نهادهای مردم‌نهاد، آموزگاران را پوشش دهند و باید یک جنبش و حرکتی در جهت ارتقای سواد آموزگاران رخ دهد. یکی از پیش‌زمینه‌های مورد نیاز، منابع و بودجه است اما بعد از آن باید چند اقدام اساسی انجام شود. اول اینکه نسبت به فاجعه‌ای که در حال رخ دادن است آگاهی داده شود. بعد از آن سرخ‌هایی از اینکه چه کنند تا این فاجعه درمانش شکل بگیرد و در نهایت سازماندهی برای درمان آن فاجعه رخ دهد. فرهیختگان جامعه باید به سمت ارائه راه‌حل حرکت کنند

**رضا درمان:** در بخش عدم تمرکز در سطوح پیش دبستانی، کودکان هستند که بلوچند یا عربند و اصلاً در تمام شش سال ابتدایی عمرشان، فارسی صحبت نکرده‌اند. همه اینها وقتی به کلاس اول ابتدایی می‌روند، یک کتاب فارسی به آنها داده می‌شود و انتظار داریم فارسی صحبت کردن را یاد بگیرند. بماند که گاهی در این بین یک معلم ناآگاه و غیرمسلسط به امور آموزشی هم به آنها اضافه می‌شود. این توزیع محتوا یکی از ضرورت‌های اینجاست. اکنون یکی از موفقیت‌های خوب جامعه یابوری فرهنگی این است که در جنوب خراسان کاری کردیم که بعد از پیش دبستانی بچه‌هایی که زبان اول آنها فارسی نیست بتوانند به زبان فارسی شعر بخوانند و نمایش اجرا کنند.

رسمی بررسی کرده اند روی سایت شان هست. **حسین عبده تبریزی:** اگر خیریه‌ها از اموال شخصی خودشان و ارثیه خانوادگی به امور خیریه می‌پردازند این یک امر بدیهی است اما منظور من بیشتر سازمان‌های خیریه‌ای است که از مردم پول می‌گیرند، این افراد باید گزارش مالی دهند. البته مالیات قرار نیست بدهند ولی باید صورت مالی ارائه دهند. در این شرایط پولشویی هم نیاز نخواهد بود چون در پولشویی هم باید حساب شفاف و روشن باشد.

**علی میرزاخانی:** از زمان‌های گذشته تاکنون خانواده‌ها بسیار مایل بودند فرزندانشان به مدرسه یا دانشگاه بروند تا بتوانند شغل و مهارتی کسب کنند اما در شرایط کنونی این خواسته برآورده نمی‌شود و به‌لحاظ ذهنی این نظام آموزشی برای آنها به نوعی بلا استفاده می‌شود و یک پارادوکس ذهنی برایشان ایجاد شده است. قاعده تا انتظار می‌رود وقتی دانش‌آموزان از مدارس فارغ‌التحصیل می‌شوند باید چند گزینه انتخاب شغلی داشته باشند و این کارکرد ندارد.

**حسین عبده تبریزی:** اگر شغل بخواهند داشته باشند بالاخره باید سواد داشته باشند.

**علی میرزاخانی:** در کارآفرینی این مطرح نیست و در دنیا کسانی که کارآفرینی کرده‌اند و شغل‌هایی ایجاد کرده‌اند لزوماً تحصیلاتی با مدرک خاص نداشته‌اند. حسین عبده تبریزی: بالاخره مدرسه که رفته‌اند تا سواد پایه‌ای داشته باشند. اگر بخواهیم مشارکت بیشتر اقتصاددان‌ها را در بحث آموزش داشته باشیم چه باید کرد؟



**در واقع منزلت و جایگاه معلم در شرایط کنونی جامعه پایین آمده است و همین باعث شده آدم‌ها کمتر تمایل داشته باشند به سمت شغل معلمی بروند. بحث دیگری که مهم است بحث اثرات بلندمدت در ضعف سیستم آموزشی است. یعنی ۱۰ سال دیگر که فارغ‌التحصیلان از این سیستم ضعیف خارج شوند دیگر تغییر آنها بسیار سخت است.**

بعضی از شهرهای بزرگ دارد بیرون بیاید و درگیر یک کار اجرایی شود. باید به‌صورت جدی به عدم تمرکز فکر کرد و منابع را بین واحدهای کوچک‌تر تقسیم کنیم و اجازه دهیم تخصیص منابع متناسب با وضعیت هر منطقه اتفاق بیفتد. این یک محور اصلی در بحث اصلاح موقعیت مالی مدارس است.

مساله دیگری که وجود دارد رابطه مدرسه با کسب و کار است. در کشور آلمان بخش عمده‌ای از فارغ‌التحصیلان مدرسه تا کلاس یازدهم در بین صنایع پخش می‌شوند و به دانشگاه در آن مقیاسی که ما در ایران داریم نمی‌روند. از طریق مدارس باید افراد برای کسب و کار آماده شوند. باید در بودجه مدرسه این افراد تحویل کسب و کار داده شوند. در شرایط کنونی در حوزه کارگرایان ماهر مشکل زیادی داریم و بیشتر افرادی تربیت شده‌اند که مدرک دارند و ادعا، اینجاست که لازم است وضعیت بهبود پیدا کند. در دوره دانش‌آموزی ما، معلم‌ها قطعاً جزو قابل مقایسه‌ای از طبقه متوسط روبه بالا بودند و معلم‌ها یک موقعیتی داشتند که مشکلات معیشتی عمده‌ای نداشتند که به کار دوم کشیده شوند ولی این مزیت در ۱۰ سال اخیر صدمه دیده است و قشر معلم به شدت آسیب پذیر شده‌اند.

خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش به این معنی باشد که کسانی که می‌توانند هزینه‌های بچه‌هایشان را بدهند. در یک تعادلی باید قبول کرد و در کلیت آن باید با فکر جلو رفت. من موافقم دانشگاه کلا پولی شود و دانشجویان بعد از فارغ‌التحصیلی بدهکار به دانشگاه باشند اما آموزش و پرورش صد درصد باید رایگان باشد. در مساله تامین مالی و نقش خیریه‌ها و نقش وقف بصورت جدی خواهان شفافیت خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد هستیم. باید سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه‌هایی را که گزارش مالی نمی‌دهند نفی کنیم و به‌طور جدی در جامعه بخواهیم شفاف عملکرد مالی‌شان را گزارش دهند. باید خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد گزارش مالی خوششان را به بورس بدهند که متاسفانه دو سال است این اتفاق نیفتاده است.

**علی میرزاخانی:** این افراد و سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه لزوماً در بورس نیستند.

حسین عبده تبریزی: نه، در بورس نیستند اما چون مسوولان مرجعی پیدا نکردند که این افراد به آنها گزارش مالی بدهند در قانون آمده به بورس اطلاع دهند و البته ربطی به بحث مالیات ندارد. هر نهاد عمومی اعم از نظامی یا نهادهای بازنشستگی باید اطلاعات خودشان را به بورس بدهند. در بحث شفافیت اگر در این حوزه روشن شود حتماً می‌توان رشد کرد.

**رضا درمان:** البته اطلاع ندادن برخی سازمان‌های مردم‌نهاد به بورس از روی ناآگاهی است زیرا اگر به سایت برخی از همین سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه مراجعه کنیم گزارش‌های سالانه‌شان که حسابرس‌های

## فلاش بک

## مشکل آموزش و پرورش در نظام تدبیر است نه کمبود بودجه



حمیدرضا برادران شرکا؛

رئیس سابق سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور

عمده ترین مشکل همه سیستم های کشور، نظام تدبیر است. باید در بحث حکمرانی موجود در سیستم ها تجدید نظرهای جدی به عمل آوریم و علاوه بر این، تجربه مفید کشورهای دیگر را مطالعه و بررسی کنیم. متأسفانه جامعه خیلی با تغییر میانه خوبی ندارد و بسیار در این ارتباط مقاومت دارد. برای مثال روش های آموزشی در آمریکا بسیار مشارکت محور است. کمیسیون ها با هم جلسه می گذارند و با توجه به شرایط که ممکن است یک ایالت با ایالت دیگر متفاوت باشد، تصمیمات متفاوتی می گیرند. در واقع اختیارات به مردم داده می شود تا با توجه به شرایط و موقعیت موجود خودشان تصمیم گیری کنند. در این حالت مشارکت بهتر و بیشتری وجود دارد زیرا خود افراد در معرض گرفتن پیشنهاد از والدین هستند و معلمین مشارکت می کنند. در واقع به صورت جدی تر باید در نظام تدبیر ما در آموزش و پرورش مانند بخش های دیگر اصلاحاتی ایجاد شود. اما یکی دیگر از مشکلات عمده در آموزش و پرورش مربوط به بحث بودجه است. مشکل سیستم اداری در کشور ما این است که همه مشکلات را به گردن بودجه و امکانات مالی می اندازند، در حالی که وقتی به ادبیات مدیریتی مراجعه می کنیم، باید اول ببینیم هدف از تشکیل این سازمان چیست و بعد براساس آن هدف یک استراتژی تنظیم شود که ما را برای رسیدن به هدف کمک کند و بعد نیازمند یک برنامه ریزی منسجم و سیستماتیک در راستای رسیدن به آن برنامه ریزی ها و

اهداف هستیم. بعد از مشخص شدن برنامه ها بحث بودجه و کارگزی می مطرح می شود. در واقع بودجه مرحله پنجم است. مشکل اینجاست که در سیستم های اداری مراحل قبلی فراموش می شود و مرتب از کمبود بودجه صحبت می شود. اساسا باید بررسی شود آیا این سازمان یک سازمان مناسب است؟ آیا هدفها و استراتژی ها مشخص شده تا بتوانیم بیشترین بهرهوری را از بودجه تخصیصی بگیریم؟ در شرایط کنونی باید یک تعریف مجددی از سازمان آموزش و پرورش شود و هدفها، برنامه ها، استراتژی ها و بحث نیروی انسانی

مشخص شود. یک زمانی ما ۱۸ میلیون دانش آموز داشتیم و همین ساختار آموزش و پرورش را داشتیم؛ اکنون هم که ۱۳ میلیون دانش آموز داریم باز همان ساختار را داریم. این در حالی است که سازمان ها باید منعطف باشند و بررسی ساختاری نظام آموزشی در کشور به صورت جدی باید دنبال شود زیرا مشکل فقط در بودجه نیست بلکه ساختارها باید ساخته شوند. بعد از اینکه ساختارها اصلاح شد باید به مساله کمبود بودجه در آموزش و پرورش پرداخت که از طرق مختلف از جمله مالیات ها، پتانسیل تامین کمبود در بودجه وجود دارد. در مجلس پیش رو نیز این مساله باید جدی گرفته شود. یکی از مصوبه های دولت باید این باشد که همه کسانی که فعالیت اقتصادی انجام می دهند از نظر پرداخت یکسان باشند و خوشبختانه مجلس و دولت به این فکر افتاده اند و اکنون باید به دنبال اجرای آن باشیم.

در ادبیات توسعه بسیار صحبت از این شده است که نقش آموزش و پرورش در شرایط اقتصادی، آموزشی و فرهنگی جامعه تا چه اندازه مهم است. در رساله دکترای خود، روی عوامل اقتصادی موثر بر رشد اقتصادی کشورها کار کردم. در واقع ۵۳ کشور از ۵ قاره جهان مطالعه شد و بررسی ها نشان می داد اثر سرمایه های انسانی ۱۰ برابر اثر سرمایه های فیزیکی در رشد و توسعه اقتصادی کشورهای دنیا بوده است. همچنان این اثر مثبت وجود دارد، لذا بخش آموزش مخصوصا در جهت تامین سرمایه انسانی مورد نیاز برای رشد و توسعه کشور تاثیر گذار است.

در کشور ما خوشبختانه خانواده ها هنوز اولویت اصلی شان بخش آموزش به فرزندانشان است و این نکته مثبتی است. حتی کسانی هستند که به لحاظ درآمدی وضعیت قابل قبولی ندارند ولی با قرض و وام سعی دارند آموزش فرزندشان را تامین کنند و البته بیشتر نمود این مساله را در آموزش های دانشگاهی می بینیم. مساله اینجاست که برای رسیدن به آن مرحله باز هم آموزش عمومی را باید طی کند. در قانون ما آموزش بسیار پرننگ دیده شده است ولی باید دید چرا به رغم تمام این اهمیت هایی که برای آموزش و پرورش وجود دارد هنوز ضعف های بسیاری داریم. این مطلب باید ریشه یابی شود. در دورانی که در سازمان مدیریت بودم معاونت ذی ربط سازمان، مطالعه ای در استان های کشور به جز استان تهران انجام داده بود. نتایج این مطالعه نشان می داد اگر ما مدارس دولتی را خصوصی کنیم در این صورت با شهریه ای که دولت به مدارس خصوصی پرداخت می کند، به جز بحث مسائل سرمایه ای که در مدرسه وجود دارد مانند وسایل آزمایشگاهی و غیره، برآورد صرفه جویی که در پرداخت های

جاری در سال صورت می گرفت حدود ۸ هزار میلیارد تومان بود. استنباط این است که مدیریت دولتی آموزش عمومی چندان از کارایی و بهرهوری برخوردار نیست که در شرایط کنونی با هزینه بالاتر کیفیت آموزشی پایینی ارائه می کند و باید با تامل بیشتری به این مساله پرداخته شود. در شرایط کنونی اکثر خانواده ها ترجیح می دهند فرزندشان در مدرسه خصوصی تحصیل کند و این نشان می دهد بهرهوری در آن بخش بیشتر است.

بخش عمده بودجه های جاری کشور مخصوصا در استان ها هزینه های بخش آموزش است. به عبارت دیگر دولت دارد حداکثر توان خود را خرج می کند تا بحث آموزش بچه ها در اولویت قرار گیرد و علی رغم این تلاش، کیفیت مطلوب آموزشی در مدارس وجود ندارد. مشکل مادی نیست بلکه مربوط به مدیریت انسانی است و روش ها کارآمد نیستند.





علی الهیار ترکمان در گفت و گو با «دنیای اقتصاد»:

## ۹۹ درصد بودجه آموزش و پرورش، صرف حقوق پرسنل می شود

داده‌های آماری در آموزش و پرورش انباشته می‌شود



بودجه به‌عنوان یکی از ارکان اصلی برنامه‌ریزی و مدیریت در هر سازمانی محسوب می‌شود. وزارت آموزش و پرورش با ۱۰۵ هزار مدرسه و ۱۳ میلیون دانش‌آموز و یک میلیون معلم و ۷۵۰ منطقه آموزشی گسترده‌ترین نهاد آموزشی است. با این وجود به‌نظر می‌رسد نگاه به آموزش و پرورش در کشور ما بیش از آنکه سرمایه‌های باشد یک نگاه هزینه‌ای است. علی الهیار ترکمان، رئیس آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور معتقد است نحوه مصرف بودجه توسط این وزارتخانه باعث شده تقریباً اعتبارات آموزش و پرورش صرف حقوق و دستمزد شود و دیگر چیزی برای ارتقای کیفیت آموزشی باقی نماند.

ساله به مرحله اجرا گذاشته شود و هیچگاه یک‌ساله دیده نمی‌شود. به‌طور کلی ماهیت فعالیت‌های آموزشی را حداقل در یک بازه زمانی سه‌ساله می‌توان جستجو کرد. برای مثال وقتی می‌خواهید ۰/۲ (دو دهم) درصد پوشش تحصیلی را بالا ببرید؛ یکسری هدف‌گذاری‌هایی انجام می‌شود این یک‌ساله نیست و یک حدفاصل سه‌ساله باید در نظر گرفته شود و بر مبنای آن بودجه‌های یک‌ساله ریخته می‌شود.

در شرایط کنونی برای سال ۹۴ که ما ۵۰ میلیارد تومان اعتبار برای افزایش کمی پوشش تحصیلی چهار استان در نظر گرفته ایم دقیقاً متناظر با آن فعالیت‌ها در قانون ۹۵ پیش‌بینی کردیم و باقی‌مانده آن کار هم برای سال ۹۶ پیش‌بینی می‌شود. در واقع پولی که ما می‌گذاریم و اهدافی که پیش‌بینی می‌شود به این معنی نیست که چون قانون بودجه یک‌ساله است پس اهداف هم یک‌ساله تعریف می‌شود. ما حداقل یک بازه زمانی سه‌ساله در نظر می‌گیریم، گرچه برخی از فعالیت‌ها مثل اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از سه سال بیشتر می‌شود یا بحث کیفیت و ارتقای کیفی معلمان از یک بازه زمانی ۵ ساله هم بیشتر می‌رود.

### بر چه اساسی ردیف بودجه‌ها اضافه می‌شوند؟

سیاست‌های ما یک منطق قیاسی دارد، یعنی از کل به جزء اتفاق می‌افتد. ما سند چشم‌انداز را داریم، سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه آموزش و پرورش را داریم، سند تحول را داریم و برنامه پنجم توسعه که به نوعی امسال تمدید شده است و هدف‌گذاری‌هایی که در اینها تعریف شده است. ما هدف کمی خود را از

در ارتباط با بودجه آموزش و پرورش ۷ حوزه مشخص را در حوزه بودجه آموزش و پرورش در نظر گرفته‌ایم که منابع پرسنلی هم در این طبقات قرار می‌گیرند. پوشش تحصیلی، عدالت آموزشی، کارآیی درونی آموزش و پرورش که بیشتر به همین نحوه مصرف برمی‌گردد و اثر بخشی بیرونی را داریم، همچنین مدیریت آموزشی و مدیریت منابع را داریم. وقتی قانون بودجه را ملاحظه کنید پیش‌بینی ما روی این هفت حوزه است که برای هر کدام فعالیت‌هایی مشخص شده است. اکنون که ما وارد فاز بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد شده‌ایم فعالیت‌هایمان بسیار دقیق و با تعریف عملیاتی مشخصی است که می‌توانیم اینها را ربط بدهیم به هر کدام از ۷ طبقه کلی که براساس آن بودجه‌ریزی‌های ما انجام می‌شود.

### در بودجه سال ۹۵ آموزش و پرورش چه ردیف بودجه‌های مستقلی اضافه شده است؟

در سه بخش سرانه‌های دانش‌آموزی و تربیت بدنی و سلامت دانش‌آموزان سه ردیف را جداگانه مستقل کردیم و مابقی اقدامات انجام شده در جهت تکمیل ردیف بودجه‌های تعریف شده‌ای است که موجود بود و صرفاً در همان ردیف به تقویت کیفیت پرداخته شد.

### برآورد شما از خروجی ردیف بودجه‌های اضافه شده یا تکمیل شده در بودجه سال ۹۵ چیست؟ آیا در مدت زمان کوتاه یک‌ساله می‌توان به نتایج امید بخشی رسید؟

فعالیت‌هایی که برای آموزش و پرورش پیش‌بینی می‌شود فرض این است که باید در یک بازه زمانی سه

### بودجه در آموزش و پرورش چه اهمیت و جایگاهی دارد؟

بودجه موتور محرک تحقق اهداف یک سازمان است. وقتی برنامه‌ریزی می‌شود در واقع روی اهداف و چشم‌اندازهای برنامه متمرکز است و بودجه همان برنامه‌های مالی یک‌ساله است که سوخت لازم را برای یک حرکت یک‌ساله تهیه می‌کند و در اختیار می‌گذارد. اگر تعریف را به این شکل قبول داشته باشیم یک معنی ضمنی در این تعریف نهفته است و اینکه مهم‌تر از بودجه نحوه مصرف بودجه است. در واقع در هر سازمان و فعالیت باید دید منابع که سه طبقه عمده را دارد یعنی منابع مالی، منابع فیزیکی و منابع انسانی چگونه به کار گرفته می‌شود زیرا اینها همه یک کنش و واکنش‌هایی دارند که همه به منابع مالی ختم می‌شود؛ یعنی اگر نیروهای انسانی به‌درستی مورد استفاده قرار نگیرد هزینه‌هایی ایجاد می‌کند که باید از منابع مالی تامین شود. اگر از منابع فیزیکی که همان ساختمان‌ها و تجهیزات هستند استفاده خوبی نشود به هزینه ختم می‌شود. به همین دلیل مهم‌تر از میزان و نحوه پیش‌بینی بودجه، نحوه مصرف بودجه است که باید از همان ابتدا بررسی شود و تا این بخش به‌درستی اصلاح نشود ما آن نوآوری‌هایی را که برای تحقق سریع‌تر یک هدف می‌خواهیم نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم. در آموزش و پرورش بحث‌های زیادی هست که منابع مالی که تخصیص داده می‌شود چگونه استفاده می‌کنید؛ زیرا هرچه ساختار چابک‌تر و اصلاح شده‌تر باشد گردش منابع به شکل بهتری اتفاق می‌افتد.

آموزش هست یک نگاه سرمایه‌ای است، اما در برنامه‌های آموزش و پرورش بیشتر نگاه هزینه‌ای است، از جمله اینکه بودجه آموزش و پرورش در بودجه جاری تعریف می‌شود و نه بودجه سرمایه‌ای. آیا با انتقال بودجه آموزش و پرورش از بودجه جاری به بودجه سرمایه‌ای، برنامه‌ریزی‌های بلندمدت‌تری با ضمانت اجرایی بهتر صورت نمی‌گیرد؟

این موضوع در آموزش و پرورش زیاد مطرح شده است، باید دو مساله را از هم تفکیک کنیم. اگر بخواهیم به موضوعی نگاه هزینه‌ای و سرمایه‌ای داشته باشیم این به شکل قالب کلی در طبقات بودجه‌ای ما ربطی ندارد. حسابداری بودجه و شکل قانون بودجه که نشأت گرفته از قوانین بالادستی از قانون محاسبات است، با قوانین مرتبط با خودش می‌آید بودجه‌های کشور را در دو طبقه دسته‌بندی می‌کند. می‌گوید بودجه‌های هزینه‌ای و بودجه‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای یا بودجه‌های عمرانی. این قسمت سرمایه‌گذاری که منظور ماست به این معنی نیست که حتماً به حوزه تملک یا حوزه عمرانی بیاید. اینها باید از دیدگاه حسابداری بودجه با مفاهیم بودجه مورد توجه قرار گیرد. هر کلای مصرفی که با دوام باشد باید در حوزه تملک سرمایه عمرانی دیده شود و آنهایی که مصرف مشخص یک‌ساله دارند باید باینند در حوزه هزینه‌ای. پس شکل حسابداری بودجه و قالب قوانین بودجه که از قوانین نشأت می‌گیرد ربطی به نگاه سرمایه‌ای یا هزینه‌ای ندارد. اینها را باید از هم تفکیک کرد، اما اینکه احساس می‌شود دولت یا مسوولان نگاه سرمایه‌ای به آموزش و پرورش ندارند و بیشتر هزینه‌ای می‌بینند برمی‌گردد به مصرف بودجه‌ای.

در شرایط کنونی اگر قانون بودجه را ببینید تقریباً ۹۳ درصد از اعتبارات آموزش و پرورش در حوزه اعتبارات پرسنلی است و صرف حقوق و دستمزد می‌شود و حدود ۷ درصد آن شامل سایر هزینه‌ها می‌شود که عمدتاً کیفیت آموزشی را دنبال می‌کند. مانند سرانه مدارس یا آموزش ضمن خدمت معلمان یا کمک به مناطق محروم و از این قبیل مثال‌ها اما وقتی آخر سال عملکرد را بررسی می‌کنید بیش از ۹۹ درصد از آن اعتباراتی که برای همین موارد پیش‌بینی شده است می‌رود در حقوق و دستمزد و کمتر از یک درصد صرف این موارد می‌شود که باز هم صرف آب و برق و گاز مدرسه می‌شود. در واقع نحوه مصرف بودجه است که این شائبه را ایجاد کرده است. همه نگاه‌ها به آموزش و پرورش هزینه‌ای است که چون دولت به شدت به این شکل مصرف بودجه معترض است. تا سال ۱۳۷۹ تعداد دانش‌آموزان ما ۱۸ میلیون نفر بود و در آنجا حدود یک میلیون نفر پرسنل برای آموزش و پرورش داشتیم و از سال ۹۰ با کاهش تعداد دانش‌آموزان مواجه شدیم که به دلیل سیاست‌های کنترل جمعیت شروع شد. اکنون در بخش دولتی ۱۲ میلیون نفر دانش‌آموز داریم. این ۱۲ میلیون نفر با تعداد ۹۷۰ هزار نفر در حال اداره شدن

بهتری در زمینه مباحث آماری داشته باشند؟ ساختار و دستورالعمل کار مشخص است. سازمان آمار دستورالعمل‌هایی را به کمیته‌های بخشی خودش اعلام کرده است. یعنی شما اگر آمارنامه‌های آموزش و پرورش را مشاهده کنید. تقریباً این ساختار آماری و آن داده‌هایی که باید جمع‌آوری شود به نوعی تحت همان قوانین کلی است و از ساختارهای کلی تبعیت می‌کند، اما به نظر من آن همدلی بیشتر در به‌کارگیری نتایج آماری باید اتفاق بیفتد. برای مثال وزارت بهداشت بر اساس همان مقررات و دستورالعمل‌هایی که دارد یکسری آمارها را جمع‌بندی می‌کند. سازمان بهزیستی و تعاون و کار هم همین کار را انجام می‌دهند و اینها نمی‌توانند در کار یکدیگر ورود پیدا کنند. نیازی هم به خیلی چیزهای مشخصی در این زمینه ندارند، ولی آمارهایی که در کنار هم قرار می‌گیرند و شاخص‌های ترکیبی را می‌سازند باید در آن همدلی صورت گیرد. آموزش، حوزه اجتماعی گسترده‌ای دارد؛ هم به بخش اقتصاد برمی‌گردد و هم به بخش سلامت و متغیرهای آموزشی خود برمی‌گردد. در واقع یک مجموعه کاملاً مرتبط و به هم تنیده‌ای است. اگر بخواهیم تصمیم‌گیری درستی اتفاق بیفتد باید دقیقاً ۵ یا ۶ طبقه آماری در کنار هم قرار گیرد تا دید مشخصی بدهند. اگر بخواهیم این مساله را با نور یک پروژکتور مثال بزنیم باید همه این نورها متمرکز شوند روی یک صحنه ولی اکنون اینگونه نیست و هر کدام یک زاویه‌ای را نشان می‌دهند. این همدلی باید در به‌کارگیری داده‌ها و نتایج آماری اتفاق بیفتد تا تصمیم‌گیری درستی رخ دهد.

▲ **نگاهی که در کشورهای مختلف به مساله**



**ساختار و دستورالعمل کار مشخص است. سازمان آمار دستورالعمل‌هایی را به کمیته‌های بخشی خودش اعلام کرده است. یعنی شما اگر آمارنامه‌های آموزش و پرورش را مشاهده کنید. تقریباً این ساختار آماری و آن داده‌هایی که باید جمع‌آوری شود به نوعی تحت همان قوانین کلی است و از ساختارهای کلی تبعیت می‌کند. اما به نظر من آن همدلی بیشتر در به‌کارگیری نتایج آماری باید اتفاق بیفتد.**

این سیاست‌ها می‌گیریم. در واقع برنامه ایران ۱۴۰۴ را به سال‌های خودش خرد کردیم و سهم یک فعالیت را مشخص می‌کنیم. بررسی می‌کنیم این فعالیت در آموزش و پرورش در مدت چند سال باید انجام شود. آن سیاست ابلاغی مشخصی که در حوزه ارتقای کیفیت نیروهای آموزشی است در مدت چند سال باید انجام شود. ما هدف‌گذاری‌های کمی خود را از آنها می‌گیریم و با توجه به ماهیتی که دارد بر آن اساس تقسیم‌بندی می‌کنیم.

▲ **بودجه امسال آموزش و پرورش چه تفاوتی با بودجه‌های سال قبل دارد؟**

اصل کار ما در بودجه‌ریزی آموزش و پرورش همان است با یک تفاوتی که امسال بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد شده است یعنی فعالیت‌ها را شفاف و دقیق کردیم و در شرایط کنونی ابزارهای خوبی داریم که رصد و نظارت کار را راحت‌تر می‌توانیم انجام دهیم. کما اینکه در یک حوزه‌هایی تمرکزها را بیشتر کردیم. برای مثال در حوزه مناطق محروم، کیفیت آموزش، سلامت دانش‌آموزان و در حوزه ارتقای حرفه‌ای معلمان دقیق‌تر شده‌ایم. ولی تفاوت عمده آن عملیاتی کردن و شفاف نمودن عملیات‌هاست. چون تقریباً این فعالیت‌ها در نظام آموزش و پرورش ما جا افتاده است و تمام عوامل در سایه همین‌ها فعالیت خواهند کرد.

آموزش و پرورش به دلیل ارتباط تنگاتنگ با مسائل خانوار، جامع‌ترین داده‌های آماری را دارد اما در عمل از این آمار تحلیلی بیرون نمی‌آید تا بتوان بر اساس آن برنامه‌ریزی دقیق و کاربردی داشت. مساله آمار در آموزش و پرورش یک بحث جدی است. از یک طرف براساس سیستم آماری کشور، مرکز آمار، براساس قانون؛ مسوول انجام این کار است و از سوی دیگر در راستای تمرکز زدایی و بالا بردن دقت، کمیته‌های آماربخشی ایجاد کرده است و مسوولیت کمیته آماربخشی آموزش و پرورش برعهده وزارتخانه آموزش و پرورش است. مفصل‌ترین داده‌ها در آموزش و پرورش است ولی این داده‌ها در پردازش و دسته‌بندی در طبقات مشخص و تحت الگوهای مشخص مساله دارد. به همین دلیل نتایجی که از این داده‌ها گرفته می‌شود خیلی زیاد نیست. برای مثال یکی از موارد آماری که آموزش و پرورش با آن روبه‌رو است همان طرح سنجشی است که از دانش‌آموزان در بدو ورود به پایه اول دبستان می‌گیرد. در این طرح ارزیابی بدنی و ارزیابی هوشی و آمادگی تحصیلی گرفته می‌شود و در کنار این کار، تمام اطلاعات اقتصادی و اجتماعی خانوار هم به دست می‌آید ولی کمتر دیده می‌شود از آنها استفاده شود. در واقع داده‌هایی جمع‌آوری می‌شود، ولی در تصمیم‌گیری‌ها خودش را نشان نمی‌دهد؛ زیرا پردازش آن درست نیست و اصلاً شاید چندان اعتقادی به این شکل کار نباشد. ما باید آنجاها را درست بکنیم تا وضعیت فعلی آمار در آموزش و پرورش تغییر کند.

▲ **چگونه می‌توان سازمان‌هایی که تکفل آماری نهاد خود را دارند به همدلی رسانند تا با هم تعامل‌های**



## دریچه

## هر کودک بازمانده یک فرصت از دست رفته است



حبیب‌الله مسعودی فرید  
معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی

نیازهای اساسی کودکان تا زمانی که در برنامه بودجه منعکس نمی‌شود، به ناچار محرومیت‌ها تشدید و اجرایی شدن برنامه‌ها به تأخیر می‌افتد. در این شرایط حتی برای تهیه شیر بچه‌ها هم با مشکل

مواجه هستیم. بودجه صندوقی که قرار است اعتبارات را تأمین کند، کم برآورد می‌شود. در این مسیر جای خالی همکاری مشترک وزارت آموزش و پرورش، وزارت رفاه و وزارت بهداشت و درمان به شدت احساس می‌شود.

برخورد با نیازهای کودکان نیازمند یک نگاه کل نگر است و داشتن یک نگاه سیستمی در طراحی برنامه‌ها دارای اهمیت بسیاری است. موضوع رفاه کودکان یکی از مباحث مهم است البته با تأکید بر این سوال که هزینه و ما به ازای فقر در کودکان چیست؟ امروز تمامی کودکان در هر جای کشور و در هر دهکی که باشند باید شامل برنامه رفاه و کاهش هزینه فقر شوند. در واقع باید اینگونه تحلیل کنیم که هر کودک بازمانده، یک فرصت از دست رفته است و به این نکته توجه کرد که سرمایه‌گذاری در آموزش و مهارت‌آموزی از طریق مدارس خیلی مهم است؛ چراکه هم با اهداف توسعه هم راستا است و هم اینکه می‌تواند به نهادینه‌سازی مکانیزم مشارکت کودکان و نوجوانان مثل آموزش مهارت‌های زندگی و کار تیمی منجر شود. در اینجا لازم است که تمرکز بیشتری روی کودکان در معرض آسیب و دهک‌های پایین درآمدی داشته باشیم. اخیراً در مقاله‌ای از دانشگاه تگزاس، میزان گنجینه لغات کودکان در پایان سه سالگی مورد بررسی قرار گرفته بود. بر اساس نتایج این مقاله کودکانی که در مراکز شبه خانوادگی یا مراکز نگهداری کودکان، مراقبت و نگهداری می‌شوند، در پایان سه سالگی ۲۷۰ کلمه یاد گرفته‌اند. در یک خانواده که والدین تحصیلات معمولی دارند ۶۰۰ کلمه در گنجینه لغات خود ذخیره کرده‌اند و در خانواده‌ای که والدین تحصیلات بالایی دارند کودکان در پایان سه سالگی ۱۲۰۰ کلمه آموخته‌اند. احتمالاً در پی این روند، در سن ۱۶-۱۵ سالگی تفاوت آنها بسیار معنادارتر خواهد شد. وظیفه دولت‌ها این است که با رویکردهایی که در برنامه‌ریزی‌ها دارند، این تفاوت بین کودکان را کاهش بدهند.

موضوع بحث این است که باید به گروه‌های در حال آسیب و دهک‌های پایین درآمدی توجه بیشتری کنیم و قطعاً این موضوع نیازمند تغییر نگاه‌ها به حوزه آموزش و پرورش است. وقتی ما راجع به موضوع کودکان صحبت می‌کنیم، فقط آموزش مطرح نیست، بلکه رفاه کودکان موضوعی فراتر از آموزش است که هم بهداشت و هم دسترسی به خدمات سلامت را برای کودکان مطرح می‌کند. به همین دلیل مناسب است تا یک نگاه کل نگر سیستماتیک در طراحی برنامه رفاه برای کودکان حاکم شود. برای مثال در پژوهشکده متابولیسم دانشگاه شهید بهشتی تهران، مطالعاتی انجام داده‌اند که مشاهده کردند در ۱۵-۱۰ سال گذشته، به خاطر کم بودن فضاهای ورزشی، ظرفیت رشد و نمو در بین دختران دبیرستانی، ۱۰ تا ۱۱ درصد کاهش پیدا کرده است که با توسعه روند آپارتمان‌نشینی، این موضوع قطعاً می‌تواند در پسران هم تسری پیدا کند. برای برنامه‌ریزی در این زمینه نیاز به اقدامات عملی داریم. بسیاری از کشورها مانند دانمارک ۱/۲ درصد تولید ناخالص داخلی را صرف رشد و نمو ابتدای کودکی یعنی ۰ تا ۸ سالگی می‌کنند یا سوئد ۲ درصد از این شاخص را به این موضوع اختصاص می‌دهد، اما کشورهای حوزه آفریقا و آسیا چیزی حدود ۰/۲ تا ۰/۴ درصد تولید ناخالص داخلی شان را به این مهم اختصاص می‌دهند؛ بنابراین باید برای افزایش اعتبارات مالی، سازمان‌ها و نهادهای متعددی تلاش کنند. پیشنهادی که ما برای برنامه ششم در حوزه کودکان دادیم این بود که حداقل یک درصد تولید ناخالص داخلی برای رشد و تکامل یکپارچه کودکان اختصاص پیدا کند تا ما بتوانیم برنامه‌های متعددی را که برای کودکان داریم، عملی کنیم. در واقع اختصاص همین حداقل هزینه از برنامه ششم به کودکان منجر به یک سرمایه‌گذاری عظیمی برای آینده کودکان این سرزمین می‌شود.

در نهایت باید توجه داشت که فقر کودکان و هزینه‌ای که فقر کودکان دارد، فقط منحصر به عباراتی که ما از فقر کودکان به نظرمان می‌آید، نمی‌شود، بلکه در زندگی آینده آنها و شغل و بهرهوری آنها و نائل شدن به ظرفیتهایی که دارند، می‌تواند تأثیرگذار باشد و قطعاً برنامه‌ریزی‌هایی که ما امروز می‌توانیم برای آنها انجام دهیم، بسیار کمک‌کننده است. برای پرداختن به حوزه کودکان، کشورهای دیگر، مدل‌های مختلفی دارند که می‌توان از آنها نیز بهره‌مند شد. یکی از این مدل‌ها موسوم به چهار اچ یعنی (Heart, Hand, Head, Health) به معنای قلب و دست و سر و سلامت است. این مدل حدود ۳۳ یا ۳۴ حوزه را برای فعالیت کودکان مشخص می‌کند و نهایتاً مولد نگاهی کل نگر است که به وسیله آن ما می‌توانیم به کودکان کمک کنیم تا زندگی بهتری داشته باشند.

است. در واقع از آن زمان تاکنون تعداد پرسنل تغییری نداشته است و این نگاه است که هزینه ایجاد می‌کند و گرنه ما اصلاً نگاه هزینه‌ای به آموزش نداریم.

پولی که به یک معلم ۴۰ ساعت آموزش ضمن خدمت می‌دهیم قطعاً در حال سرمایه‌گذاری است و دولت با همین منظور در قالب فعالیت ارتقای معلمان این پول را پیش‌بینی می‌کند؛ زیرا این ۴۰ ساعت برای معلم آموزش ضمن خدمت یعنی افزایش کارایی برای معلم در طول مدت زمان خدمت این معلم، پس اصلاً نگاه هزینه‌ای نیست. در واقع پولی که معلم در اختیارش قرار می‌گیرد وارد یک چرخه‌ای می‌شود که هزینه‌ها را بالا برده است و هزینه‌های ثابت و غیر مستقیم در آموزش و پرورش ما افزایش پیدا کرده است و اینها است که شائبه نگاه هزینه‌ای را دامنی می‌زند.

### در کشور ما چیزی در حدود ۷۰ تا ۸۰ نهاد

فرهنگی و مذهبی وجود دارد که به آنها بودجه‌های فرهنگی و مذهبی تعلق می‌گیرد. در واقع ۱۰ برابر بودجه آموزش و پرورش بودجه فرهنگی داریم؛ در حالی که آموزش و پرورش مهم‌ترین و تأثیرگذارترین متولی فرهنگ است، زیرا از سنین پایین امکان برنامه‌ریزی دارد. شاید با جمعیت بودجه و هزینه‌کرد در مدارس بتوان نتیجه بهتر و تأثیرگذارتری در بخش آموزش و فرهنگ گرفت؟

با اینکه فکر کنیم اگر بودجه جمع شود کار خوبی اتفاق می‌افتد موافق نیستیم. اهمیت این مساله این است که مدرسه مهم‌ترین کانون اجتماعی و فرهنگی یک منطقه است؛ زیرا شما در یک مدرسه به تناسب مدرسه دانش‌آموز دارید و این افراد دقیقاً در سن هنجارپذیری هستند. اگر باور همه مسوولان فرهنگی ما این باشد که با ورود و سرمایه‌گذاری در مدرسه که یک فضای آماده است به نتایج بهتری می‌توان رسید. حساب کنید اگر بخواهید کاری انجام دهید اولین کار شناسایی و جمع‌بندی مخاطبان است اما در مدرسه همه چیز طبقه‌بندی شده و آماده است و دانش‌آموزان گروه‌بندی مشخصی دارند و اینها را می‌توان تحت آموزش خود قرار داد. در واقع مدرسه به‌عنوان مهم‌ترین کانون فرهنگی و اجتماعی زمینه خوبی برای اجرای فعالیت‌های فرهنگی است. سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌های مختلف از بهداشت گرفته تا حمایت‌های اجتماعی و مهارت‌های اساسی زندگی، همه می‌تواند در قالب مدرسه دیده شود. این کار در حال انجام است و کافی نیست؛ زیرا در کشور ما حوزه‌های مختلف فرهنگی متولیان خاص خودشان را دارند و اکنون آنها دارند در حوزه‌های مختلف فعالیت‌های خود را انجام می‌دهند، از جمله در مدارس اما باید نقش پررنگ‌تری داشته باشند. باید به این نقطه برسیم که مدرسه بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کانون اجتماعی-فرهنگی ماست و اگر به این نتیجه برسیم همه می‌آیند سرمایه‌گذاری‌شان را در این بخش انجام می‌دهند.

در همه جای دنیا معلم منتقل کننده دانش و شکل دهنده توان استدلال و خلاقیت دانش آموزان است، اما ساختار نظام آموزشی در شکل دادن به کیفیت آموزش نقش تعیین کننده‌ای دارد. آیا قرار است فقط به بچه‌ها گفته شود مسائل مشخص و کانالیزه شده‌ای را از معلم دریافت کنند یا قرار است سیستمی باشد که پرورشگری، خلاقیت، انسانیت، نوع دوستی و تلاش برای یک زندگی بهتر را در دانش آموزان شکل دهد، یا با توجه به نیاز کشور برای یک فرآیند تحول اساسی و تسریع آهنگ توسعه، انسان‌هایی خلاق و کارآفرین تربیت کند یا صرفاً دانش آموزان را برای کنکور کارشناسی آماده سازد.

کاری که آموزش و پرورش ما انجام می‌دهد عمدتاً آموزش دانش آموزان برای موفقیت در کنکور است، در حالی که هدف و ماموریت آموزش و پرورش ساختن انسان قدرتمند و سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی برای توسعه کشور است. در نظام آموزشی ایران این هدف عملاً در حاشیه قرار گرفته است. در آموزش و پرورش دانش آموزان را آماده می‌کنیم برای کنکور دانشگاه و در دانشگاه دانشجویان را آماده می‌کنیم برای کنکور در مقاطع تحصیلات تکمیلی. ارزیابی درستی وجود ندارد که برای آینده، انسان‌های خلاق، پر تلاش و نوآور تربیت شده‌اند یا خیر.

این فقط در کشور ایران نیست و این وضعیت آموزش در تمامی کشورهای در حال توسعه است. به قول مایکل تودارو آموزش در کشورهای در حال توسعه مثل گاو، مقدس است. گاو که کلی هزینه اش می‌شود و کسی نمی‌تواند به این گاو توهین کند. اگر وسط خیابان نشسته است و اجازه عبور به کسی نمی‌دهد، نمی‌توان به کناری هولش داد. منظور تودارو این است که نظام آموزش و پرورش در کشورهای در حال توسعه بزرگ و پر هزینه و کم فایده شده است. انتظارات از گسترش امکانات آموزشی تحقق پیدا نکرده است. تجربه کشورهای صنعتی مثل ژاپن و اکثر کشورهای موفق جهان نشان می‌دهد که سرمایه انسانی، یعنی انسان پر تلاش و خلاق، عامل توسعه بوده‌اند؛ ولی در کشور ایران، همانند اکثر کشورهای در حال توسعه، با افزایش چشمگیر امکانات آموزشی، از شمار معلمان گرفته تا مدارس و ادارات آموزشی، تاثیر آموزش در فرآیند توسعه بسیار محدود بوده است؛ زیرا در پرورش انسانی که خود عامل توسعه باشند نتوانستیم موفقیت چندانی به دست بیاوریم.

#### ▲ نگاه به آموزش در کشورهای در حال توسعه

به این صورت است که آموزش هزینه بر است اما آموزش در واقع نوعی سرمایه‌گذاری است.

وقتی آموزش تبدیل شود به ابزاری برای ایجاد انسان‌هایی که اقتصاد را به جلو می‌برند، آموزش در خلق سرمایه انسانی موفق بوده است. مانند آنچه در ژاپن و



زهرا کریمی در گفت‌وگو با دنیای اقتصاد:

## کار آموزش و پرورش آموزش فقط برای کنکور است

برخی از کارشناسان آموزشی و اقتصادی معتقدند دغدغه‌های مالی آموزش و پرورش در ایران مانع بزرگی برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های این نهاد عظیم الجثه و تاثیر گذار در کشور است. در این میان زهرا کریمی یکی از اقتصاددان‌هایی است که اگرچه معتقد است بودجه آموزش و پرورش در سال‌های اخیر با رشد منفی مواجه بوده، اما صرفاً افزایش منابع مالی آموزش و پرورش را منجر به افزایش کیفیت در این سیستم نمی‌داند. وی معتقد است نظام آموزش و پرورش در ایران دانش آموز را فقط برای کنکور و حضور در مقاطع بالاتر علمی آماده می‌کند و هدف اصلی آن که تربیت انسان است در این میان به حاشیه رفته است. وی نظام آموزش و پرورش در کشورهای در حال توسعه را پرهزینه و کم فایده ارزیابی می‌کند. در شرایطی که حدود ۲۰ درصد از بودجه به سمت آموزش و پرورش می‌رود، اما هنوز سهم عمده‌ای از این بودجه صرف هزینه‌های پرسنلی و هزینه‌های جاری می‌شود و به ارتقای کیفی آموزش رخصتی داده نمی‌شود. در ادامه گفت‌وگو «دنیای اقتصاد» با زهرا کریمی، عضو هیات علمی اقتصاد دانشگاه مازندران را می‌خوانید:

#### ▲ جایگاه معلمی را به عنوان یک حرفه در نظام

آموزشی چطور ارزیابی می‌کنید؟

جایگاه معلم در یک نظام آموزشی مسلماً در برترین مکان قرار دارد؛ زیرا معلم واسطه بیان دانش و انتقال اندیشه‌های نوآورانه و خلاقیت‌ها به دانش آموزان و دانشجویان است. پس والاترین عرصه آنجایی است که می‌خواهیم ذهن و روح و جسم جوانان را پرورش دهیم. پس نقش معلم بسیار مهم است. در واقع در نظام آموزشی معلم پیام می‌دهد و دانش آموز پیام گیرنده است. البته در پس این رابطه معلم و دانش آموزی، ساختار آموزش و پرورش و وزارتخانه و فرهنگ جامعه وجود دارد؛ تمامی این اجزا باهم در تعامل هستند و اگر

برخی از اجزا نقص داشته باشند، نهایتاً نظام، عملکرد مناسب مورد انتظار را نخواهد داشت. به طور مثال اگر ساختمانی را سیم کشی کنید و پریز و کلید برق را نصب کنید، ولی برق نباشد، ساختمان خاموش باقی خواهد ماند. پس ارتقای دانش و ارزش‌ها و آنچه در کل به عنوان رسالت آموزش و پرورش باید انجام شود، به مجموعه مهمی شامل فرهنگ، باورها، کارآمدی دولت و ستاد سیاست‌گذاری، کمیت و کیفیت آموزش، کلاس، معلم و دانش آموز وابسته است.

#### ▲ زمانی که صحبت از حرفه می‌شود بحث تخصص

و مهارت به میان می‌آید. به نظر شما تا چه اندازه سیستم آموزشی در ایران تخصص پرور است؟



تورم را در نظر بگیرید بودجه آموزش و پرورش حتی رشد منفی داشته است و بودجه آموزش عالی هم در سال گذشته، در مقایسه با سایر وزارتخانه‌ها، کمترین رشد را داشته است اما از طرف دیگر من باور ندارم اگر حقوق استادان دانشگاه چهار برابر شود کیفیت آموزشی دو برابر بهتر می‌شود. همه این مسائل مادی نیست؛ بلکه مجموعه عوامل نامناسب، ما را به اینجا رسانده‌اند. البته مشکلات مالی وجود دارد ولی همه مشکلات مادی نیست، بلکه ما در فرآیند نامناسبی افتاده‌ایم. برای مثال استادانی هستند که تعداد زیادی پایان‌نامه دارند و اصلاً نمی‌دانند پایان‌نامه توسط چه کسی نوشته می‌شود و حساسیت چندانی نسبت به کیفیت کار ندارند، نمی‌توان انتظار داشت با افزایش حقوق استاد، تحولی در وضعیت آموزش و پژوهش روی دهد.

در همه جای دنیا کنترل کیفیت مشکل است اما در ایران و کشورهایی مانند ایران کمی مشکل تر است. برای مثال برای انتخاب معلم نمونه در دانشگاه، شاخص‌هایی برای انتخاب معلم نمونه تعیین می‌شود، ولی در واقع برای انتخاب بهترین یا بدترین عملکرد اراده‌ای قوی وجود ندارد. برای ایجاد تحولی جدی در نظام آموزشی اهرم‌های مالی چندان تأثیری ندارند؛ بلکه یک عزم جدی نیاز است که ما در ایجاد آن تا کنون موفق نبوده‌ایم.

است، در اکثر کشورها کمیت آموزش افزایش پیدا کرده، ولی کیفیت پایین آمده است.

زمانی که صحبت از کیفیت پایین آموزش می‌شود مرتب از تباطؤ داده می‌شود به کمبود بودجه در بخش آموزش. آیا همین حداقل بودجه نمی‌تواند قابل بهره‌وری باشد؟

بودجه کم، حقوق کم و وسایل کمک آموزشی ضعیف همه بر کیفیت آموزش بسیار تأثیر گذار هستند. آموزگاران و اساتید با چه شرایطی در کلاس حاضر شده و دانش‌آموزان و دانشجویان ما چه تصویری از آینده دارند؟ همه بر هم تأثیر متقابل دارند و درست است که بودجه در بخش آموزش تقریباً فریز شده است و اگر

**وقتی آموزش تبدیل شود به  
ابزاری برای ایجاد انسان‌هایی که  
اقتصاد را به جلو می‌برند، آموزش  
در خلق سرمایه انسانی موفق بوده  
است. مانند آنچه در ژاپن و کره و  
برخی دیگر از کشورهای آسیای  
جنوب شرقی روی داده است.  
این کشورها از طریق انسان‌های  
توانمند توانسته‌اند فرآیند توسعه را  
تسریع کنند.**

کره و برخی دیگر از کشورهای آسیای جنوب شرقی روی داده است. این کشورها از طریق انسان‌های توانمند توانسته‌اند فرآیند توسعه را تسریع کنند.

مجموعه سیاست‌گذاری‌های مناسبی که دولت‌ها در عرصه سیاست‌های اقتصادی و تجارت خارجی داشته‌اند همراه می‌شود با انسان‌هایی که مناسب توسعه‌اند. اگر عملکرد نظام آموزشی به شکل‌گیری سرمایه انسانی منجر شود، بسیاری موفقیت‌آمیز خواهد بود. اگر مبالغ هنگفتی سرمایه‌گذاری شود و کشور نه تنها رشد نکند، بلکه گرفتار بیکاری تحصیلکرده‌ها شود، یعنی مرتب سطح سواد افراد بالا رود ولی اقتصاد کشور از آن استفاده‌ای نبرد، به اینجا می‌رسیم که منابع محدود در عرصه بهینه مصرف نشده است. باید انتخاب شود که در چه فعالیتی از این منابع محدود استفاده شود.

ممکن است کشورهای در حال توسعه در نهایت به این نتیجه برسند که منافع اجتماعی سرمایه‌گذاری در آموزش بسیار پایین است و توجیهی ندارد که این منابع محدود در آموزش صرف شود. در این حالت بودجه دانشگاهی کم می‌شود زیرا کشور از آن چندان بهره‌برداری ندارد. در واقع در این صورت کسانی که به دانشگاه می‌روند باید حداقل بخشی از هزینه را پرداخت کنند

در ادبیات توسعه این مسائل کاملاً شناخته شده



## غنا بخشیدن به آمار گام اول سیاست گذاری و برنامه ریزی

یک نگاه سیستمی و فرآیندی باید ورودی‌ها، خروجی‌ها، دستاوردها و اثربخشی را مدنظر داشت. عملکردهایی که ما پیشنهاد می‌دهیم خروجی هستند. ولی اینکه منابعی که استفاده کرده‌ایم و سرانه‌ای که خرج کرده‌ایم چه مقدار برای کاهش فقر دستاورد ایجاد کرده است و اثربخشی داشته است، حلقه مفقوده‌ای است که اغلب پژوهش‌ها و ارزیابی‌های کشوری آن را تکمیل نمی‌کنند و در نبود شناخت و تحلیل دقیق عملکرد و در ضعف ارزیابی گذشته، برنامه‌ریزی برای آینده نیز بر بنیان درستی استوار نخواهد بود.

به عنوان مثال در برنامه ششم توسعه هدف گذاری شده که باید تا ۵ سال آینده به رشد اقتصادی ۸ درصدی برسیم. کما اینکه دو برنامه قبلی نیز قرار بود همین هدف را تعقیب بکنند. اینجا پژوهش‌ها هستند که باید پاسخگو باشند که آیا آمادگی و زمینه لازم برای این تغییر را داریم یا نه؟ آیا می‌توانیم تا ۵ سال آینده پاسخگوی فقر آموزشی موجود باشیم؟ در این راستا باید سه اقدام صورت گیرد: اول اقدامات کنترلی برای اینکه وضعیت از آنچه اکنون هست بدتر نشود، دوم شاخص‌های مناسبی انتخاب و با بررسی آنها وضعیت موجود

### حبیب جباری

دبیر شورای برنامه‌ریزی توسعه روستایی و عشایری سازمان مدیریت

هدف عدالت اجتماعی و عدالت سرزمینی، توسعه عادلانه و برخوردار همه آحاد جامعه از موهب و دستاوردهای توسعه در پهنه سرزمین است و آنچه مداخله عمومی دولت در امر سیاست گذاری و برنامه‌ریزی را توجیه‌پذیر می‌سازد، تلاش برای عدالت اجتماعی، سرزمینی و بین نسلی است که مورد آخری بیشتر در توسعه پایدار نمود می‌یابد. بنابراین شناخت و تحلیل کمبودها و قابلیت‌ها و تخصیص کارآمد و عادلانه منابع لازم، با نگاهی سه ساحتی به عدالت از عمده فعالیت‌های هر نوع برنامه‌ریزی و به ویژه برنامه‌ریزی آموزشی است و بدون آمارهای غنی در این خصوص، برنامه‌ریزی ماهیت کلی و جامع دارد و از تنوع‌ها، تفاوت‌ها و عدم تعادل‌ها غفلت خواهد شد. بنابراین آمار و اطلاعات بهنگام، شفاف و درست مبتنی بر ابعاد سه گانه عدالت پایه برنامه‌ریزی است و در شرایط نبود آمار بیشترین وقت و منابع معتنا بهی از برنامه‌ریزی به تولید و پالایش آمار و اطلاعات مصروف خواهد شد، در این راستا پژوهش‌ها نیز نوعاً در این جرگه قرار می‌گیرند.

به طوری که پژوهشگران متأسفانه ماه‌ها زمان و انرژی صرف می‌کنند و داده تولید می‌کنند و از این‌رو فرصت کمی برای تحلیل و تبیین و چرایی این داده‌ها و چگونگی تغییر پدیده‌ها می‌ماند. براین اساس می‌توان گفت پژوهش برای تولید داده درد مشترک پژوهش‌های حوزه اجتماعی است که نمونه آن را در پایان‌نامه‌های دانشجویی شاهدیم.

قابل ذکر است که در اصل از سه نوع پژوهش می‌توان سخن گفت: پژوهش چيستی یا توصیف پدیده که در آن یک پدیده یا موضوع عمدتاً برای اولین بار شناسایی می‌شود، در حالی که یا هیچ شناخت قبلی نسبت به آن وجود نداشته و یا شناخت‌ها محدود بوده است. پژوهش از جنس چرایی یا تبیین پدیده که نوع دوم یا گام بعدی پژوهش است که در آن تحلیل و علت وجودی شکل گیری آن پدیده مطرح می‌شود و نوع سوم پژوهش برای تغییر است. در این گام، پژوهش برای یافتن چگونگی ایجاد تغییر است که پژوهش‌های سیاستی و برنامه‌ریزی در این حوزه قرار می‌گیرند. در برنامه‌ریزی چگونگی تغییر مطرح می‌شود. زیرا سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی امری هنجاری و گذر آگاهانه و عمدانه از وضعیتی به وضعیتی دیگر است که طبیعتاً بهتر از قبل و مطلوب تلقی می‌شود. بنابراین پژوهش برنامه‌ریزان از جنس تغییر ولی متکی بر دو مرحله قبلی پژوهش است. پس این سه نوع پژوهش باید یکدیگر را تکمیل کنند تا برنامه‌ریزی موفق و موثری برای حوزه‌های مختلف فرهنگی- اجتماعی داشته باشیم ولی در واقعیت اینها یکدیگر را تکمیل نمی‌کنند و معمولاً در عمل مشاهده می‌شود که با خلأ آمارها، داده‌ها و اطلاعات تحلیلی مناسب مواجه هستیم. نکته مهم دیگر این است که برنامه‌ریزی تنها مبنی بر شناخت امروز نیست، باید دیروز را نیز خوب بشناسیم و فردا یا فرداها (انواع آینده) را خوب تصویر و ترسیم کنیم. در شناخت و تحلیل گذشته





در ایران و در سایر مناطق اطراف ایران سنجیده شود و در آخر برای کاهش مصداقی فقر آموزشی برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری صورت گیرد. علاوه بر اینها از پژوهش‌های معطوف به تغییر انتظار می‌رود بر آنها نگاه عدالت‌محور حاکم باشد. در اینجا سعی بر این است تا به بحث عدالت اجتماعی و عدالت فضایی پرداخت. قابل ذکر است در برنامه‌ریزی‌هایی که به‌عنوان مثال در حوزه آموزش انجام می‌گیرد، روستاییان و عشایر بیش از سایر اقشار جامعه، فقر آموزشی را تجربه می‌کنند و امیدواریم در برنامه ششم توسعه، تعاملاتی برقرار شود که به این حوزه توجه بیشتری صورت گیرد. در واقع به دنبال هر نوع توسعه‌ای که باشیم، عدالت حکم می‌کند که هدف توسعه باید ارتقای شأن انسانی در پهنه سرزمین ایران باشد. در حوزه آموزش، آمارها و شاخص‌های بسیاری مطرح می‌شود که نشان از عدم تعادل‌ها در این بخش دارد. در این وضعیت توسعه امکان‌پذیر نخواهد بود مگر اینکه عدالت اجتماعی و عدالت سرزمینی را محور توسعه قرار دهیم.

### دام میانگین و بی توجهی به تفاوت‌ها و عدم تعادل‌ها

اما عدم تعادل‌ها در حوزه آموزش کجاست؟ برای مثال عدم تعادل نسلی وجود دارد، یعنی هر چه سن بالاتر می‌رود، بی‌سوادی نیز افزایش می‌یابد، عدم تعادل بین گروه‌های اجتماعی، یعنی هر چه پایگاه اجتماعی پایین‌تر باشد، فقر آموزشی بیشتر است. به عبارت دیگر خانوارهایی که درآمد کمتری دارند و پدر و مادر فقیرتری دارند، در آموزش هم احتمالاً فقیرترند، مخصوصاً با نظام طبقاتی که برای آموزش ما تعریف شده است. عدم تعادل در عرصه سرزمین و بین مناطق، عدم تعادل بین مناطق شهری و روستایی، عدم تعادل بین مرکز و پیرامون، یعنی با دورتر شدن از مرکز استان مشکلات افزایش می‌یابند، عدم تعادل بین مرکز کشور و مرزها (مرکز و پیرامون). چند استان مرزی با مناطق محروم در غرب کشور و چند استان مرزی با مناطق محروم در شرق و جنوب شرقی کشور که سیستان

در ایران و در سایر مناطق اطراف ایران سنجیده شود و در آخر برای کاهش مصداقی فقر آموزشی برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری صورت گیرد.

علاوه بر اینها از پژوهش‌های معطوف به تغییر انتظار می‌رود بر آنها نگاه عدالت‌محور حاکم باشد. در اینجا سعی بر این است تا به بحث عدالت اجتماعی و عدالت فضایی پرداخت. قابل ذکر است در برنامه‌ریزی‌هایی که به‌عنوان مثال در حوزه آموزش انجام می‌گیرد، روستاییان و عشایر بیش از سایر اقشار جامعه، فقر آموزشی را تجربه می‌کنند و امیدواریم در برنامه ششم توسعه، تعاملاتی برقرار شود که به این حوزه توجه بیشتری صورت گیرد. در واقع به دنبال هر نوع توسعه‌ای که باشیم، عدالت حکم می‌کند که هدف توسعه باید ارتقای شأن انسانی در پهنه سرزمین ایران باشد. در حوزه آموزش، آمارها و شاخص‌های بسیاری مطرح می‌شود که نشان از عدم تعادل‌ها در این بخش دارد. در این وضعیت توسعه امکان‌پذیر نخواهد بود مگر اینکه عدالت اجتماعی و عدالت سرزمینی را محور توسعه قرار دهیم.

اما عدم تعادل‌ها در حوزه آموزش کجاست؟ برای مثال عدم تعادل نسلی وجود دارد، یعنی هر چه سن بالاتر می‌رود، بی‌سوادی نیز افزایش می‌یابد، عدم تعادل بین گروه‌های اجتماعی، یعنی هر چه پایگاه اجتماعی پایین‌تر باشد، فقر آموزشی بیشتر است. به عبارت دیگر خانوارهایی که درآمد کمتری دارند و پدر و مادر فقیرتری دارند، در آموزش هم احتمالاً فقیرترند، مخصوصاً با نظام طبقاتی که برای آموزش ما تعریف شده است. عدم تعادل در عرصه سرزمین و بین مناطق، عدم تعادل بین مناطق شهری و روستایی، عدم تعادل بین مرکز و پیرامون، یعنی با دورتر شدن از مرکز استان مشکلات افزایش می‌یابند، عدم تعادل بین مرکز کشور و مرزها (مرکز و پیرامون). چند استان مرزی با مناطق محروم در غرب کشور و چند استان مرزی با مناطق محروم در شرق و جنوب شرقی کشور که سیستان

ما نیازمندیم قدری از برنامه‌ریزی جامع کشوری فاصله بگیریم و به برنامه‌ریزی منطقه‌ای بپردازیم. منظور مناطقی است که زنگ خطری از وضعیت نامساعد آموزشی نشان می‌دهند که باید خارج از برنامه‌ریزی کلان در اولویت قرار گیرند. اگر به سمت حل این عدم تعادل‌ها حرکت کنیم، آنگاه شاید لازم باشد در توزیع سرانه‌ها تجدید نظر صورت گیرد و سرانه شهری و روستایی یا مناطق محروم و مراکز استان‌ها نباید یکسان باشد.

### چه کسانی از چرخه توسعه کنار گذاشته می‌شوند؟

افرادی که به چرخه آموزش‌های رسمی و غیر رسمی وارد نشوند، یا آموزش با کیفیت لازم را دریافت نکنند، طبیعتاً از گردونه توسعه در هزاره سوم به حاشیه رانده یا کنار خواهند رفت و کمتر فرصت و توان حضور در بخش‌های رسمی اقتصاد و اجتماع را خواهند داشت. در مقابل ناگزیر وارد بخش‌های غیر رسمی و اقتصاد غیر رسمی خواهند شد که فرصت چانه‌زنی را از آنان خواهد گرفت. البته باید در نظر داشت که در سایه توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و گسترش دنیای مجازی به‌رغم باور اقتصاددانان کلاسیک بخش غیر رسمی نه تنها در بخش رسمی مستحیل نشده بلکه گسترده‌تر نیز شده است. نکته جالب اینجا که علم و فناوری خود به‌عنوان فرصتی برای توسعه بخش غیر رسمی نوین عمل کرده است ولی باید توجه داشت آنچه در اینجا مورد نظر بخش غیر رسمی و اقتصاد غیر رسمی سنتی است که نیاز چندانی به علم و تخصص ندارد، در حالی که کشف نوع پدید آمدن آن در اصل آمیخته با علم و تخصص است. در اینجا نیز عدالت حکم می‌کند شناخت و تحلیل فضایی دقیق و درستی از بیسوادان، بازمانده‌ها از تحصیل یا ترک تحصیل کرده‌ها داشته باشیم. از این‌رو ضروری است با فاصله گرفتن از برنامه‌ریزی‌های جامع و با دوری از دام میانگین‌ها به برنامه‌ریزی فضایی مبتنی بر قابلیت‌ها، تفاوت‌ها و عدم تعادل‌ها سوق پیدا کنیم و به شناخت و تحلیل و تغییر پدیده‌ها در بستر فضایی‌شان بپردازیم و این میسر نخواهد شد، مگر با غنای آمار و دسترسی به داده‌های مکانی به‌عنوان گام اول و مهم سیاست‌گذاری.





طهماسب مظاهری در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد»:

## کیفیت بخشی مدارس، مهم‌تر از مدرسه‌سازی

نیازمند همراهی و مساعدت مراجع سیاستگذار، فرادستی و شناسایی منابع مالی جدید و متنوع است. در همین رابطه «دنیای اقتصاد» با طهماسب مظاهری به‌عنوان یکی از اقتصاددانان برجسته کشور گفت‌وگویی انجام داده است. وزارت اقتصاد و دارایی و ریاست کل بانک مرکزی از مهمترین سوابق کاری مظاهری بوده است.

از آنجایی که اقتصاد آموزش و پرورش، در سنوات اخیر به یک چالش اصلی فرآوری مدیریت این نهاد مولد سرمایه انسانی و اجتماعی تبدیل شده است، مدیریت بهینه منابع و مصارف، افزایش بهره‌وری، استفاده حداکثری از مشارکت‌های مردمی و افزایش سهم آموزش و پرورش از تولید ناخالص داخلی (GDP) در تراز کشورهای منطقه،

یکی از دغدغه‌های مهم دولت در ارتباط با نظام آموزشی، میزان تخصیص بودجه است. بسیاری از کارشناسان معتقدند از بودجه تخصیص داده شده به بخش آموزش و پرورش به‌صورت بهینه استفاده نمی‌شود. به نظر شما نزدیک کردن مدیریت مدارس به واحدهای شهر و محله تا چه اندازه می‌تواند مشکلات ناشی از کمبود بودجه در بخش آموزش را کاهش دهد؟ من وقتی در وزارت اقتصاد بودم نامه‌ای به رئیس جمهور وقت نوشتم و پیشنهاد دادم اداره آموزش و

دیگری وجود دارد که در زمان کوتاه می‌توان به نتیجه خوبی رسید، حداقل در سطح یک روستا یا مناطق دورافتاده‌تری که دچار فقر مطلق آموزشی است. در واقع با تجهیز امکاناتی که فراهم می‌شود باید بتوان به نتایج ملموسی رسید. نتیجه مثبت این کار کوچک به شرط انعکاس خوب در جامعه باعث جذب امکانات بیشتر خواهد شد. در بخش حکومتی و دولتی سند آن به راحتی بیرون نمی‌آید و کمتر افراد وقت خواهند گذاشت و عده‌ای هم ممکن است مدتی در مورد این مساله صحبت کنند و به نتیجه نرسند.

چگونه می‌توان برای بالا بردن بهره‌وری در آموزش، برنامه‌های آموزشی را به سمت سایر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی جهت‌دهی کرد؟ ساختار آموزشی وزارت آموزش و پرورش به‌طور کلی باید عوض شود و روش تفویض اختیار به استان‌ها و مناطق برای سازماندهی استان‌ها با توجه به تفاوت‌های فرهنگی که در کشور وجود دارد باید تغییر کند و البته گفتن حرف و رسیدن به این نتیجه بسیار انرژی‌بر است. آنچه به نتیجه می‌رسد، محصول آن با تغییر بسیاری رخ خواهد داد. اما استراتژی



و همین را می‌شود با این انگیزه‌ای که ساخته شده سروسامان دهند. از خیرین مدرسه ساز بخواهند وارد بهبود کیفیت ساخت و ساز مدارس در مناطق محروم شوند و تجهیزات لازم را در اختیار آنها بگذارند. در این حالت امکانات عظیمی فراهم می‌شود. مردم ما برای آموزش فرزندانشان از نان شب خود می‌زنند و برای فرزندان دیگران هم حاضر هستند چنین کاری انجام دهند.

مساله مهم این است که چگونه از ظرفیت مردم خارج از کشور برای تامین منابع در داخل کشور بتوان بهره لازم و کافی را برد. ایرانیانی که طیف‌های مختلفی دارند و حتی کسانی که به لحاظ ایدئولوژی مخالفت‌هایی دارند اما همین‌ها هم مایل هستند در بهبود و پیشرفت کشور در زمینه آموزشی فعالیت داشته باشند. اکثر ایرانیان خارج از کشور که منابع درآمد خوبی هم دارند علاقه‌مند هستند که در این عرصه حضور داشته باشند. اگر سازو کاری پیدا شود البته بدون اینکه سرنوشت فکری فرزندان به آنها سپرده شود، این افراد به‌صورت بالقوه حاضرند وارد شوند. با حفظ خط قرمزهای فرهنگی که وجود دارد می‌توان به کمک این اشخاص امکانات فیزیکی را در مدارس بالا برد. با این استراتژی اگر جلو برویم در کوتاه مدت می‌توان نتیجه‌های خوبی گرفت و همین مبنای تغییر اصلی شود و اگر غیر از این باشد باید حوصله کرد تا به نتیجه برسد.

خاطر هم هست اوایل انقلاب حضرت امام(ره) در ارتباط با بنیاد مستضعفان حکم می‌داد و منطق ایشان این بود که اموال بنیاد متعلق به فقرا است و باید صرف خودش شود. با وجود اینکه در شرایط جنگ بودیم ایشان معتقد بودند فعالیت عمده حکومتی مثل رفع فقر در سطح مملکتی یا بالا بردن سطح رشد اقتصاد مملکت یا بهبود وضع معیشت مردم وظیفه دولت است اما بنیاد مستضعفان و هر آنچه در آن است متعلق به فقراست و باید فقرا را تامین کرد. اینجا هم اگر بخواهم چنین تعبیری داشته باشم باید بگویم بهبود وضع آموزشی در کشور چه در سطح وزارت علوم و چه در سطح آموزش عالی وظیفه دولت است. کاری که این جمع می‌تواند انجام دهد این است که فقر آموزشی در مکان‌هایی را که از یک حدی پایین‌تر است با امکاناتی از داخل مملکت یا دولت و سیستم مالیات و غیره تامین کند. قوانین و تبصره‌ها در اختیار وزارت آموزش و پرورش است که باید خرج کند و اینکه چگونه خرج می‌کند در حالی که می‌شد همین ظرفیت را با روش‌های دیگری انجام داد که آموزش و پرورش مجری آن نباشد بلکه کسانی که پول می‌دهند خودشان بیابند و عامل باشند تا بتوانند حضور داشته باشند، مانند خیرین مدرسه ساز مردمی باشد تا نتایج لازم آن گرفته شود.

**در تمام سال‌هایی که از شکل‌گیری و تصویب لایحه بودجه در مجلس گذشته است در تمام سال‌ها بلا استثنا بودجه آموزش و پرورش دائما دچار کسری بوده. در شرایط فعلی همه می‌دانند که بودجه‌ای برای آموزش و پرورش تصویب می‌شود خرج ۹ یا ۱۰ ماه آموزش و پرورش است و باید در دو ماه آخر از اصلاح بودجه استفاده کند**

همینی که هست باشد و این را آموزش و پرورش خرد کند و به‌صورت یارانه به این افراد دهد قطعاً اتفاقات بهتری در بخش آموزش و پرورش می‌افتد که البته این کار باید تدریجی باشد.

▶ مشارکت‌های مردمی در بهبود ظرفیت‌های آموزشی بسیار تاثیرگذار است اما معمولاً این همراهی‌ها دچار پراکنده کاری می‌شود. حتی پیشنهاد تاسیس صندوق‌های سرمایه‌گذاری آموزشی هم مطرح شده است اما اعتماد کمک‌کنندگان جلب نشده است.

پیشنهادی که دارم این است که چه امکانات مردمی داخل و چه استفاده از ظرفیت‌های علقه‌ای و انگیزه‌های ایرانیان خارج از کشور را می‌توان جذب چنین کاری کرد. مردم هم علاقه‌مندند به فرزندان خود و فرزندان دیگران کمک کنند ولی باید اول مطمئن باشند پولی که می‌دهند در کجا خرج می‌شود و باید در این ارتباط یک سازماندهی اتفاق بیفتد؛ مانند خیرین مدرسه ساز.

این روزها دیگر مدرسه‌سازی اولویت ندارد زیرا مدرسه‌ها به لحاظ فیزیکی به تعداد لازم رسیده است

پرورش را در وظایف شورای شهر قرار دهیم، شوراها یکی از کارهایی که می‌توانند انجام دهند این است به دلیل نزدیک بودن به مردم، رابط مردم و شهرداران هستند و اگر مشکلی در آموزش و پرورش باشد به دلیل همین نزدیکی بیشتر به مردم، علاوه بر اینکه شهرداری‌ها هم به‌لحاظ بودجه‌ای امکانات خوبی دارند و می‌توانند از این امکانات به خوبی استفاده کنند. اتفاقاً شهرداران و شورای شهر که بسیار مایلند توجه مردمی را جلب کنند اگر برخی از وظایف آموزش و پرورش در اختیار این افراد گذاشته شود آنها به‌جای اینکه بخشی از منابع‌شان را به ساخت‌وساز اختصاص دهند، در بهبود آموزش و پرورش در شهرستان‌ها و مناطق حاشیه‌ای حضور فعالی خواهند داشت و از این امکانات به خوبی استفاده می‌شود.

در تمام سال‌هایی که از شکل‌گیری و تصویب لایحه بودجه در مجلس شورای اسلامی گذشته است در تمام سال‌ها بلا استثنا بودجه آموزش و پرورش دائما دچار کسری بوده حتی برای هزینه‌های جاری‌شان. در شرایط فعلی همه می‌دانند بودجه‌ای که برای آموزش و پرورش تصویب می‌شود خرج ۹ یا ۱۰ ماه آموزش و پرورش است و باید در دو ماه آخر از اصلاح بودجه استفاده کنند تا هزینه‌های دوماه آخر را بتوانند پرداخت کنند، تازه با همین کیفیتی که دیده می‌شود. در حالی که اگر در اختیار شورای شهر گذاشته شود و همین بودجه به‌عنوان کمکی به این نهادها داده شود و آموزش و پرورش به‌جای مجری بودن، خود ناظر بر کار باشد و استانداردها را بگوید و کیفیت‌ها را ببیند قطعاً کیفیت آموزشی ارتقا پیدا خواهد کرد و این مساله در همه جای دنیا تجربه شده و نتایج خوبی گرفته شده است. در سطح عموم اگر اختیار به شوراها داده شود و بودجه آموزش و پرورش



نایب رئیس اول اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در گفت‌وگو با دنیای اقتصاد:

## سیاست‌گذاری آموزشی ما، قرنطینه‌ای است

فرصت کافی برای حضور مسوولیت‌پذیرانه بخش خصوصی در فقرزدایی آموزشی ایجاد نکرده ایم

▲ مساله مسوولیت‌پذیری شرکت‌ها دو دهه‌ای است که مطرح می‌شود و حتی به صورت آکادمیک در قالب واحدهای درسی تدریس می‌شود. این روزها دولتی‌ها تمایل پیدا کرده‌اند که به سمت بخش خصوصی بیایند و قطعا آموزش و پرورش هم از این امر مستثنی نیست. در بخش آموزش و پرورش خصوصی‌ها فقط به صورت مدرسه سازی فعال هستند. از نظر شما بخش خصوصی تا چه اندازه به لحاظ مسوولیت‌پذیری پتانسیل دارد تا به بخش آموزش ورود پیدا کند؟

بخش خصوصی به معنای واقعی و به‌ویژه در سال‌های دورتر که ما بی‌نیاز از درآمدهای نفتی نبودیم تا حد زیادی عهده دار نظام آموزش و تربیت فرزندان این کشور بوده است. زمانی که دولت این بودجه و توانایی را نداشت و از دوران قدیم به‌ویژه مدارس به شیوه امروزی تاسیس نشده بود بسیاری از آموزش‌های سوادآموزی به بچه‌ها توسط بخش خصوصی و توسط افراد و گروه‌های اجتماعی که در شهرها و محله‌های مختلفی با رهبری بزرگان این گروه‌های اجتماعی بودند این تعلیم و تربیت انجام می‌شده است. اگر چه شکل آن سنتی بود و بیشتر آمیخته با مفاهیم مذهبی بود و علوم امروز شروع به آموزش نشده بود اما نقش بخش خصوصی در همان کار و در همان سطح بسیار پررنگ بود. در ادامه هم که ما تاریخ مدارس نوین را مرور می‌کنیم می‌بینیم که مدارس ممتازی که در دوره‌های جدید بنیان گذاشته شدند در بخش خصوصی انجام شد. یعنی مدارس دولتی در ابتدای تشکیل مدارس چندان شاخص نبودند، درحالی که مدارس خصوصی بودند مدارس شاخصی بودند و عملاً فارغ‌التحصیلان آنها چهره‌های برجسته سیاست و اقتصاد کشور شدند. از این بعد بخش خصوصی دین زیادی بر گردن کشور دارد که پیشران حوزه آموزش بوده است. زمانی که با افزایش درآمدهای نفتی دولت وضعیتی پیدا کرد که توانست مدرسه‌سازی و سیستم آموزش همگانی را با تکیه بر آن درآمدها در کشور توسعه دهد و مشخصاً در پیش از انقلاب و در دهه ۴۰ و ۵۰ شاید در قیاس برخی معتقدند نقش بخش خصوصی کم‌رنگ شد درحالی که باید گفت دولت در این عرصه نقش پررنگ‌تری پیدا کرد.

بعدی که من از حضور بخش خصوصی در نظام آموزشی اشاره کردم در بعد احساس وظیفه و به عبارتی احساس ضرورت شخصی بوده و البته نه به صورت سازمان یافته، بلکه در جای جای کشور کسانی که از جنس بخش خصوصی بودند این کار را انجام داده‌اند. اگر بخواهیم مقایسه ضعف و قوت کنیم می‌توانیم ادعا داشته باشیم که بخش خصوصی خیلی در دولت بهتر عمل کرده است، درحالی که دولت علی‌رغم داشتن یک نظام مدیریتی متمرکز و وزارت مشخصی با عنوان آموزش و پرورش و علی‌رغم داشتن بودجه‌های هرساله حاصل کار این شده است که کماکان ما به مدارس در سطح دبستان و راهنمایی و مقطع متوسطه در کشور نیاز داریم و مرتب در این رابطه هم دولت باید کار جدی انجام دهد و هر کجا کمبودی هست بخش خصوصی باید کار کند.

▲ به نظر می‌آید بخش خصوصی در امر آموزش تا یک‌جایی حضور دارد ولی در نیمه راه کار را رها می‌کند. در واقع چندان حضور هدفمندی در امر آموزش ندارد و صرفاً به امر مدرسه‌سازی می‌پردازد. این در حالی است که شرکت‌ها وقتی می‌خواهند فارغ‌التحصیلان دانشگاه را جذب کنند سعی دارند شروع به آموزش نیروی انسانی خود داشته باشند.

از آنجایی که دولت سیاست‌گذاری درستی نداشته است عملاً می‌بینیم امروز موسسات آموزش عالی و دانشگاه‌هایی را داریم که ظرفیتشان خالی مانده درحالی که در بسیاری از مکان‌ها مدرسه نداریم و این یعنی توسعه فرهنگی و آموزشی غلط. درحالی که دولت

سال‌های زیادی است که از حضور فعال بخش خصوصی در امر آموزش و پرورش کشور می‌گذرد. اگر در گذشته این همکاری صرفاً در قالب مدرسه سازی بوده اما امروز این بخش طالب واگذاری مدیریت از سوی آموزش و پرورش است و نه صرفاً مالکیت. دغدغه این روزهای پدram سلطانی و همراهان او در بخش خصوصی، اتمام پروژه صد مدرسه‌ای «ایران من» است. او خواستار حضور خصوصی‌ها در حوزه سیاست‌گذاری‌های آموزشی است و معتقد است نظام آموزشی متناسب با نیاز بخش خصوصی به تربیت نیروی نومی پردازد.





این تمرین نیست. ظاهرا در نظام آموزشی ما تفکر امنیتی حاکم است. حتی تجربه‌ای که ما خودمان داشتیم این بوده که کتابهایی که مجوز گرفته و اهدا می‌کنیم از توزیع آن پرهیز می‌کنند. گویی مدارس مجاز هستند تنها تعداد مشخص و محدود کتاب را وارد آموزش و پرورش کرده و مابقی کتاب‌ها نامناسبند. در حالی که همین کتابها از وزارتخانه دیگری که در مجموعه دولتی است مجوز گرفته است. در واقع این موضوعات کسانی را که دغدغه آموزش دارند تا حدودی مایوس می‌کند. نگاه آموزش به بخش خصوصی صرفا نگاه مادی است. در شرایطی که آمارها نشان می‌دهد بخش خصوصی از دولت پیشی گرفته است. برای ساخت مدارس و البته در اتاق بازرگانی و مجموعه‌های مرتبط با اتاق هم این کار در حال انجام است اما

از تعامل مغزافزایی با بخش خصوصی هیچ استقبالی در نظام آموزشی نمی‌شود، نه در نظام آموزش ۱۲ ساله و نه در نظام آموزش عالی. در خارج از مرزها حتی در انگلستان و آلمان و غیره حتما در ترکیب هیات‌مدیره و یا هیات امنای دانشگاه‌ها، از مدیران برجسته بخش خصوصی حضور دارند و آنها هستند که این اطلاعات را می‌دهند که این رشته‌ها چه ایرادهایی دارد و نیازهای جامعه صنعتی چیست و چه ایرادات و نقص‌هایی را می‌توان پیش‌بینی کرد و عملا سنجه‌هایی برای دانشگاه‌های آنجا در نظر گرفته می‌شود که آنها مجبور هستند خودشان را با نیازهای بخش خصوصی تطبیق دهند چون در غیر این صورت نشانه ضعف و ناکارآمدی‌شان است.

ما چه نظام سنجشی در دانشگاه‌هایمان به‌جز مقاله‌های ISI و تعداد هیات علمی داریم. در حالی که سال‌هاست این نوع سنجش‌ها در دیگر کشورها منسوخ شده است. در ادوار گذشته ما بارها همایش‌ها و تعاملات صنعت و دانشگاه را برگزار کردیم و یک دستاوردهایی داشته است ولی خیلی سطحی بوده در مقایسه با وضعیت اسفباری که نظام آموزشی ما دارد. نرخ بیکاری در قشر تحصیل کرده دو برابر نرخ متوسط کشور است. طبیعتا سیاست‌گذاران باید چه دغدغه‌ای داشته باشند، مهمتر از اینکه باید تحول اساسی انجام شود و چرا این کار را نمی‌کنند. اینجاست که من می‌گویم نظام آموزشی ما یک نظام متصلب است و نظامی است که تغییر و اصلاح در آن به سختی انجام می‌شود.

اگر تعاملی میان آموزش و پرورش و بخش خصوصی هست صرفا به دلیل نیاز مالی است. باید مهارتهایی را آموزش دهیم ولی بوجه آن را نداریم و بخش خصوصی باید بیاید هزینه را پرداخت کند یا در مجموعه‌های صنعتی خودش دوره کارآموزی بگذارد و این تلویحا یعنی پولش را پرداخت کند در حالی که نیروی انسانی باید در سیستم آموزشی قبالا موخته باشد.

بخش خصوصی می‌تواند در فعالیت‌های تکمیلی آموزش و پرورش نقش فعالی داشته باشد. در واقع بخش‌های مختلف اقتصادی و مخصوصا صنعتی‌ها با حضور در آموزش و پرورش می‌توانند به تربیت نیروی انسانی مورد نیاز خود بپردازند تا در کار به بهر هوری بالاتری برسند.

اگر منظور شما این است که هر واحد صنعتی مستقل وارد آموزش نیروی انسانی خود شود، این مرسوم نیست و در کشورهای دیگر هم معمولا شرکت‌های بزرگ و چندملیتی که نیروی کار چند ۱۰ هزار نفری دارند می‌بینید نظام آموزشی خاص خود و یا مدارس فنی و حرفه‌ای خاص خودشان و یا تعامل پررنگ با نظام آموزشی آنها دیده می‌شود. در کشور ما هم این اتفاق در مقیاس کمتر اتفاق افتاده است. اما بنگاه‌های بخش خصوصی ما متوسط اندازه‌شان کوچک است و بنگاه‌های کوچک و متوسط از این نوع کارها راسا انجام نمی‌دهند و این گونه کارها جمعی انجام می‌شود. در کشور ما سازوکار همکاری با نظام آموزشی توسط نهادهای واسط و نهادهایی به نام موسسات خیریه تعریف شده است. البته از نظر من بد نیست و می‌تواند ساختار خوبی باشد به شرط اینکه صرفا به آن نگاه مادی نشود و نگاه سیاست‌گذاری وجود داشته باشد.

اتاق بازرگانی برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز خود در بخش‌های مختلف

**اگر تعاملی میان آموزش و پرورش و بخش خصوصی هست صرفا به دلیل نیاز مالی است. باید مهارتهایی را آموزش دهیم ولی بوجه آن را نداریم و بخش خصوصی باید بیاید هزینه را پرداخت کند یا در مجموعه‌های صنعتی خودش دوره کارآموزی بگذارد و این تلویحا یعنی پولش را پرداخت کند در حالی که نیروی انسانی باید در سیستم آموزشی قبالا موخته باشد.**

همان سرمایه‌گذاری را در توسعه مدارس و نظام آموزشی در مقطع ۱۲ ساله انجام می‌داد، قطعا تاثیر آن بیشتر از کاری بود که در آموزش عالی انجام داد آن هم با تاسیس رشته‌هایی که اصلا نیازی در جامعه به آنها وجود ندارد و بخش خصوصی هم به عنوان مشتری این نظام آموزش عالی کاری بیش از این نمی‌توانست انجام دهد چون بسیاری از رشته‌هایی که تدریس می‌شود از رده خارج است یا متناسب با نیاز بازار کار در کشور ما نیست. این افراد ناخودآگاه ناگزیر بیکار می‌شوند و دانشگاه‌های ما عملا تبدیل به یک نهاد شدند برای به تاخیر انداختن بیکاری در کشور و به جای اینکه افراد از ۱۸ سالگی بیکار قلمداد شوند از ۲۲ سالگی بیکار هستند. حالا بسته به اینکه تا چه مقطعی درس بخوانند حتی تا ۳۰ سالگی این مقطع در دانشگاه‌ها پنهان

می‌شود. در واقع دولت در تناسب دولت بودنش و یک نظام ثابت مدیریتی و سازمان با سابقه و دارای ورور کراسی برای این ماموریت تعریف شده است و کسانی که سالیان سال فقط حقوق می‌گرفتند که این کار را انجام دهند. این کار وظیفه اصلی بخش خصوصی نیست و جزو مسوولیت‌های جانبی‌اش است ولی دیوان دولتی برای این کار تشکیل شده است که نتایج‌اش این است. دولت بسیار ناموفق تر از بخش خصوصی عمل کرده است. حالا شما نمونه‌ای از این را در کشورهایی مثل آمریکا می‌توانید مقایسه کنید که در آنجا نظام آموزش عالی آن به نوعی خصوصی است و یا دانشگاه‌ها مبتنی بر مشارکت مردمی هستند. به‌جز دانشگاه‌های ایالتی سایر دانشگاه‌ها به نوعی خصوصی هستند. افرادی که فارغ‌التحصیل می‌شوند بلافاصله وارد بازار کار می‌شوند و حتی در زمان تحصیل، شرکت‌ها مسابقه و رقابتی دارند برای شناسایی این افراد و جذب آنها. در واقع در این بعد باز مشخص است که بخش خصوصی توانسته بسیار توانمند عمل کند. من مشکلات بسیاری را در نظام آموزشی کشور می‌بینم که نظام آموزش و پرورش نقش پررنگ خود را نتوانسته ایفا کند.

یکی از این علل، چارچوب سخت و غیرقابل انعطافی است که در گذشته در نظام آموزشی ما به‌ویژه در یک دوره ۱۲ ساله وجود دارد. در قیاس با سایر سازمان‌ها و نهادها و وزارتخانه‌ها شاید بدترین برخورد‌ها را بتوانیم در نظام آموزش و پرورش با بخش خصوصی ببینیم و با وجود علاقه‌مندی که این افراد برای آموزش و پرورش فرزندان این مرز و بوم دارند چنان چارچوب‌ها و تنگناهای سختی دارد که حتی برای درجه شادی بچه‌ها محدودیت قائل است و این نظام طبیعی است که افراد با انگیزه و با مهارت را نمی‌تواند تربیت کند.

سیستم آموزش ۱۲ ساله ما از مهارتهای روز مورد نیاز یک شهروند باسواد فعال فاصله گرفته است و محتوای درسی ما کمکی نمی‌کند به‌جز به اطلاعات اولیه‌ای که برای خواندن و نوشتن در نظر گرفته شده است و در هر درسی در سطوح پایه‌ای باید اطلاعاتی داشته باشد، در بقیه موارد مشخص نیست این محتوای درسی برای چه طراحی شده و در آینده چرا با تاخیر وارد نظام آموزشی می‌شود.

دو آیتیم باید تفکیک شود. ما یک فقر آموزشی عمومی برای رده سنی پایه می‌توانیم تعریف کنیم و آن مهارتهای ضروری را افراد نمی‌توانند آموزش ببینند و نمی‌توانند کار تیمی انجام دهند و مهارت فکر کردن برای حل مساله ندارند و مهارت‌های ضروری مثل کار تیمی یا صحبت یا مهارت حل مساله را یاد نمی‌گیرند. اگر بخواهیم به زبان اقتصادی بگوییم اینکه فقر، نسبی است و خیلی‌ها در گیر این مساله هستند، حتی مدارس مرفه کشور هم بخشی درگیر این موضوع هستند و به‌لحاظ محتوا فقیر هستند. اما یک فقر مطلق و خاص داریم. در واقع یک جاهایی مدرسه نیست یا سقف مدرسه در حال ریزش است. در هر دو حوزه به نظر می‌رسد بخش خصوصی می‌تواند وارد شود و اینکه شما می‌فرمایید جایی تعریف نشده همینطور است و وزارت آموزش و پرورش تمرین این تعامل را نداشته است.

## اقتصادی چه کرده است؟

اتاق بازرگانی شبیه بسیاری از بنگاه‌های متوسط کشور برای کارکنان خود آموزش ضمن خدمت دارد اما برای تقاضای بخش خصوصی ما موسسه آموزشی پژوهشی و آموزشگاه علمی کاربردی داریم. یکی از خلاهای اصلی در بخش خصوصی و در کل کشور، فقدان نیروهای مدیریتی تحصیلکرده است که با مشارکت دانشگاه‌های داخلی و خارجی، دوره‌های آن توسط اتاق بازرگانی در حال برگزاری است. وقتی میزان اهمیت و کمبود را در سطوح آموزشی بررسی می‌کنیم می‌بینیم بخش مدیریتی نیاز به نیروهای انسانی کارآمدتری دارد زیرا اگر بخواهیم اقتصاد ما به سمت اقتصاد مدرن برود باید یک مدیر تحصیلکرده آن را اداره کند، نه یک مدیر تجربی و سنتی. همچنین بنگاه‌های ما برای اینکه از کوچک به متوسط برسند یک مدیر سنتی نمی‌تواند آن را اداره کند پس در آنجا در حال سرمایه‌گذاری هستیم. در بخش‌های مهارت‌افزایی نیروی کار این کار انجام می‌شود و ما خودمان این کار را احساس کردیم و در چند همایشی که برگزار کردیم گفتیم نظام آموزشی ما متناسب با نیاز ما تربیت نیرو ندارد اما راه حل آن نیست که دائماً دانشگاه تاسیس کنیم زیرا در شرایط فعلی دانشگاه‌ها فقط هزینه دارند. باید در راه سیاست‌گذاری دانشگاه‌ها بخش خصوصی مشارکت داشته باشد و آن زمان می‌توانیم تقبل هزینه هم بکنیم.

شما در یادداستی، به مناسبت کنفرانس دوم توسعه و عدالت آموزشی به ورود نظام‌مند بنگاه‌های اقتصادی ذیل فقرزدایی آموزشی کودکان اشاره داشتید و اینکه ورود نظام‌مندشان باید تسهیل شود. از طرفی فقرزدایی آموزشی می‌تواند هم بعد نرم‌افزاری داشته باشد و هم بعد سخت‌افزاری. اکنون برای اینکه زمینه‌های ورود نظام‌مند فراهم شود به نظر شما مجموعه‌ای مثل اتاق بازرگانی چه کاری باید انجام دهد و از سوی دیگر نهاد متناظر آن یعنی آموزش و پرورش چه باید بکند؟

اتاق بازرگانی در ترویج مفهوم و چارچوب مسوولیت اجتماعی بین بنگاه‌های اقتصادی وظیفه‌مند است و کارهایی را آغاز کرده و می‌خواهد آن را توسعه دهد. اگر بنگاه‌های کوچک و متوسط بتوانند هم افزایی داشته باشند برای کارهای بزرگ‌تر می‌توانند ایفای نقش کنند. در واقع همانطور که ما شبکه‌سازی تجاری در کشور و سایر کشورها را انجام می‌دهیم می‌توانیم شبکه‌سازی مسوولیت اجتماعی هم داشته باشیم. برای تقویت حضور بخش خصوصی در این زمینه می‌توانیم نظام تشویقی ایجاد کنیم.

در این دوره تصمیم داریم چارچوب مسوولیت اجتماعی را در اتاق بازرگانی تعریف کنیم و براساس آن رقابتی را میان بنگاه‌ها به وجود بیاوریم. به کسانی که استانداردها را لحاظ می‌کنند نشانی اهدا می‌شود مبنی بر اینکه این فعال اقتصادی مسوولیت اجتماعی خود را در ابعاد مختلف انجام می‌دهد. در ارتباط با مسوولیت اجتماعی ما کارهای ترویجی انجام می‌دهیم و اتاق بازرگانی تا جایی که مجاز است مشارکت مستقیم در کار مسوولیت اجتماعی دارد. در این دوره نیز اتاق قصد دارد ایزو ۲۶۰۰۰ بگیرد و خودش را با مسوولیت‌های یک سازمان مسوولیت‌پذیر منطبق کند.

وزارت آموزش و پرورش به نظر شما چه کاری باید انجام دهد تا به خروجی

بهتری برسیم؟

وزارت آموزش و پرورش باید این نگاه مادی را از روی بخش خصوصی بردارد. فرصت دهد به بخش خصوصی تا به سیاست‌گذاری آموزشی ورود پیدا کند. این سیاست‌گذاری نباید انتزاعی و قرنطینه‌ای باشد. البته این فقط در ارتباط با بخش خصوصی نیست، باید دید چقدر نظام آموزش و پرورش در حوزه سیاست‌گذاری از بخش‌های دیگر مثل بخش هنری یا فعالان اجتماعی دیگر برای سیاست‌گذاری کمک می‌گیرد. به هر حال بخش خصوصی چون نقش مالی پررنگ‌تری نسبت به سایر حوزه‌ها دارد انتظارش هم بیشتر است و به همین دلیل یک نیروی کارآمد تربیت می‌شود، بخش خصوصی تقویت می‌شود و کشور توسعه می‌یابد. وزارت آموزش و پرورش باید چارچوب سخت و انعطاف‌ناپذیری را که به بدنه خودش تزریق کرده است تغییر دهد.

## زاویه

## گلابیاتورها در مدارس



سعید معیدفر

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

براساس یک پژوهش اجتماعی، استان‌های محروم، تلفات و سوانح رانندگی بیشتری دارند. این آمار می‌تواند نشانه‌ای از ضعف آموزش و فرهنگ‌سازی و سبک زندگی در این مناطق باشد. یکی از ضروریات عدالت آموزشی، هدف‌گذاری‌های آموزشی است که نظام آموزشی ما در این حوزه ضعیف عمل کرده است. نظام آموزشی ما متأسفانه انسان تولید نمی‌کند بلکه افرادی تولید می‌کند که خودمحور و فردگرا هستند. پیامد چنین نظامی می‌تواند به بازتولید نابرابری و ضعف روزافزون مهارت‌های اخلاقی و انسانی دامن بزند.

آمار تلفات سوانح رانندگی در سال ۱۳۹۳ نشان می‌دهد که مثلاً برخی از استان‌ها مانند فارس، خراسان رضوی، اصفهان یا تهران میزان تلفات بالاتری از سایر استان‌های دیگر دارند، اما وقتی محل تولد کشته‌شدگان سوانح رانندگی را با توجه به کد ملی آنان ملاحظه می‌کنیم، معلوم می‌شود که بیشترین تلفات کشور مربوط است به استان‌های کهگیلویه و بویر احمد، چهارمحال و بختیاری، ایلام و بوشهر؛ در واقع استان‌هایی که عملاً به‌عنوان استان‌های محروم شناخته می‌شوند. این نشان می‌دهد که در استان‌های توسعه یافته کشور، توجه به خود و دیگری و ارزش انسانی مورد توجه بیشتری بوده و به همین دلیل میزان تلفات سوانح رانندگی نیز کمتر بوده است.

در عین حال سبک زندگی در استان‌های توسعه یافته متفاوت بوده و اندیشه‌های تقدیرگرایانه در آنها کمتر به چشم می‌خورد؛ بنابراین این بررسی به تنهایی نشان می‌دهد آموزش تا چه اندازه‌ای می‌تواند در ارتقای سطح زندگی افراد تاثیر بگذارد و از آن طرف به نحوی می‌تواند باعث کاهش تلفات انسانی در زمینه‌های مختلف، از جمله تلفات رانندگی شود. این مساله زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم تنها در سال گذشته نزدیک به ۱۷ هزار نفر در اثر سوانح رانندگی کشته و ۳۰۰ هزار نفر نیز زخمی و معلول شده‌اند که البته بسیاری از افراد معلول نیز متعلق به همین مناطق محروم کشور هستند و خود به خود یک چرخه آسیب‌پذیری را برای این استان‌ها رقم می‌زند.

سخن من در این مجال چیز دیگری است. می‌خواهم از زاویه دیگری به بحث عدالت آموزشی توجه کنم. معمولاً در بحث عدالت آموزشی، عمده‌تاکیدمان روی فرصت‌های برابر آموزش و محرومیت‌زدایی بوده است، این در حالی است که به نظر من هدف‌گذاری آموزشی در این زمینه مورد غفلت قرار گرفته است. این گزاره درست است که مردم در برخی از مناطق کشورمان یا حتی مناطق شهری



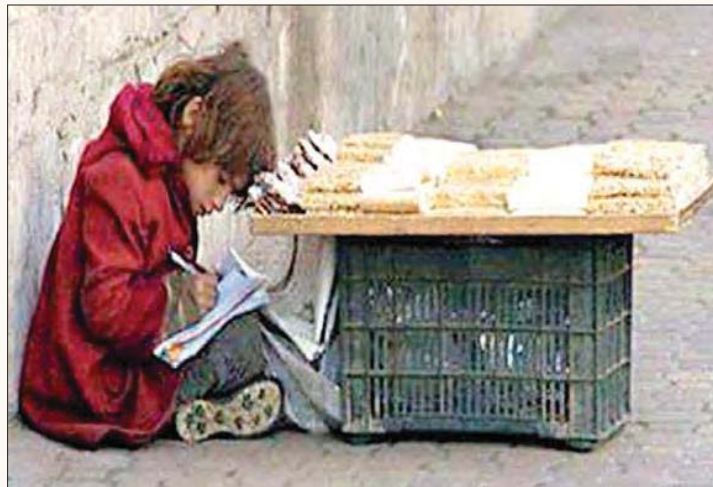
در مدارس غیرانتفاعی که حجم بالایی از منابع مالی در آن جابه‌جا می‌شود، کلاس‌های کنکور پشت سر هم برگزار می‌شود و به جای آنکه دانش‌آموز یک‌بار اضطراب کنکور را تجربه کند، باید در طول سال چندین بار بمیرد و زنده شود تا شاید در کنکور پیروز شود. شما در نظر بگیرید با این شرایط دانش‌آموز و خانواده او چه وضعیتی دارند و نهایتاً این فرد دچار چه آسیب‌های روحی و جسمی می‌شود. فردی را می‌شناسم که در زمره المپیادی‌ها و دانش‌آموزان برتر بوده و در کنکور هم رتبه بالایی آورده است. این فرد به‌خاطر تحمل فشارهای عظیم، در ۲۳ سالگی بیمار دیابتی شده است، نهایتاً نیز رشته مهندسی دانشگاه معروف را از میانه رها کرده و به حوزه دیگری رفته و امروز در رشته کارگردانی فعال شده و تحصیل می‌کند. چه اتفاقی برای این فرد افتاده است؟ مدت‌ها از رویاها و آرمان‌هایش جدا شده و به‌خاطر سیاست‌گذاری‌های غلط مجبور شده نقطه شروع زندگی خود را در جای دیگری قرار دهد و بخشی از عمر خود و بخشی از منابع کشور را تلف کند.

### گلادیاتورها در مدارس

افسردگی‌ها و مشکلات عظیمی که فرزندان ما در این نظام آموزشی غلط متحمل می‌شوند به زعم من به نظام برده داری شبیه است که در آن بچه‌ها را مثل گلادیاتورها به جان هم می‌اندازیم تا برای رسیدن به جایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی همدیگر را حذف کنند. این افراد علاوه بر عدم تعهد نسبت به جامعه و عدم حس مسؤلیت در برابر آسیب‌ها و مشکلات پیرامون خود حتی نمی‌توانند زندگی خانوادگی خوبی را هم تجربه کنند زیرا مهارت‌های اجتماعی لازم را کسب نکرده‌اند و شاهد آن نیز آمار بالای طلاق در کشورمان است که قطعاً بدتر از این هم خواهد شد. در گذشته بچه‌ها در محله بازی کرده و با اقوام و خویشاوندان تعامل داشتند. در آن زمان محیط مدرسه گرم و صمیمی بود و دانش‌آموز پیوسته در محیط اجتماعی زندگی می‌کرد. این در حالی است که کودک امروز در محله‌های مناطق توسعه یافته جایی برای دوست‌یابی جز فضای مجازی ندارد. افرادی که در این مناطق تربیت می‌شوند عموماً افرادی خودخواه، خود محور و خودپرست می‌شوند که فردا به داد هیچ کس نخواهند رسید و نهایتاً شهرهای ما دچار بیگانگی می‌شود که نتیجه‌اش این می‌شود که همه روی اعصاب هم راه می‌روند.

در حال حاضر در تهران به گفته معاون شهرداری حدود بین ۱۵ تا ۳۰ هزار کارتن خواب داریم. در واقع آنقدر تعداد آنها زیاد شده که ما در حال همزیستی با کارتن خواب‌ها و معتاها هستیم. واکنش مادر برابر این رویداد فشار به شهرداری برای جمع‌آوری آنها است. ما نمی‌خواهیم این افراد را در اطرافمان ببینیم و از خلسه رفاه شخصی خود بیرون بیاییم. این در حالی است که در گذشته هر کس در محیط زندگی خود نسبت به نیازمندان احساس مسؤلیت می‌کرد. پزشکیانی بودند که مطب‌شان به روی افراد نیازمند باز بود، اما آیا از مدارس امروز ما چنین پزشکیانی بیرون خواهند آمد؟

عدالت آموزشی در جایی تحقق پیدا می‌کند که اجتماع و جامعه وجود داشته باشد. متأسفانه ما امروز فرآیندهای اجتماعی را از بین برده‌ایم. ما چنان آدم‌ها را تکه تکه و فرد محور کرده‌ایم که حتی در مدرسه هم رسوخ پیدا کرده و کودکان ما در این محیط لذت با هم بودن را نمی‌چشند؛ بنابراین ضمن اینکه بر محوریت‌زدایی در بحث عدالت آموزشی تأکید می‌کنم فکر می‌کنم باید برای اهداف نظام آموزشی نیز چاره‌ای اندیشیده شود. متأسفانه راهی که ما می‌رویم راه اشتباهی است و باید به‌طور جدی بخواهیم در نظام آموزش و پرورش ما به این بردگی پایان داده شود و این رقابت‌کننده کنکور از بین برود.



با استانی از فرصت‌های بهتری برای آموزش برخوردار هستند، اما خود این مناطق تحت‌تأثیر یک فاجعه انسانی هستند که از طریق نظام ناسالم آموزش و پرورش در حال تحقق است. در این فکر بوده‌ام که چه اصطلاحی را برای نظام آموزش و پرورش کشور با این هدف‌گذاری پیدا کنم، تنها چیزی که پیدا کردم این است که این نظام آموزش و پرورش با نظام برده‌داری مدرن برابری می‌کند. نظامی که درصد تولید انسان نیست، بلکه تنها افرادی پرورش می‌دهد که صرفاً به خودشان توجه می‌کنند و این نظام نهایتاً به فردگرایی بسیار افراطی و به قیمت نادیده گرفتن و تا سرحد نابودی بقیه منجر می‌شود. در واقع هدف‌گذاری نظام آموزش و پرورش کنونی ما بر کنکور استوار است و نه بر رسیدن به یک جامعه انسانی که افراد از مهارت‌های لازم برای تعامل سازنده با یکدیگر برخوردار باشند.

### بی‌عدالتی در مناطق توسعه یافته

در شرایط کنونی شاهدیم که امروز فرزندان ما توسط خودمان، اولیای مدارس و کسانی که با نگاهی انتفاعی و سودجویانه پایه‌گذار کلاس‌های کنکور بوده و ابعاد مادی را به نظام آموزش و پرورش ما تزریق کرده‌اند، به گروگان گرفته شده‌اند و خروجی آن نیز انسان‌های بیگانه از یکدیگر است. در این رویکرد، فارغ‌التحصیلان چنین نظام آموزشی ممکن است یک پزشک یا مهندس عالی‌رتبه شوند، اما این پزشک یا مهندس به هیچ وجه به افراد اطراف خودش به‌عنوان یک انسان نگاه نمی‌کند. او به این نتیجه رسیده که تمام عمر من برای رسیدن به این جایگاه مادی تلف شده است، بنابراین باید به لحاظ مالی آن را جبران کنم ولو به‌قیمت نادیده گرفتن بدیهی‌ترین جهات انسانی و اخلاقی و مروت و انصاف.

در واقع با این شیوه ما یک نوع مادی‌گرایی و فردگرایی بسیار مغرط را در فرزندانمان برجسته می‌کنیم و حق حیات اجتماعی، حق زندگی شاداب و درست را از آنها گرفته و دریغ می‌کنیم. برخلاف آنچه در عدالت آموزشی از آن سخن می‌گوییم هر چه دانش‌آموزان در مناطق توسعه یافته‌تری باشند، بیشتر به گروگان گرفته می‌شوند. درست است که دانش‌آموز منطقه محروم امکانات و تجهیزات ندارد اما در آن مناطق، فرصت‌هایی برای کودکان وجود دارد تا دور هم بنشینند و گاهی اوقات با هم بازی کنند، فرصتی وجود دارد برای با هم دوست شدن و برقراری تعاملات میان یکدیگر. در این مناطق، روح انسانی چه میان بچه‌ها با یکدیگر و چه میان بچه‌ها و معلمین جریان دارد. اما در مدارس مناطق توسعه یافته این روح غایب است.



## فستیوال کتاب



نمایشگاه کتاب در آستانه سی سالگی صاحب خانه شد

# جراحی بزرگترین رویداد فرهنگی ایران

می‌بایند. همچنین هر ساله در این نمایشگاه، یک کشور به‌عنوان مهمان ویژه شرکت می‌کند و بخش‌های گوناگون ادبیاتش را با بهره‌گیری از فضای نشر خاص معرفی می‌کند. در طول مدت برگزاری، بیش از هفت هزار ناشر معتبر و اثرگذار از نزدیک به ۱۱۰ کشور در این نمایشگاه شرکت می‌کنند و به‌طور میانگین جمعیتی در حدود ۳۰۰ هزار نفر از این نمایشگاه بازدید می‌کنند. نمایشگاه فرانکفورت که از سال ۱۹۴۹ برگزار می‌شود به دلیل میزان بالای تبادلات و معاملات (تجارت نشر) مهم‌ترین نمایشگاه کتاب دنیا به شمار می‌آید. اما در کنار این نمایشگاه آلمانی، نمایشگاه بسیار معتبر دیگری قرار دارد که در لندن برگزار می‌شود. نمایشگاه کتاب لندن یک نمایشگاه کتاب سالانه است که معمولاً در ماه آوریل برگزار می‌شود. این نمایشگاه در سال ۱۹۷۱ پایه‌ریزی شد. در حال حاضر این نمایشگاهی یکی از رویدادهای اثرگذار صنعت نشر در سطح دنیا است و سالانه بیش از ۲۵ هزار ناشر، کتابفروش، عوامل خرید کتابخانه‌ها، مولفین و مترجمین از ده‌ها کشور دنیا در آن حضور می‌یابند. در کنار نمایشگاه، سمینارها و جلسات تخصصی مرتبط با نشر نیز برگزار می‌شود. نمایشگاه کتاب لندن از نظر حجم و اندازه محصولات ارائه‌شده، پس از نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت، دومین نمایشگاه مهم جهان محسوب می‌شود چنانچه «قبله کتاب بازاری اروپایی» لقب گرفته است.

### رقابت با رقبا

نمایشگاه کتاب تهران اگرچه عنوان بین‌المللی را نیز بر پیشانی دارد اما نکته قابل توجه آن است که در طول دوره ۱۰ روزه برگزاری این نمایشگاه، بدون احتساب مهمانان و بازدیدکنندگان خارجی نیز جمعیتی صدها هزار نفری از شهروندان ایرانی از نمایشگاه بازدید می‌کنند. تعداد بازدیدکنندگان نمایشگاه کتاب تهران تنها در یک روز، رکورد تمامی بازدیدهای نمایشگاه‌های بزرگ کتاب را در دوره برگزاری‌شان، می‌شکند. از این نظر نمایشگاه تهران توانسته است در رقابت با نمایشگاه‌های رده اول جهانی از حیث تعداد بازدیدکننده، پیشی بگیرد. اما رقابت در نمایشگاه‌ها معمولاً بر سر تعداد بازدیدکننده نیست، بلکه حجم مبادلات تجاری متشکل از میزان خرید و فروش و قراردادهای حق‌التالیف و همچنین قراردادهای میان‌صنف‌های مختلف حوزه چاپ و نشر کتاب مهم‌ترین بخش برگزاری نمایشگاه‌ها است؛ رقابتی که نمایشگاه تهران،

### شایان ربیعی

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سی سالگی، سومین خانه‌اش را هم تجربه کرد تا مجموعه عظیم شهر آفتاب، محل اختصاصی و دائمی برگزاری این

نمایشگاه و شاید خانه بختش باشد. نخستین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سال ۱۳۶۶ در نمایشگاه بین‌المللی تهران (در انتهای بزرگراه چمران) برپا شد و تا سال ۱۳۸۵ برگزاری آن در همین مکان ادامه یافت. اما از سال ۱۳۸۶ به مصاحبه امام خمینی (ره) تهران (در محله عباس‌آباد) کوچ کرد و در سال ۱۳۹۵ (بیست و نهمین دوره) محل برگزاری به مجموعه نمایشگاهی شهر آفتاب در جنوب شهر تهران منتقل شد. نخستین دوره این نمایشگاه در پاییز برگزار شد. در آبان سال ۶۶. از چهاردهم ماه تا بیست و دوم، اما رسم پاییزی دیری نپایید و دومین دوره نمایشگاه با ۱۹ ماه فاصله در اردیبهشت سال ۶۸ برگزار شد. روال اردیبهشتی نمایشگاه با استقبال گسترده مردم مواجه شد و از آن پس تا امروز همه ادوار نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در این ماه از سال برگزار شده است.

### مختصات همزادهای خارجی نمایشگاه تهران

در همه جهان، نمایشگاه‌های کتاب را با نام شهرهای محل برگزاریشان می‌شناسند. بزرگترین نمایشگاه کتاب در جهان از لحاظ حضور ناشران معتبر جهانی و حجم مبادلات تجاری حوزه کتاب، نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت (Frankfurter Buchmesse) است. این نمایشگاه ۵ روزه، در اواسط اکتبر هر سال در نمایشگاه تجارت فرانکفورت در آلمان برگزار می‌شود. ۳ روز اول آن به بازدیدکنندگان تجاری (متخصصان صنعت چاپ و نشر) اختصاص دارد و ۲ روز آخر آن به روی بازدیدکنندگان عام گشوده می‌شود. همه ساله نویسندگان، نمایندگان عرصه نشر و شرکت‌های چندرسانه‌ای از سراسر جهان به منظور مذاکره و تعامل جهت دست یافتن به حقوق نشر و مجوز انتشار بین‌المللی آثارشان، عرضه و تبلیغ آثار و یافتن بازارهای جهانی، آشنایی با ناشران و عقد قراردادهای تازه در نمایشگاه کتاب فرانکفورت حضور

تعداد ناشران خارجی	تعداد ناشران داخلی	کشور شرکت‌کننده	دوره نمایشگاه
۱۹۶	۲۰۰	۳۲	دوره اول
۳۳۰	۲۵۰	۲۹	دوره دوم
۳۰۵	۳۴۱	۲۴	دوره سوم
۵۵۰	۵۲۰	۲۸	دوره چهارم
۵۶۵	۴۵۰	۲۶	دوره پنجم
۷۰۰	۵۲۶	۲۸	دوره ششم
۵۲۰	۷۵۰	۲۶	دوره هفتم
۴۷۰	۷۶۰	۳۸	دوره هشتم
۳۴۵	۱۳۴۰	۲۷	دوره نهم
۳۶۰	۷۴۰	۲۸	دوره دهم
۳۴۴	۱۲۰۰	۲۳	دوره یازدهم
۳۱۲	۱۰۰۰	۲۱	دوره دوازدهم
۴۳۰	۱۱۶۵	۳۵	دوره سیزدهم
۴۶۰	۱۴۶۰	۲۷	دوره چهاردهم







## کتاب را شیک عرضه کنیم

کتاب را یک کالای فرهنگی بدانیم یا کالای اقتصادی یا ترکیبی از هر دو؟ در این نکته فرقی ندارد که عرضه آن باید با شرایطی همراه باشد. با اینکه تفاوت‌هایی

محمد هاشم اکبریانی



میان عرضه کالای فرهنگی و کالای اقتصادی وجود دارد، اما اشتراکات آنها نیز کم نیست. متأسفانه برخی به این نکته بی‌توجهند و گمانشان بر این است چون کتاب یک کالای فرهنگی است؛ بنابراین ارائه آن، از روش‌ها و اصول عرضه کالاهای اقتصادی کاملاً جداست. مثلاً گمان می‌رود شکل کتاب یا چگونگی بسته‌بندی آن با کالایی چون ساعت، تفاوت ماهوی دارد. برای همین هم کتاب با شکلی ساده و بدون بسته‌بندی شکیل، روانه بازار می‌شود، در حالی که ساعت برای عرضه، انواع و اقسام بسته‌بندی‌های زیبا را به خود می‌گیرد. این تصور که ارائه کتاب نیاز به آرایش ندارد از آن‌جا ناشی می‌شود که برخی معتقدند خوانندگان کتاب، افرادی هستند بی‌توجه به شکل یا بسته‌بندی آن، و آن‌چه برایشان مهم است محتوای کتاب است و بس. به این ترتیب در این باور، کتاب با هر حرفی تایپ شود، با هر کاغذی صفحه‌بندی شود، با هر جلدی پوشش بخورد، با هر بسته‌بندی به کتاب‌فروشی‌ها برود فرق چندانی ندارد. این برداشت شاید در صد سال قبل که طیف کتابخوان، محدود به الیت و نخبگان جامعه بود صحیح به نظر می‌رسید، اما در زمانه ما که مطالعه، عمومیت پیدا کرده و تمام آحاد جامعه می‌توانند مخاطب کتاب باشند این نگاه، نگاه براهی است. باید توجه کرد که خواننده امروز کتاب همان کسی است که ساعت و کفش و لباس و ماشین و لوازم خانه هم می‌خرد؛ بنابراین برای او همان قدر که زیبایی بسته‌بندی و زیبایی شکل کفش و ساعت اهمیت دارد، زیبایی جلد و کاغذ و نوع خطوط و... هم اهمیت پیدا می‌کند؛ این نکته بر سیم به نکته بعد. باید توجه کرد که عرضه کتاب هم باید با زیبایی همراه باشد. فرق است بین کتابفروشی‌ای که کتاب‌ها را صرفاً در قفسه می‌چیند و پیش چشم خواننده قرار می‌دهد و کتابفروشی‌ای که قفسه‌ها را می‌آراید و همراه با آن به تزئین کتابفروشی هم همت می‌گمارد. گذشت دورانی که کتاب اگر در پیاده‌رو و در قالب بساط هم عرضه می‌شد خریدار داشت. البته این نوع کتابفروشی هنوز هم جایگاه خود را دارد ولی دنیای امروز از جنس دیگر است و حرفی دیگر را می‌خواهد. آن‌چه در کشورهایی که مردمش کتابخوان هستند شاهدیم با کتابفروشی در قالب بساط یا مغازه‌ای بی‌آرایش متفاوت است. کتابفروشی‌های امروز شیک، مزین به انواع و اقسام تزئینات، دارای میز و صندلی برای استراحت، کافی‌شاپ و مانند اینها هستند. در واقع کتابفروشی امروز، آمیخته‌ای از خدمات متفاوت است. این امر نیز از همان موضوعی ناشی می‌شود که به آن اشاره کردیم؛ اینکه مطالعه، پدیده‌ای عمومی شده است و خوانندگان کتاب طیف‌های مختلف جامعه را در برمی‌گیرند که سلیقه و ذائقه‌شان با زیبایی و شیک‌بودن پیوند خورده است. شاید ذکر یک مثال در این‌جا بد نباشد. با ناشری که کتابفروشی‌اش را در یکی از مجتمع‌های بزرگ و زیبای تجاری راه‌اندازی کرده بود صحبت می‌کردم. او کتابفروشی خود را به شکل‌های مختلف تزئین کرده بود، به طوری که فرد با ورود به آن و با دیدن کتاب‌ها به وجد می‌آمد. ناشر می‌گفت اصلاً گمان نمی‌کردیم کتابفروشی ما که در طبقه پنجم مجتمع است تا این حد مورد استقبال قرار بگیرد، ولی خوشبختانه بسیاری از افرادی که می‌آیند ماهی یکی دو بار سر می‌زنند و برای بعضی‌ها هم این‌جا پاتوق شده است. اگر بخواهم درباره نمایشگاه بین‌المللی کتاب هم سخن بگویم به همین موضوع اشاره می‌کنم. بد نیست غرفه‌داران به تزئینات غرفه خود دقت بیشتری کنند. اینکه غرفه را مانند یک بساط بدانیم که کتاب را در خود جای داده، نمی‌تواند آن‌چنان که ناشر می‌خواهد به جلب مشتری بینجامد. بهتر است غرفه‌داران به این مقوله دقت کنند که خواننده امروز زیبایی در عرضه را هم از عرضه‌کننده، طلب می‌کند.

بازی آن را به رقبای معتبر خارجی‌اش می‌بازد. نکته قابل توجه آن است که نمایشگاه تهران در طول ۳۰ سال گذشته، غیر از یک دوره کوتاه مدت، رشد مثبت در رقم فروش و حجم مبادلات تجاری داشته است. سال گذشته در بیست و هشتمین دوره نمایشگاه که برای آخرین بار در مصلا امام خمینی (ره) برگزار شد، حجم ریالی فروش کتابها از طریق دستگاه‌های کارتخوان، مرز ۶۰ میلیارد تومان را پشت سر گذاشت. این در حالی بود که در سال قبل تر، فروش کتاب از طریق دستگاه‌های کارتخوان به ۵۰ میلیارد تومان می‌رسید. اگر به این ارقام ۲۵ درصد فروش نقدی کتاب را هم اضافه کنیم، فروش کلی کتاب در دوره‌های بیست و هفتم و بیست و هشتم کتاب به ترتیب به حدود ۶۳ میلیارد تومان و ۷۵ میلیارد تومان می‌رسد. این ارقام توانست شگفتی بسیاری از ناشران و رسانه‌ها را برانگیزد زیرا اولین باری بود که بازار کتاب در یک دوره کوتاه مدت ۱۰ روزه، می‌توانست رقم‌های میلیاردی قابل توجهی را تجربه کند. البته پیشتر از این نیز به ویژه در بیست و سومین نمایشگاه کتاب تهران، که در سال ۸۹ برگزار شد، محمد حسینی، وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی از رکورد پنج میلیون نفری بازدید از نمایشگاه و همچنین فروش ۱۰۰ میلیارد تومانی خبر داده بود، خبری که تقریباً هیچ کس باورش نکرد. به هر حال بر اساس آمارهای واقعی تر می‌توان مشاهده کرد که نمایشگاه کتاب تهران اگرچه دوره‌های افت و خیز داشته اما در نهایت سیر صعودی در حرکت خودش دارد و به ویژه در یکی، دو سال اخیر نیز مورد استقبال بیشتری از سوی مردم قرار گرفته است.

### روی ریل ۳۰ سالگی

نمایشگاه بیست و نهم کتاب تهران به رغم مخالفت‌های بسیار، برای نخستین بار در مجموعه نمایشگاه شهر آفتاب در جنوب تهران برگزار شد. روزهای نخست نمایشگاه که مصادف با تعطیلات عید میعت بود، رکورد بازدید روزانه نمایشگاه را در طول ادوار برگزاری شکست تا بیش از ۳۰۰ هزار نفر تنها در یک روز از این رویداد فرهنگی بازدید کنند. خرید کتاب از نمایشگاه با استفاده از دستگاه‌های کارتخوان اما هنوز رکورد سال گذشته را نشکسته است. سال گذشته به‌طور میانگین روزانه ۱۶۰ هزار تراکنش مالی انجام می‌شد اما امسال این عدد تکرار نشده و تا امروز به سقف ۱۴۰ هزار تراکنش هم نرسیده است. به هر حال نمایشگاه در خانه جدیدش منظر تحول‌های خوب است و امیدوار است تا در سال‌های بعدی، تجربه‌های بهتری به دست بیاورد. امسال حدود هزار و ۸۵۰ ناشر در بیست و نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حضور داشته‌اند. از این مجموع ۱۷۰۰ ناشر داخلی و ۱۳۰ ناشر و توزیع‌کننده خارجی بوده‌اند. جدول زیر اطلاعات جزئی تری در مقایسه دوره‌های مختلف نمایشگاه تهران در سه دهه اخیر ارائه می‌کند.

دوره نمایشگاه	کشور شرکت‌کننده	تعداد ناشران داخلی	تعداد ناشران خارجی
دوره پانزدهم	۳۴	۱۵۲۵	۶۰۰
دوره شانزدهم	۵۵	۱۹۰۰	۹۰۰
دوره هفدهم	۴۵	۱۱۲۳	۱۲۰۰
دوره هجدهم	۵۱	۱۸۱۸	۷۵۶
دوره نوزدهم	۶۶	۱۸۰۹	۹۲۵
دوره بیستم	۶۶	۱۸۳۶	۹۲۵
دوره بیست و یکم	۷۵	۱۹۶۸	۷۶۰
دوره بیست و دوم	۷۵	۱۹۸۲	۱۴۰۰
دوره بیست و سوم	۸۰	۱۹۵۴	۹۸۰
دوره بیست و چهارم	۶۷	۲۳۷۶	۱۶۱۴
دوره بیست و پنجم	۸۰	۲۴۵۱	۱۶۰۰
دوره بیست و ششم	۷۷	۲۴۵۰	۱۷۰۰
دوره بیست و هفتم	۶۱	۲۳۳۰	۱۸۰۰
دوره بیست و هشتم	۲۸	۲۴۵۰	۱۸۵۰
دوره بیست و نهم	۳۴	۲۴۶۰	۱۹۰۰

## مخاطبان سنگ تمام گذاشتند



علیرضا بهرامی

هر جراحی درد و عوارض دارد، اما این امیدواری را در بیمار ایجاد می کند که به درمان و بهبود اوضاع

روزنامه نگار و مدیر انتشارات آرادمان

منجر می شود. برای مقوله انتقال نمایشگاه کتاب تهران از مصلابا به شهر آفتاب هم چنین وضعیتی را می توان متصور بود، اما باید دید آیا این حقیقت به یک واقعیت تبدیل و محقق خواهد شد؟ چرا که گاهی جراحی، به دلایل مختلف، از جمله خطاهای سهوی پزشکان و نیز بی توجهی ها و کم توجهی هایی که بعضا به عفونی شدن کالبد جراحی شده و مسائلی از این دست منجر می شود، شرایط دشوار و بعضا منجر به وضعیت های ناگوار را برای بیمار رقم می زند. انتقال نمایشگاه کتاب به فضایی متناسب با ماهیت برگزاری نمایشگاهها از جمله مقوله هایی بوده که در ابتدای امر و روی کاغذ، کمتر با آن می توان مخالفت داشت. اما این جامعه، ماجرای هدفمند شدن یارانه ها را هم از سر گذرانده است؛ مقوله ای که هر نگاه آکادمیکی، به لازم، موثر و مفید بودن آن ایمان داشت اما آیا این موضوع موجه، به بهبود وضعیت در جامعه منجر شد؟

یکی از مخاطره هایی که نمایشگاه کتاب را در شهر آفتاب تهدید می کند، موضوع عدم پایداری و عقلائییت، تدبیر در امور اجرایی و وفاداری به مدل های علمی مدیریت شهری و فرهنگی است؛ موضوعی که دست کم در سه روز برگزاری نمایشگاه امسال مشهود بود و شرایطی که چندین مطلبی را برای بازدید کنندگان و غرفه داران رقم زد. رسانه ها نیز در این مقطع، انصافا وجه نوپا بودن نمایشگاه در شهر آفتاب را لحاظ کرده، به مدارای با آن پرداختند؛ اما دشواری هایی که الزاما به مسائل زیرساختی ارتباطی نداشته و به ضعف در مدیریت و چینش های منطقی مربوط بودند، و به شرایط مربوط به دور اول بودن نمایشگاه در محل جدید در مورد آن ها صدق نمی کند و قابل گذشت نیست. از سوی دیگر، یکی دیگر از مخاطره های برپایی نمایشگاه کتاب در محل جدید، چنددستگی در مراکز مدیریتی بوده که هر کدام خود را محق به دخالت در امور و تصمیم گیری در این نمایشگاه می دانند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تشکل های صنعت نشر و حال شهرداری تهران، هر کدام بالقوه، خود را رئیس این نمایشگاه می دانند که اصرار آنها و تفکیک نشدن حوزه وظایف آنها شرایط دشواری را برای این رویداد عظیم فرهنگی رقم می زند. با این اوصاف، یکی از دغدغه های پیشین که اکنون به نقطه امیدواری نمایشگاه تبدیل شده، لیبیک گفتن ناشران و مهم تر از همه، مخاطبان بوده که انصافا امسال سنگ تمام گذاشتند و امید که این لیبیک بزرگ، از جانب تصمیم گیران و مسوولان قدر دانسته، به عنوان یک سرمایه، با مدیریت صحیح، به یک دستاورد غیر قابل انکار و بسیار سودمند تبدیل شود.

## کتاب خوب را از کجای نمایشگاه بخریم؟



محسن فرجی

نمایشگاه کتاب حالا به صفحه بیست و نهم رسیده و برای خودش کتاب قطوری شده که صفحاتش خواندنی و به یاد ماندنی است. از این منظر،

نویسنده و روزنامه نگار

چنین اتفاق فرهنگی بزرگی به یک جشن سالانه بدل شده که برای دوستداران کتاب و کتابخوانی خوشایند و دوست داشتنی است. اما از منظر دیگری، نمی توان چشم به روی کاستی های آن بست و از کنار رویدادی که با هزینه ای هنگفت به انجام می رسد، بی اعتنا و بدون نقادی جدی گذشت. مثلا نقدی که همواره به آن وارد بوده و هنوز هم راه حلی برایش پیدا نشده، این است که نمایشگاه بیشتر یک فروشگاه بزرگ است تا یک نمایشگاه واقعی با تعاریف و کارکردهایش. اما از جمله موضوعاتی که کمتر به آن پرداخته شده و هر ساله در نمایشگاه رخ می نماید، در همریختگی شگفت آوری است که در چینش غرفه های ناشران دیده می شود و چهره این جشن را مخدوش می کند.

البته متولیان برپایی نمایشگاه، در یک تقسیم بندی کلی، ناشران را تحت عناوین عمومی، دانشگاهی و کودک و نوجوان مجزا کرده اند. بخشی را هم به نشر بین الملل اختصاص داده اند. بعد هم ناشران هر کدام از این بخش ها را بر مبنای حروف الفبا کنار هم نشانده اند. از جهتی، این تقسیم بندی که برای سهولت دسترسی به غرفه ها صورت گرفته، راهگشاست، اما از جهتی دیگر، به همان آشفتگی عجیب و غریبی منجر شده است که به آن اشاره کردیم. چون بی تعارف شاید تعداد ناشران جدی و اثرگذار در حوزه علوم انسانی و خاصه ادبیات، بیش از تعداد انگشتان دو دست نباشد، اما این ناشران معدود و محدود، در انبوه ناشرانی محاصره شده اند که کتاب های عسل درماتی و مدیریت یک دقیقهای و آشپزی های رنگارنگ و ... برای فروش آورده اند. مخاطب بخت برگشته کتاب های جدی هم باید این همه ناشر را ببیند و بی اعتنا از کنارشان بگذرد تا خودش را به همان ناشران جدی برساند. در آنجا هم با همفکران خودش مواجه می شود که جلوی این غرفه ها تجمع کرده اند و ناخواسته دیدن و انتخاب و خرید کتاب را برای دیگران دشوار کرده اند.

در حالی که می توان در یک تقسیم بندی دیگر، ناشران را تقسیم بندی کیفی کرد و حتی ناشران را بر مبنای محتوای عمده کتاب هایشان به ادبی، فلسفی، هنری و ... از هم مجزا ساخت تا مخاطب بتواند مستقیما با کمترین صرف انرژی و وقت به سراغ ناشران و کتاب های مطلوبش برود. اگر هم به این ناشران پرمخاطب، فضایی وسیع تر و مجهز تر از وضعیت فعلی اختصاص یابد، مخاطبان جدی کتاب به واقع یک جشن بیکران را در نمایشگاه تجربه می کنند. در این صورت خریداران و دوستداران کتاب های عامه پسند و آسان فهم هم می توانند راحت تر و سریع تر به غرفه های مطلوب خود برسند و آثار مورد نیازشان را تهیه کنند. البته که این کار، یعنی جداسازی کیفی ناشران، مستلزم یک برنامه ریزی دقیق و جدی و کاربردی است، اما نشدنی نیست. چنانچه تاکنون سه بار محل برگزاری نمایشگاه را تغییر داده اند و این آزمون و خطا در مکان برپایی نمایشگاه، نهایتا به وضعیتی پایدار و قابل قبول رسیده است. این اتفاق هم شدنی است و بعد از یک درهم ریختگی اولیه، حتما به نتیجه ای مطلوب می رسد تا علاقه مندان به کتاب های خوب و جدی، بیشترین بهره را از نمایشگاه در کمترین زمان ببرند.





## پتانسیل تبدیل شدن به نمایشگاه تمام عیار

و مولفان خوب است، چون از این رهگذر، ناشران بخشی از کاستی پخش را با فروش مستقیم جبران می‌کنند و نویسندگان و مترجمان هم، امکان رابطه مستقیم تری با خواننده‌ها می‌یابند. افزون بر نمایشگاه کتاب تهران، در نمایشگاه‌های فرانکفورت و لایپزیک در آلمان حضور داشته‌ام. نمی‌توان نمایشگاه تهران را با این دو مقایسه کرد؛ نه از نظر کارکرد و نه از نظر اجرا. در آنجاها بخش فروش کتاب کم‌رنگ است یا وجود ندارد، در عوض، بخش مبادله حق کپی رایت و خرید و فروش آن رونق بسیار دارد و همینطور برنامه‌های جنبی اعطای جوایز به نویسندگان و مترجمان و نیز برنامه‌های ادبی سخنرانی و خوانش آثار و...

ساختمان شهرآفتاب از نظر امکانات بالقوه‌اش، ظاهراً بسیار شبیه‌تر به نمایشگاه‌هایی است که تاکنون دیده‌ام و در این زمینه امکان و پتانسیل نهایی تبدیل شدن به یک نمایشگاه کامل و تمام‌عیار را دارد. برخلاف نظر برخی از بازدیدکنندگان و دوستان، بر این باورم که به علت دوری مکان و زمان نزدیک به ۱۰ ساعت برگزاری نمایشگاه، باید همه امکانات پذیرایی از افراد فراهم باشد، امکان فراهم کردن خوراک و نوشیدنی و... و ارتباطات اینترنتی که در مورد اخیر به نظرم خوب است بیشتر روی آن کار کنند.

مثلاً تا جایی که من خبر دارم در نمایشگاه تهران شرکت‌های اینترنتی خصوصی یا دولتی امکان اتصال به شبکه بی‌سیم اینترنت پرسرعت را چنان که باید فراهم نکرده بودند، قبلاً هم همین کاستی وجود داشت. وجود چنین امکانی اطلاع‌رسانی سریع بازدیدکنندگان و غرفه‌داران به محیط خارج از نمایشگاه و خبررسانی سریع را برای تمام خبرنگاران فراهم می‌کند. بهتر است مسوولان به این قضیه فکر کنند و به نحو ممکن در رفع این کاستی بکوشند.

در سایر مکان‌های نمایشگاهی که من از آن دیدار کرده‌ام، فضای داخلی نمایشگاه‌ها، کاملاً فرهنگی و به دور از فضای حاشیه‌ای بوده است. تا جایی که من دیدم، این مساله در نمایشگاه امسال کم‌رنگ‌تر بود به گمانم، از سوی دیگر تجربه هر ساله نمایشگاه، برای ناشران امکان خوبی است برای بررسی گرایش‌های مختلف طیف عظیم خوانندگان و مصرف‌کنندگان محصولات فرهنگی و برای مترجمان و شاعران و سایر پدیدآورندگان، امکان ارتباط زنده با مخاطبان است. من به شخصه فقط در اینجاست و در این چند روز است که امکان پیدا می‌کنم با برخی از خوانندگان از نزدیک آشنا بشوم و مهم‌تر از همه با برخی از نویسندگان شهرستان‌نشین که در این اردیبهشت زیبا، به تهران می‌آیند تا با دوستان خود دیدار تازه کنند. پس بنا بر تمام این دلایل گفته و ناگفته، رفتن به نمایشگاه کتاب تجربه‌ای خوب است و شیرین و گاهی اندکی تلخ و همراه با نوعی نوستالژی، زمانی که هر ساله متوجه جای خالی برخی از همکاران و پیشکسوتان حرفه خودت می‌شوی، آنهایی که خودشان دیگر نیستند ولی نامشان بر کتاب‌ها می‌درخشد و آثارشان یاد آنها را در تو زنده می‌کند و تو در می‌یابی که کلمات از انسان‌ها مانا ترند و در می‌یابی که زمان بر همگان می‌گذرد، چه دولتمند و دولتمرد و چه اهل فرهنگ و چه ناشر، آنچه می‌ماند نیکی است و خاطره خوش.

«شهر آفتاب»؛ چه نام قشنگی

برای نمایشگاه کتاب، دیروز، بیستم اردیبهشت، اولین روزی بود که به نمایشگاه کتاب می‌رفتم. از کرج تا

علی عبداللهی  
نویسنده و شاعر و مترجم



آنجا، با مترو، نزدیک دو ساعت و نیم توی راه بودم ولی یکرست در ایستگاه نمایشگاه پیاده شدم. مثل همیشه در سفرهای طولانی شهری، این بار هم برای استفاده از این زمان ناگزیر، کتابی با خود داشتم که چهل، پنجاه صفحه‌ای از آن را خواندم. مدخل ایستگاه ورودی دلباز بود و با نمایشواره‌های موزیکال ورود بازدیدکننده‌ها را خوشامد می‌گفتند.

این در نوع خودش ابتکار جالبی است. بعد با اتوبوس رفتم تا نزدیک یکی از سالن‌ها. نمای عمومی و کلی نمایشگاه، زیباست و چشم‌نواز و با فضای نمایشگاه کتاب همخوانی بیشتری دارد؛ با آنکه پیداست هنوز در حال ساخت‌وساز و تکمیل آن هستند و هنوز برخی جاها نیمه کاره است. پیداست در طراحی و اجرای آن هم ذوق به خرج داده‌اند. دستشان درد نکند. از ساعت سه و اندی تا هشت عصر، فقط سالن ناشران عمومی را دیدم. در غرفه‌های ناشران مورد علاقه‌ام دقایقی درنگ کردم و برخی کتاب‌های تازه و دوستان ناشر و نویسنده را دیدم. هنوز زود است بشود در مورد آمار فروش کتاب و مقایسه‌اش با فروش نمایشگاه‌های قبلی حرف زد، این را باید ناشران بگویند و بازدیدکنندگان به هیچ نحوی نمی‌توانند آن را تخمین بزنند. باید بگویم امسال سالن‌ها روشنایی و هوای کافی دارند و بازدیدکننده نفس تنگی نمی‌گیرد و حتی جابه‌جا می‌شود آمد بیرون از سالن‌ها، نفسی تازه کرد و دوباره به بازدید ادامه داد. امکانات جانبی هم پیداست که خوب است در حد نخستین سال برپایی یک نمایشگاه در مکان جدید می‌ماند دوری راه که شاید در سال‌های بعد برای آن فکری بکنند، مثلاً در مسیر متروی تجریش - شهرآفتاب یکی در میان متروهای مستقیم بگذارند به سمت شهر آفتاب که فقط در ایستگاه‌های دروازه دولت و میدان امام توقف داشته باشد. بقیه عادی باشد و در تمام ایستگاه‌ها توقف کند یا اتوبوس‌هایی از اطراف تهران مثل کرج و ورامین و... بگذارند تا در ساعات مشخصی یکرست به نمایشگاه بروند و اقداماتی از این دست.

نزدیک سه دهه می‌شود که به نمایشگاه کتاب می‌روم، از آن زمان که فقط بازدیدکننده بودم و هنوز اثری از من منتشر نشده بود تا الان که مولف و مترجم هستم. هر سال می‌روم نمایشگاه. مهم نیست مکانش کجا باشد. به هر حال نمایشگاه سالانه کتاب در ایران یک رویداد مهم است، در جاهای دیگر هم همینطور. در این ۱۰ روز، آثار تازه را می‌بینی و با نویسندگان و ناشران و مخاطبان مختلف تهرانی و شهرستانی از نزدیک آشنا می‌شوی.

نمایشگاه کتاب در جاهای دیگر هم همین کارکرد را دارد، فقط بخش خرید و فروش کتاب در نمایشگاه تهران از جاهای دیگر پررنگ‌تر است و این به سازوکار نه چندان کارای پخش و نشر کتاب در ایران برمی‌گردد و به خودی خود کاستی محسوب نمی‌شود، یک خصلت کارکردی است که از قضا در جای خود برای ناشران



محمد غلامی پور

او از دو سالگی در مسیر موفقیت گام برداشته است. آرات حسینی بیش از دو سال زمان نیاز نداشت تا به شهرت برسد. آرات حسینی کودک دو ساله مازندرانی که با حرکات آکروباتیک خود، توجه دنیا را به خود جلب کرده است. پدرش به واسطه صفحه اینستاگرامی که برایش باز کرد مقدمات شهرت او را فراهم کرد تا اینکه دلی میل، یکی از معروفترین جراید اروپا او را دید و گزارشی مفصل از او منتشر کرد. محمد حسینی ۴۰ سال سن دارد و اهل بابل است. به گفته خودش، شغل او در حال حاضر آرات است. پس از سه ماهگی پدرش از شغلش دست کشید تا به طور کامل زندگی اش را وقف آموزش و تربیت فرزندش کند. پای حرفهای پدر آرات دو ساله نشستیم تا برآیم از آرات بگویم، از اینکه استعداد فرزندش از کجا شکل گرفته و چگونه می تواند در سنی که بسیاری به سختی راه می روند، پشتک بزند و از دیوار بالا برود.

نابغه دو ساله‌ای که توجه دنیا را جلب کرد

## مارسلوی برزیلی طرفدار آرات است

شرایطی را می‌سازیم که امکان تمرین وجود داشته باشد. آرات هنوز دو ساله است و در این سن امکان رفتن به باشگاه را ندارد. اکثر مربی‌ها می‌گویند برایش زود است به باشگاه برود و باید مربی خصوصی داشته باشد و اختصاصی تمرین کند. اما مربی خصوصی هزینه‌های خاص خودش را دارد و ما از عهده هزینه مربی خصوصی بر نمی‌آییم.

### اینستاگرام و گزارش دلی میل

وقتی اطرافیان استعداد آرات را دیدند به من پیشنهاد کردند که برایش یک صفحه در اینستاگرام باز کنم. پیش از این من با صفحات مجازی رابطه‌ای نداشتم اما آرات باعث شد که به پیشنهاد اطرافیان گوش دهم و صفحه‌ای به نام او در اینستاگرام بسازم. مدتی نگذشت که استقبال از صفحه او زیاد شد و به ۱۵ هزار فالوور رسید که خیلی از آنها خارجی بودند. اما آن‌طور که خارج از کشور مطرح شده بود هنوز در ایران شناخت زیادی از او نداشتند. تا اینکه روزنامه دلی میل انگلیس فیلم آرات را در اینستاگرام دید و گزارش ویژه‌ای از او تهیه کرد و پس از آن بود که در حدود چهل، پنجاه کشور دنیا، فیلم‌های آرات را در شبکه‌های تلویزیونی پخش کردند و حتی یکی از شبکه‌های تلویزیونی ژاپن برنامه زنده‌ای از طریق اسکایپ از آرات داشت و با ما گفت‌وگو داشتند.

### آرات در شبکه خبر

در آن زمان آرات در ایران هنوز به این میزان مطرح نشده بود و رسانه‌ها و مردم شناخت چندانی نسبت به او نداشتند. تا اینکه بعد از پخش متعدد فیلم‌های او از شبکه‌های خارجی، رسانه‌های داخلی هم با او آشنا شدند. پس از چند مدت شبکه خبر هم فیلم‌های او را پخش کرد و از ما خواستند که در برنامه‌های زنده حضور داشته باشیم و گفت‌وگویی انجام دهیم. پس از آن بود که آرات در ایران شناخته شد که به بیش از چهار الی پنج ماه نمی‌رسد.

### کشورهای اروپایی در صف خرید آرات

آرات در سن ۱۳ ماهگی پیشنهاد خارجی داشت. اشخاصی با من تماس گرفتند و پیشنهاد کردند که مقدمات مهاجرت ما را فراهم می‌کنند و شرایط آموزش و تربیت و هزینه‌های او را متقبل خواهند شد. پس از انتشار اخبار او، کشورهای زیادی پیشنهاد کردند که آمریکا و آلمان و کشورهای آسیایی و حتی اقلیم کردستان هم از علاقه‌مندان به خرید آرات بودند. اما ما به پیشنهادهای خارجی فکر نکردیم و فعلاً نمی‌دانیم تقدیر چیست و خدا چه می‌خواهد. بدون شک برای منی که از استان مازندران بیرون نرفتم

### پشتک اول در هشت ماهگی

آرات سه ماهه بود که به طور اتفاقی متوجه شدم دستان قوی‌ای دارد و می‌تواند به خوبی خودش را از هر جایی آویزان کند. وقتی به سن ۸ ماهگی رسید، علاقه داشت از میله آویزان شود یا پشتک بزند. در هشت ماهگی از میله آویزان بود که خودش پشتک زد. در این هنگام بود که یقین پیدا کردم آرات توانایی‌های بالقوه‌ای دارد که باید شکوفا شود. خیلی‌ها از این توانایی به‌عنوان استعداد نام می‌برند اما هر استعدادی بالقوه است و نیاز به تمرین و کوشش دارد تا بتواند شکوفا شود. در همان زمان دستگیره‌های برایش ساختم که در چند ماهگی از دستگیره آویزان می‌شد و وقتی کمی بزرگ‌تر شد به تدریج روی دستگیره تاب می‌خورد. من هم سعی کردم روی توانایی‌های آرات کار کنم و با تمرین به قدرت دست‌هایش بیفزایم و میزان انعطاف بدنی و پشتک زدنش را افزایش دهم.

### تمرین با روزی سه، چهار دقیقه

از همان سه ماهگی تمرینات آرات را شروع کردم. اوایل روزی سه، چهار دقیقه با او تمرین می‌کردم و هر چه بزرگ‌تر شد زمان تمرین را بیشتر کردم و به ۱۰ دقیقه رساندم. تا یک سالگی هر وقت دوست داشت تاب می‌خورد و تمرین خاصی به جز تاب خوردن و آویزان شدن نداشت. به‌طور ناخودآگاه در هشت ماهگی پشتک زدن را یاد گرفت و بعد از آن بود که روی دستگیره تاب می‌خورد و پشتک می‌زد. من هم همراهی اش می‌کردم و هر روز با او نرمش می‌کردم و ماساژش می‌دادم. اما به تدریج خودش دارد یاد می‌گیرد که چطور نرمش کند و چه حرکاتی انجام دهد. من هم او را همراهی می‌کنم، روی قدرت بدنی اش کار می‌کنم و حرکتهایی مثل شنا رفتن، بارفیکس زدن، دراز و نشست و... را با او تمرین می‌کنم. در حال حاضر روزی نیم ساعت تمرین می‌کند اما تصمیم دارم زمان تمرینش را به یک ساعت برسانم زیرا بدنش جویبگو است.

### امکانات تمرین: مبل و تشک و بالش

ما امکانات سخت‌افزاری و لوازم تمرینی خاصی نداریم. وسایل مورد نیاز این کار را خودم می‌سازم یا اکثرًا از لوازم خانه مثل مبل و بالش و غیره استفاده می‌کنم. یک نرده چوبی درست کردم تا بتواند از آن آویزان شود و رو به جلو حرکت کند یا با استفاده از طناب و دستگیره یک «دار حلقه» ساختم و همچنین با یک میله یک متری، دستگیره‌ای ابتدایی تعبیه کردم. اکثرًا مبل خانه را به هم می‌ریزیم و با تشک و بالش